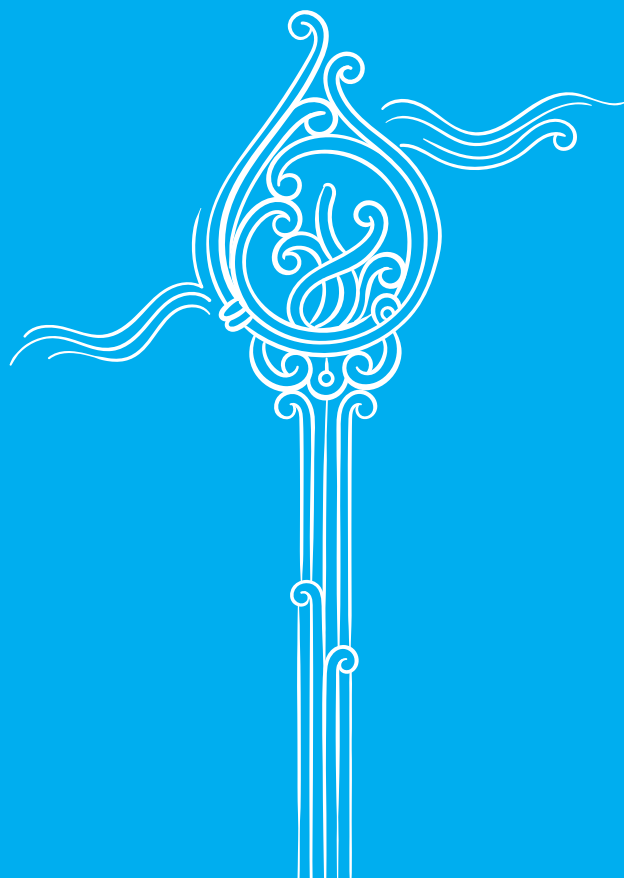






زندگی با آنکه بی‌رها

دفتر سوم: امت قوی

دسی فرمان برای
فتح قله‌های زندگی



سرشناسه: علیزاده، علی، ۱۳۷۵-

عنوان و نام پدیدآور: زندگی با آیه‌ها/ با مقدمه محمدرضا عابدینی؛

نویسندگان علی‌زاده، حمیدرضا محمودخانی.

مشخصات نشر: تهران: سازمان دارالقرآن کریم، نشر تلاوت، ۱۴۰۴.

مشخصات ظاهری: ۲۰۲ص؛ ۱۱×۱۷ س.م.؛ فروست: امت قوی؛ دفتر سوم.

شابک: ۱-۱۱-۵۱۰۱-۶۲۲-۹۷۸؛ وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع: راه و رسم زندگی -- جنبه‌های قرآنی -- Qur'anic teaching -- Conduct of life

موضوع: قرآن، برگزیده‌ها -- ترجمه‌ها -- Qur'an. Selections -- Translations

شناسه افزوده: محمودخانی، حمیدرضا، ۱۳۶۸-

شناسه افزوده: عابدینی، محمدرضا، ۱۳۴۱-، مقدمه نویس

شناسه افزوده: سازمان دارالقرآن الکریم، نشر تلاوت

رده‌بندی کنگره: ۲/۴۰۴/۲BP1؛ رده‌بندی دیویی: ۲۹۷/۱۵۹؛ شماره کتابشناسی ملی: ۱۰۳۵۰۵۲۲

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا



دفتر سوم: امت قوی

با مقدمه آیت الله محمدرضا عابدینی

نویسندگان: علی‌زاده، حمیدرضا محمودخانی

ویراستار: محمد کاظمی

مدیر هنری: علی‌رضا محب الطاهر

طراح جلد: سید محمد موسوی

صفحه‌آرا: علی عبادی فرد

ناشر: انتشارات تلاوت

چاپ و صحافی: واژه‌پرداز اندیشه

سال چاپ: ۱۴۰۴

تیراژ: ۲۰۰۰ جلد | قیمت: ۱۴۰،۰۰۰ تومان

شابک: ۱-۱۱-۵۱۰۱-۶۲۲-۹۷۸

شماره مرکز پخش (فروشگاه بصائر)



basaenshop.ir

۰۹۱۲۸۰۸۸۱۲۴ - ۰۲۱۶۹۵۶۰۹۵



۲۳

آیه اول: کمک نمی‌خواهی؟

وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ ﴿٢٣﴾ بقره | جزء ۱

۲۵..... قبل از اینکه پا به میدان بگذاری

۲۶..... دو بال برای پرواز

۲۹

آیه دوم: نیایش فاتحان

رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَبِّثْ أَفْئَامَنَا وَانصُرْنَا
عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿٢٩﴾ بقره | جزء ۲

۳۱..... کمک کن دلمان نلرزد

۳۲..... نیایش فاتحان

آیه سوم: کدام وعده؟

۳۵

الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ
يَعِدُكُم مَغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا ﴿٦٧﴾ بقره / جزء ۳

۳۷ خبرهای خوب فقط پیش خداست.

۳۸ جنگ شناختی و نبرد دو وعده در جان آدمی

آیه چهارم: تکیه گاه تو کیست؟

۴۱

وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ ﴿٧٢﴾ آل عمران / جزء ۴

۴۳ راز نشکستن

۴۴ سپر دفاعی چهارکلمه ای در برابر جنگ روانی

آیه پنجم: تکیه بر باد!

۴۷

أَيَّتَعُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا ﴿٧٩﴾ نساء / جزء ۵

۴۹ بگذار خدا آبروداری کند

۵۰ نشانی اشتباه

آیه ششم: عاشق از طعنه اغیار چه پروا دارد؟!

۵۳

يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ﴿٥١﴾ مائده / جزء ۶

۵۵ مبارزه همیشه دو جبهه دارد

۵۶ چگونه از سرزنش ها عبور کنیم؟

۵۹

آیه هفتم: حواست هست؟

إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقَعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ ﴿٦١﴾ مائده | جزء ۷
دست شیطان را در پوست گردو بگذار! ۶۱
راهبرد دشمن: تفرقه بنداز و حکومت کن! ۶۲

۶۵

آیه هشتم: خدا دوستشان ندارد!

وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ ﴿۳۱﴾ اعراف | جزء ۸
اندازه نگاه دار که اندازه نکوست ۶۷
گناهی که نمی بینیم ۶۸

۷۱

آیه نهم: دست خدا

وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَىٰ ﴿۷﴾ انفال | جزء ۹
دست خدا بود که پیروز شد ۷۳
امضای خدا پای کارنامه موفقیت ما ۷۴

۷۷

آیه دهم: قوی شو!

وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ ﴿۱۰﴾ انفال | جزء ۱۰
برو قوی شو! اگر راحت جهان طلبی ۷۹
قوی باش؛ دنیا با ضعیفها مهربان نیست! ۸۰

۸۳

آیه یازدهم: پُرسودترین معامله

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ
بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ ﴿١١﴾ توبه | جزء ۱۱

۸۵ این معامله فقط با توبه سود می‌رسد

۸۶ پای کدام معامله؟

۸۹

آیه دوازدهم: خزانِ بدی‌ها

إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ﴿١٢﴾ هود | جزء ۱۲

۹۱ هنوز می‌توانی درستش کنی

۹۲ نسخه‌ای برای ایستادگی

۹۵

آیه سیزدهم: زِ ذکر حق دلم آرام گیرد

أَلَا يَذْكُرُ اللَّهُ تَطْمِئِنُّ الْقُلُوبُ ﴿٩٥﴾ رعد | جزء ۱۳

۹۷ با یاد او آرام بگیر!

۹۸ نشانی دقیق آرامش کجاست؟

۱۰۱

آیه چهاردهم: صبر بی‌پایان

وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ ﴿١٠١﴾ نحل | جزء ۱۴

۱۰۳ صبوری، هدیه خداست

۱۰۴ صبری که از او می‌رسد

۱۰۷

آیه پانزدهم: هرچه کنی به خود کنی...

إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا ﴿١٥﴾ اسراء | جزء ۱۵

این دنیا آینه خانه است..... ۱۰۹

پژواکِ اعمال..... ۱۱۰

۱۱۳

آیه شانزدهم: نترس! تو پیروزی

قُلْنَا لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى ﴿١٦﴾ طه | جزء ۱۶

کسی حریف شما نیست..... ۱۱۵

نترس! تو برتری..... ۱۱۶

۱۱۹

آیه هفدهم: پیروزی نهایی

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ

يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ ﴿١٩﴾ انبیاء | جزء ۱۷

زمین به صاحبانش بازمی‌گردد..... ۱۲۱

آینده از آن ماست..... ۱۲۲

۱۲۵

آیه هجدهم: رمز بخشش خدا

وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا يُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ ﴿٢٢﴾ نور | جزء ۱۸

بخش و بخشیده شو!..... ۱۲۷

معامله‌ای عاشقانه با خدا..... ۱۲۸

آیه نوزدهم: مبارزه امروز

۱۳۱

فَلَا تُطْعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا ﴿١٩﴾ فرقان | جزء ۱۹

۱۳۳ بگو «نه»!

۱۳۴ بزرگ‌ترین مبارزه

آیه بیستم: خیال باطل!

۱۳۷

أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ

لَا يُفْتَنُونَ ﴿٢٠﴾ عنكبوت | جزء ۲۰

۱۳۹ نوبت امتحان تو هم می‌رسد

۱۴۰ ادعای ایمان، محک می‌خواهد

آیه بیست و یکم: راه را نشانت می‌دهند

۱۴۳

وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا ﴿٢١﴾ عنكبوت | جزء ۲۱

۱۴۵ سرانجام راه را نشانت می‌دهد

۱۴۶ خلاق شو!

آیه بیست و دوم: ساده‌لوحی ممنوع

۱۴۹

إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا ﴿٢٢﴾ فاطر | جزء ۲۲

۱۵۱ مبدا دشمن را فراموش کنی!

۱۵۲ خوش‌بینی به گرگ، مرگ‌بار است!

۱۵۵

آیه بیست و سوم: پیروزی قطعی است

وَإِنَّ جُندَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ ﴿۳۳﴾ صافات | جزء ۲۳

بی شک لشکر ما پیروز است ۱۵۷

آغاز یک رویش ۱۵۸

۱۶۱

آیه بیست و چهارم: سرسخت چون کوه

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ

أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا ﴿۳۴﴾ فصلت | جزء ۲۴

در ستایش سرسختی ۱۶۳

دعوی اصلی عالم ۱۶۴

۱۶۷

آیه بیست و پنجم: نسخه شفا بخش پیامبر

قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ ﴿۳۵﴾ شوری | جزء ۲۵

مُزد پیامبری چیست؟ ۱۶۹

اجر رسالت ۱۷۰

۱۷۳

آیه بیست و ششم: صلح تحمیلی ممنوع!

فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ

وَاللَّهُ مَعَكُمْ ﴿۳۶﴾ محمد | جزء ۲۶

گول صلح بازی هایشان را نخور! ۱۷۵

دوراهی فریبنده ۱۷۶

۱۷۹

آیه بیست و هفتم: نه مایوس و نه سرمست

لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ ﴿٣٧﴾ حدید | جزء ۲۷

دنیای دور روز است ۱۸۱

فرا تر از فرازونشیب ها ۱۸۲

۱۸۵

آیه بیست و هشتم: بن بست نداریم

وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ

وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ ﴿٢٨﴾ و ﴿٣٩﴾ طلاق | جزء ۲۸

با بن بست های زندگی چه کنیم؟ ۱۸۷

بن بست نداریم! ۱۸۸

۱۹۱

آیه بیست و نهم: نامه او را بخوان

فَاقْرَأُوا مَا تيسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ ﴿٢٩﴾ مزمل | جزء ۲۹

با آیه ها زندگی کن ۱۹۳

قطب نما و اقیانوس طوفانی ۱۹۴

۱۹۷

آیه سی ام: نشانی راحتی

فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ﴿٣٠﴾ و ﴿٣١﴾ شرح | جزء ۳۰

سخت بکوش تا آسان بگذرد ۱۹۹

هم سفر شیرین سختی ها ۲۰۰

مقدمه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
﴿وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ﴾^۱

قرآن، کتاب زندگی است که هم نشینی با آن، رنگ خدایی بر همه لحظات و روابط انسان می زند: ﴿صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً﴾^۲؛ و این رنگ الهی، آسان شدن همه امور زندگی و رفع موانع را به دنبال می آورد: ﴿فَسَنِّيَسِّرُهُ لِّلْيُسْرَى﴾^۳. در مقابل، کسی که به دستورهای قرآن و هم نشینی با آن پشت کند، زندگی اش را سراسر، مشکلات و سختی ها فرامی گیرد: ﴿فَسَنِّيَسِّرُهُ لِّلْعُسْرَى﴾^۴.
برای تحقق زندگی قرآنی، به نکاتی درباره انس با قرآن کریم اشاره می شود:

۱. قرآن، کتاب زنده و حیات بخش

قرآن، کتاب زنده ای است که هم نشینی با آن حیات بخش

۱. قمر/۱۷.

۲. بقره/۱۳۸.

۳. لیل/۷.

۴. لیل/۱۰.

است و ما را به مرتبه حیات دعوت می‌کند: «دَعَاكُمْ لِمَا يُخْيِيكُمْ»^۱. قرآن جاذبه‌ای دارد که همچون یک کانون مغناطیسی عظیم، مخاطبانش را به سوی خود می‌کشد. فقط باید خود را در معرض این جاذبه و باران حیات بخش قرار دهیم. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: إِنَّ الْقُرْآنَ ظَاهِرُهُ أَنْيَقُ وَبَاطِنُهُ عَمِيقٌ^۲؛ به درستی که قرآن ظاهری زیبا و شگفت‌انگیز دارد و باطنی عمیق و بی‌پایان، و غواصی در آن، برای هر کس تازه‌های لحظه به لحظه دارد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هُوَ فِي كُلِّ زَمَانٍ جَدِيدٌ وَ عِنْدَ كُلِّ قَوْمٍ غَضٌّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ»^۳.

۲. قرآن، سفره ضیافت الهی

قرآن، سفره گسترده ضیافت الهی است که برای هر کس با هر سلیقه و نیازی، غذای آماده دارد، تا هر کس هر کمالی را که می‌خواهد، بیش از طلب خود از آن بهره‌برد. همه مهمان این سفره‌ایم. رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «الْقُرْآنُ مَأْدِبَةٌ اللَّهِ فَتَعَلَّمُوا مَأْدِبَتَهُ مَا اسْتَطَعْتُمْ»^۴. پس باید بر اشتها یمان بیفزاییم تا بیشتر بهره‌مند شویم. کسی که متخلّق به قرآن شود، به اخلاق ربوبی و صفات ملکوتی متصف

۱. انفال/۲۴.

۲. نهج البلاغه (صبحی صالح)، خطبه ۱۸؛ زمخشری، محمود، ربیع الأبرار، ج ۱، ص ۱۵۳؛ ابن ابی الحدید، عز الدین، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۷۴.

۳. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۰، ص ۳؛ خطیب بغدادی، احمد، تاریخ بغداد، ج ۶، ص ۱۱۷. «قرآن در هر زمانی و برای هر مردمی، تا روز قیامت، تازه و باطراوت است». با همین مضمون در: ابن عساکر، علی، تاریخ مدینه دمشق، ج ۳۲، ص ۱۷۴-۱۷۵. سیوطی، جلال الدین، ۳۰؛ جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۱۶۲.

۴. همان، ج ۸۹، ص ۱۷؛ ابن ابی شیبّه، عبد الله، مسند ابن ابی شیبّه، ج ۱، ص ۲۵۱. «قرآن مرکز تربیت الهی است؛ پس در حدّ توان، ادب آن را بیاموزید».

می‌گردد؛ همان‌گونه که در وصف رسول اعظم ﷺ وارد شده است: «كَانَ خُلْفَةُ الْقُرْآنِ»^۱. کسی که کنار این سفره می‌نشیند، درمی‌یابد که صاحب سفره، کریمانه و سخاوتمندانه حضور دارد. دواى هر دردی و پاسخ هر مشکلی در قرآن هست. پس این سفره الهی را با مجالس خانگی قرائت قرآن و دست‌کم در بین اهل خانه، هر شب گسترده کنیم تا دل‌ها و خانه‌هایمان سرشار از نور آن گردد.

۳. قرآن، تداوم وحی الهی

قرآن بر قلب مبارک پیامبر اکرم ﷺ نازل شده است: «نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ عَلَى قَلْبِكَ»^۲ و از آنجا بر زبان حضرت جاری شده و تا گوش مخاطب، هنوز ادامه وحی الهی است. به همین جهت، توجه به این نکته که هرگاه آیه‌ای را می‌بینیم یا می‌شنویم، هنوز ادامه همان وحی الهی است که از وجود مبارک حضرت به ما می‌رسد، شیرینی هم‌نشینی و مخاطب با پیامبر خاتم ﷺ و خدای سبحان، ادب مراقبه در محضر قرآن کریم را صدچندان می‌کند.

۴. قرآن، سرچشمه محبت نامتناهی

نیروی عظیم محبت در وجود انسان، به سرعت او را به خدمت محبوب می‌رساند و هیچ مانعی قدرت ندارد که جلوی این حرکت را بگیرد. هر اندازه که محبوب، نامتناهی شناخته شود، سرعت حرکت

۱. احمد بن حنبل، مسند احمد، ج ۶، ص ۱۶۳؛ واقدی، الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۲۷۳؛

ابن ابی فراس، مجموعة وزام (تنبيه الخواطر)، ج ۱، ص ۸۹.

۲. شعراء/ ۱۹۳ و ۱۹۴.

نیز به سمت نامتناهی گرایش پیدا می‌کند؛ لذا فرموده‌اند: «يَا حَمَلَةَ الْقُرْآنِ تَحَبَّبُوا إِلَى اللَّهِ بِتَوْقِيرِ كِتَابِهِ يَزِدْكُمْ حُبًّا وَ يُحِبِّبْكُمْ إِلَى خَلْقِهِ»^۱. قرآن، محبوب نامتناهی است که انسان را به محبت نامتناهی و شکستن همه حدود دیگر می‌رساند. آیت الله بهجت رحمته الله می‌فرماید: اگر محبت در دل انسان بیفتد، او را به راه می‌اندازد و سرعت او را نامتناهی می‌کند؛ لذا با محبت و خدمت به قرآن، راه ارتباط با قرآن را برای خود باز کنید.

قرآن بهترین رفیقی است که می‌شود در هر لحظه و هر مکانی در خدمتش بود و با آن حرکت کرد.

۵. قرآن، سلاح و سپر در برابر دشمنان

در مقابله با دشمنان، قرآن سلاح و سپری است که دشمن در برابر هم‌نشین قرآن، قدرت مقابله را از دست می‌دهد و مجاهد قرآنی برای دشمن، پیش‌بینی ناپذیر می‌شود؛ زیرا هم از جهت تهاجمی و هم دفاعی، در قلعه محکم الهی قرار می‌گیرد که برای دشمن، ناشناخته و نفوذناپذیر است: «وَإِذَا قُرَأَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَسْتُورًا»^۲.

۶. قرآن، عامل استواری و خشوع

هم‌نشینی با قرآن، انسان را در برابر حوادث از کوه محکم‌تر کرده،

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۱۷. «ای حاملان قرآن! با بزرگداشت کتابش با خدا دوستی کنید تا شما را بیشتر دوست بدارد و شما را محبوب خلقش گرداند». با همین مضمون در: ابن عساکر، علی، تاریخ مدینه دمشق، ج ۳۲، ص ۱۷۴-۱۷۵. سیوطی، جلال الدین، ص ۳۰؛ جامع الأحادیث، ج ۹، ص ۱۶۲.

ولی در برابر خداوند سبحان، خضوع محض را به ارمغان می‌آورد: «لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَّرَأَيْنَاهُ خَائِشَعًا مُّتَصَدِّعًا مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ»^۱. البته محبت و اطاعت از ولی الهی که متحد با قرآن است «عَلَيْهِ مَعَ الْقُرْآنِ وَ الْقُرْآنُ مَعَهُ لَا يَفْتَرِقَانِ حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْخَوْصَ»^۲ نیز انسان را همچون کوهی راسخ می‌گرداند: «لَوْ أَحْبَبَّنِي جَبَلٌ لَّتَهَافَتَ»^۳.

امروز، عزم و جزمی که امانت ولایت و توحید را در بستر ظهور منجی عالم فراهم و دشمنان صهیونیسم را نابود می‌کند، زندگی قرآنی و محبت و خدمت به قرآن و ولی الهی است: «فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَّنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا»^۴. که مجاهدان با ندای قرآن و اطاعت از ولی الهی، در کوچه پس‌کوچه‌ها آن‌ها را تعقیب و به عقب رانده و نابود می‌کنند. این وعدهٔ تخلف‌ناپذیر الهی است که به دست مردان مقاومت قرآنی ان‌شاءالله به‌زودی محقق خواهد شد. «وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»^۵. رهبر معظم انقلاب می‌فرماید:

پایان کار متعلّق است به متّقین؛ هم پایان کار دنیا متعلّق به متّقین است، هم پایان کار آخرت متعلّق به متّقین است، هم مبارزات اگر بخواهد پیروز بشود، متعلّق به متّقین است، هم در میدان جنگ اگر بخواهید

۱. حشر/۲۷.

۲. طوسی، الامالی، ص ۶۰؛ حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۳۴.

۳. نهج البلاغه، حکمت ۱۱۱؛ زمخشری، محمود، ربیع الأبرار، ج ۱، ص ۷۲. ابن ابی الحدید، عزالدین، شرح نهج البلاغه، ج ۸، ص ۱۲۶. «اگر کوهی مرا دوست بدارد، از هم فرو ریزد».

۴. اسراء/۵.

۵. اعراف/۱۲۸.

بر دشمن پیروز بشوید، باید متقی باشید. ببینید! [اگر] دقت بکنید، [می بینید] عاقبت مال متقین است؛ این را یک خرده عمق پیدا کنیم، دقت پیدا کنیم، از جمله نگذریم... این همان تدبر در قرآن است.^۱

کتاب حاضر که در دل «نهضت ملی زندگی با آیه‌ها» شکل گرفته، تلاشی است متواضعانه در همین مسیر؛ کوششی برای تحقق همین «زندگی قرآنی» و چشیدن طعم شیرین هم‌نشینی با کلام وحی در متن مسائل امروز. الحمد لله این حرکت جمعی در سال‌های گذشته از توفیقات الهی بهره‌مند بوده و از خداوند متعال مسئلت داریم که بر ثمرات و برکات آن برای امت اسلامی بیفزاید و این قلیل را به کرمش بپذیرد.

از همه اهالی قرآن و مردم مؤمن کشور دعوت می‌کنیم به این جریان مبارک بپیوندند، تا هم خود از زلال وحی سیراب گردند و هم این آب حیات بخش را به کام همه تشنگان حقیقت برسانند و به این میثاق الهی جامه عمل بپوشانند؛ زیرا که فرمود: ﴿وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَهُ﴾^۲ و ﴿إِنَّ مَوْعِدَهُمُ الصُّبْحُ أَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ﴾^۳

وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

محمد رضا عابدینی

۱۴۰۴/۸/۲۰

۱. «بیانات مقام معظم رهبری در محفل انس با قرآن کریم»، ۱۶/۰۲/۱۳۹۸.

۲. آل عمران/۱۸۷.

۳. هود/۸۱.

پیشگفتار

بسم الله الرحمن الرحيم

آیا تا به حال طعم «زندگی با یک آیه» را چشیده‌اید؟ آن لحظه‌ای که در کورانِ یک سختی، آیه‌ای ناگهان در قلبتان می‌نشیند و تمام اضطراب‌ها را می‌شوید. یا در میانهٔ یک دوراهیِ سرنوشت‌ساز، کلامی از قرآن همچون چراغی پُر نور مسیر پیش رو را روشن می‌کند؛ آیه‌ای که دیگر فقط متنی بر روی کاغذ نیست، بلکه به یک دوست صمیمی، یک مشاور حکیم و پناهگاهی امن تبدیل می‌شود. این تجربه همان اکسیری است که روح را در هیاهوی دنیای امروز زنده نگه می‌دارد.

«نهضتِ زندگی با آیه‌ها» برآمده از همین باور است؛ باوری که می‌گوید قرآن، کتابِ زندگی در متنی میدان است، نه صرفاً کتابی برای نهادن در کُنجِ طاقچه. اکنون، برای سومین سالِ پیاپی، این نهضت سی آیهٔ منتخب را به عنوان سی شاه‌کلید برای گشودن قفل‌های ذهنی و رفتاری جامعهٔ امروز، محور حرکت خود قرار داده است و کتابی که پیش روی شماست، عصاره‌ای از این حرکت و تلاشی برای تجهیز شما در کارزار بزرگ امروز است.

این کارزار، میدان نبردش نه فقط خاک ریزهای خاکی، که قلب‌ها و ذهن‌های ما و اطرافیانمان است. جنگ، جنگ روایت‌هاست؛ نبردی میان روایتِ امید و یأس، روایتِ عزت و تسلیم. خداوند از همه ما که با کتابش آشنا شده‌ایم، پیمانی گرفته است: «لَتَبَيِّنَنَّ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْثُرُونَ»^۱؛ «باید آن را برای مردم بیان کنید و کتمان‌ش نکنید». این کتاب به شما کمک می‌کند تا ابتدا جان خود را از زلال وحی سیراب کنید و سپس، سفیر این آیه‌ها برای اطرافیانتان شوید و این پیام‌ها را به گوش جان دیگران نیز برسانید. این کتاب، یک جعبهٔ مهمات فکری و معنوی برای شماست تا در این «جهاد تبیین»، با دلی قرص و بیانی رسا، وارد میدان شوید.

اما نقشهٔ راه ما در این کتاب چیست؟ محتوای این مجموعه براساس دو گفتمان کلان و به هم پیوسته طراحی شده است: نخست، بازتعریف «قرآن؛ کتاب زندگی». این گفتمان یادآوری می‌کند که «رجوع مستمر به قرآن، تنها راه نجات از سردرگمی‌ها و ظلمت‌های دنیای معاصر است.» دوم، تبیین «مقاومت به عنوان تنها مسیر پیشرفت». این گفتمان، یک اصل راهبردی را تثبیت می‌کند که عزت و استقلال، با تکیه بر دشمن و تسلیم به دست نمی‌آید، بلکه محصول ایستادگی آگاهانه است.

آیات منتخب این کتاب، اجزای تکمیل‌کنندهٔ این نقشهٔ راه هستند و حول یک محور اصلی یعنی «استقلال و تسلیم‌ناپذیری»

سامان یافته‌اند. اینکه «عزت‌مندی و پیشرفت پایدار، با تکیه بر دشمن و تسلیم به دست نمی‌آید.» و این استقلال حقیقی، یک بنای باشکوه است که بر چهارستون استوار شده است:

۱. معنویت و اتصال به قدرت بی‌نهایت الهی، خاستگاه تسلیم‌ناپذیری ماست.

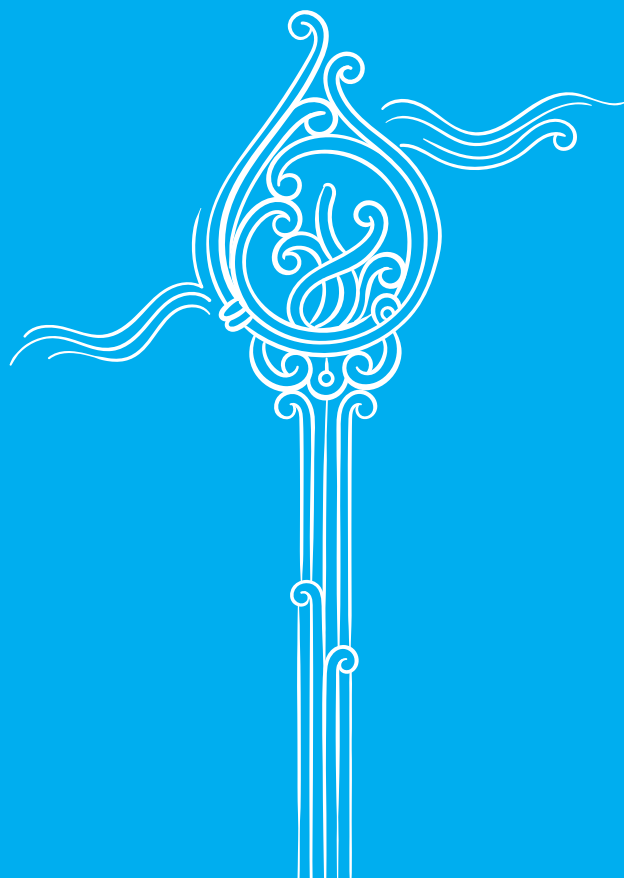
۲. اتحاد مقدس، سلاح اصلی ما در برابر دشمن، و تفرقه، اسم رمز شیاطین برای غلبه بر ماست.

۳. استقامت، راه رسیدن به قله‌های موفقیت است.

۴. پیروزی قطعی جبهه حق، یک قانون و سنت الهی است.

در هنگامه نبردی تاریخی که دوگانه اصلی آن «استقلال و تسلیم» است، این کتاب منشوری قرآنی برای «چگونه مستقل بودن و مستقل ماندن» است. امید می‌رود این مجموعه چراغی روشن در دستان شما باشد تا ابتدا طعم شیرین زندگی با آیه‌ها را بچشید و سپس روایت حق را به زیباترین شکل ممکن در گوش جان عزیزانتان زمزمه کنید.

و این گوی و این میدان.



آیه اول

کمک نمی خواهی؟

﴿وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ﴾

سوره بقره، آیه ۴۵

از صبر و نماز یاری بجوید.

در انجام کارهای بزرگ و سختی‌های
زندگی، کمک و پناه تو چیه؟!



سُورَةُ الْبَقَرَةِ

قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنِ تَّبَعَ
هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٣٨﴾ وَالَّذِينَ كَفَرُوا
وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٣٩﴾
يٰٓبَنِي إِسْرَءِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَوْفُوا بِعَهْدِي
أُوفِ بِعَهْدِكُمْ وَإِنِّي فَأَرْحَمُكُمْ ﴿٤٠﴾ وَعَامِنُوا بِمَا أَنْزَلْتُ مُصَدِّقًا
لِّمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أَوَّلَ كَافِرٍ بِهِ ۖ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي
ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِنِّي فَاتَّقُونَ ﴿٤١﴾ وَلَا تَلْسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكُونُوا
الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْمُونَ ﴿٤٢﴾ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ
وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ ﴿٤٣﴾ * أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ
وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿٤٤﴾
وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ
﴿٤٥﴾ الَّذِينَ يَتَذَكَّرُونَ أَنَّهُمْ مُلْقَوْنَ بِهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ﴿٤٦﴾
يٰٓبَنِي إِسْرَءِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ
عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿٤٧﴾ وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا
وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ﴿٤٨﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ



قبل از اینکه پا به میدان بگذاری...

مثل وزنه برداری که پیش از رفتن روی تخته و شکستن رکورد جهان، چند دقیقه با خودش خلوت می‌کند؛ مثل جنگجویی که پس از نواخته شدن شیپور جنگ، برای چند ثانیه چشم‌هایش را می‌بندد؛ مثل نویسنده‌ای که قبل از نوشتن یک داستان تازه، انگشتانش را روی صفحه کلید حسابی گرم می‌کند؛ تو هم پیش از پا گذاشتن به میدان‌های کوچک و بزرگ زندگی، سجاده‌ات را پهن کن تا استوارتر قدم برداری. باور کن نماز چیزی فراتر از آن خم‌وراست‌شدن‌های خواب‌آلود صبحگاهی است. باور کن نماز بزرگ‌تر از این ذکرهای شتاب‌زده من و توست. ما این نمازهای پنج‌گانه را خیلی دست‌کم گرفته‌ایم، رفیق!





تابه حال برای شما هم اتفاق افتاده است که در میانه یک کارِ بزرگ، یک آزمونِ مهم یا یک مشکلِ خانوادگی، ناگهان احساس کنید دیگر بنیه‌ای برای ادامه دادن ندارید؟ لحظه‌ای که رمقِ روحی و جسمی‌تان رو به پایان است و حس می‌کنید به آخرِ خط رسیده‌اید. در این لحظاتِ واماندگی، برای بازیابی نیروی خود به کدام تکیه‌گاه امن و پشتوانه مطمئن پناه می‌برید؟

قرآن برای این وضعیت، یک راهکارِ نجات‌بخش معرفی می‌کند که هم نیروی محرکه درونی انسان را تقویت می‌کند و هم او را به سرچشمه بی‌کران قدرت متصل می‌سازد: «وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ» (بقره/۴۵) از «صبر» و «نماز» یاری بجوئید.

روزه؛ تمرینِ قدرتمندشدن

نکته ظریف آیه این است که نمی‌فرماید فقط «صبور باشید»، بلکه امر می‌کند که از «صبر» به عنوان یک ابزار و منبع قدرت، یاری بجوئید و ماه رمضان، کارگاه بزرگ همین تمرین است. روزه، عالی‌ترین مصداق «کمک‌گرفتن از صبر» است. در روزه، شما به شکل ارادی سختی می‌کشید تا روحتان قوی شود. این دقیقاً یک صبر فعال و آگاهانه است؛ نه یک انتظار منفعلانه. هر لحظه از صبر، یک پیام روشن به خداست: «خداوندا، من میدان را خالی نمی‌کنم.» و همین پایداری در زمینه‌های مختلف، زمینه همراهی الهی را فراهم می‌کند، که: «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (بقره/۱۵۳).

نماز؛ اتصال مستقیم به مرکز فرماندهی هستی

اگر صبر، نیروی درونی است، نماز، اتصال به منبع تمام نشدنی قدرت است. نماز، ارتباط مستقیم با مرکز فرماندهی عالم است؛ مانند سربازی که در اوج نبرد تنها و زیر آتش مانده. ناگهان بی سیم اش کار می کند. با یک پیام از فرماندهی، هم روحیه می گیرد و هم مسیر را پیدا می کند. از این روست که نقل شده است: «هرگاه پیامبر ﷺ با مشکلی سخت روبه رو می شدند، به نماز پناه می بردند» و سپس همین آیه را تلاوت می کردند.^۱

این دو عنصر، که برای یک ملت، رمز عبور از گردنه های سخت تاریخی هستند، منفک از یکدیگر عمل نمی کنند. همان طور که رهبر معظم انقلاب می فرماید: «این صلوة یعنی آن ذکر، توجه، خشوع، ارتباط قلبی با خدا، در استحکام صبر تأثیر دارد.»^۲ این همان نگاهی بود که در ظهر عاشورا تجلی یافت. امام حسین علیه السلام در میانه میدان نبرد و اوج صبر، نماز را به پا داشت تا نشان دهد ریشه این استقامت از کجاست. این همان راهکاری است که یک فرمانده مانند حاج قاسم سلیمانی را هم مرد میدان نبرد و هم مرد محراب و نیایش شبانه می سازد.

۱. طبری، محمد، تفسیر الطبری، ج ۱، ص ۲۶۰؛ و همین سیره از امیرالمؤمنین علیه السلام در کافی نقل

شده است: کلینی، کافی، ج ۳، ص ۴۸۰.

۲. «بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رؤسای سه قوه و مسئولان نظام»، ۱۳۸۷/۰۶/۱۹.

زندگی با آیه

- 🕒 کتاب آداب نماز امام خمینی (ره) را بخوان تا بفهمی همین «نماز» چگونه روح را برای کارهای بزرگ، قدرتمند می‌کند.
- 🕒 پنج شنبه اول و آخر و چهارشنبه وسط هر ماه قمری را روزه بگیر^۱ تا اراده‌ات برای «نه» گفتن به گناه پولادین شود.
- 🕒 می‌خواهی یک عادت بد را ترک کنی؟ نمازهای واجب، ایستگاه‌های سوخت‌گیری اراده تو هستند. با صبر و نماز، وسط راه کم نیاور.
- 🕒 مادری و بی‌قراری شبانه نوزاد تو را خسته کرده؟ با نماز از خدا آرامش بگیر و با صبر، این جهاد عاشقانه را پُرثمر کن.
- 🕒 پدر خانواده‌ای و نگرانی‌های مالی آرامشت را گرفته؟ قبل از اذان صبح بیدار شو و استغفار کن و بعد از اذان به نماز صبح بایست. آرامش سحر، بهترین فرصت برای دریافت کمک از خداست.
- 🕒 در محیط کار دچار تنش و بی‌انصافی شده‌ای و می‌خواهی در اوج عصبانیت تصمیم بگیری؟ هیچ‌گاه تصمیم فوری نگیر. صبر کن تا وقت نماز ظهر. از نماز اول وقت کمک بگیر.
- 🕒 درگیر بیماری خودت یا یکی از عزیزانت هستی؟ نماز اول وقت در مسجد، پناهگاه روح بی‌قرار توست.
- 🕒 نمازت را با آداب و مستحبات بخوان، اول وقت بخوان، نافله را از امروز شروع کن. خلاصه یک قدم جلوتر بیا و نمازت را بهتر کن.



محتوای خودت را بساز



شهادت آیه‌ها

۱. این روزه با نام صوم الدهر بسیار سفارش شده است.

آیه دوم

نیایش فاتحان

﴿رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّثْ
أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾

سوره بقره، آیه ۲۵۰

خدایا! از صبر و استقامت سرشارمان کن و قدم‌هایمان
را محکم کن و بر این جماعت بی‌دین پیروزمان فرما.

چرا در این دعا، قبل از طلب «پیروزی»، ابتدا «صبر»
و «ثبات قدم» از خدا خواسته می‌شود؟



سُورَةُ الْبَقَرَةِ

فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ
 بِنَهَرٍ فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ
 فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنِ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرِبُوا مِنْهُ
 إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا
 مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ
 قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُم مُّكَلَّفُوا اللَّهَ كَمَنْ فَعَلَتْ
 قَلِيلَةً غَلَبَتْ فَعَلَةً كَثِيرَةٌ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ
 الصَّابِرِينَ ﴿٢٤٩﴾ وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا
 رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانْصُرْنَا
 عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿٢٥٠﴾ فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ
 وَقَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ وَءَاتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ
 وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ
 بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ ذُو
 فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿٢٥١﴾ تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا
 عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿٢٥٢﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ



کمک کن دلمان نلرزد

خدایا، ما باکری و همت و سلیمانی نیستیم؛ بنده‌های معمولی
تویم، لبریز از بیم و امیدهای کوچک و بزرگ. خدایا! یاری‌مان کن
که هنگام خواندن خبرها دلمان نلرزد، از ترور فرماندهان دلهره
نگیریم و با لاف و بلوف‌های دشمن ته دلمان خالی نشود. خدایا!
کممان کن بفهمیم که دشمن، هرچقدر هم که هیبت داشته
باشد، هرچقدر هم که پُزِ هیمنه‌اش را بدهد، در برابر جلال و جبروت
تو عددی نیست؛ که نصرت تو در هنگامه جنگ و ایستادگی نزدیک
است، حتی اگر دشمنان تو آن را دور ببینند؛ و حزب خدا پیروز است،
حتی اگر همه چرتکه‌های زمینی خلافتش را بگویند.





در هیاهوی نبردی که هر لحظه دشمن با «بمب‌های سنگر شکن» یأس، تردید و تهدید، بنیان‌های ایمان را هدف می‌گیرد و عقلِ مادی و دودوتا چهارتای زمینی فریاد می‌زند: «عقب‌نشینی کن! تو حریفش نیستی!»؛ کدام «سازۀ مقاوم» می‌تواند از فروپاشی اراده‌ها جلوگیری کند؟

قرآن در دل داستان نبرد مؤمنان اندک طالوت با لشکر تا دندان مسلح جالوت، یک دعای کاربردی به ما می‌آموزد. این نیایش، درخواست هوشمندانه‌ای است که در برابر «بمب‌های سنگر شکن» دشمن، از معمار هستی مصلح و سازهای مقاوم طلب می‌کند: «رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّثْ أَفْئِدَتَنَا وَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ» (بقره/۲۵۰) پروردگارا! بر قلب‌ها بارانی از صبر و شکیبایی فرو ریز، گام‌ها را استوار گردان و ما را بر گروه کافران پیروز فرما.

منطق قدرت مؤمن

مؤمن می‌داند که برای موفقیت در هر میدانی به کمک خدا نیاز دارد. اما راه جلب آن چیست؟ ایستادگی و ثبات قدم. مؤمن آن قدر خدا را خوب شناخته که می‌داند نیروی لازم برای صبر و ثبات قدم را هم باید از خود خدا دریافت کند. دلش به «ابر قدرت عالم» گرم است. وقتی به منبع قدرت بی‌نهایت وصل باشی، دیگر تانک و موشک و امپراتوری رسانه‌ای دشمن بزرگ جلوه نمی‌کند و شعارت

می‌شود: «كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ» (بقره/۲۴۹). این نقشه راه تاریخ انقضا ندارد. امروز، «رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا...» را می‌توان از زبان یک کارآفرین ایرانی در برابر تحریم‌ها شنید. از زمزمه‌های یک دانشمند جوان برای شکستن یک مرز علمی تا نجوای شبانه مادری که برای تربیت فرزند در این دنیای پُر آشوب دعا می‌کند. اوج آن از غزه شنیده شد؛ جایی که مردم غزه در برابر بمب‌های سنگرشکن دشمن از خداوند سازه‌های مقاوم صبر و ثبات قدم طلب کردند. شاید خانه‌هایشان خراب شد، ولی اراده‌شان ذره‌ای متزلزل نشد.

ثمره دنیوی مجاهدت

اما آیا نتیجه این استقامت و نیایش، تنها پاداش اخروی است؟ «این جور نیست که اگر در راه خدا مجاهدت کنید، فقط خدای متعال بهشت به شما بدهد! نه، فقط ثواب آخرت نیست، ثواب دنیا هم هست. ثواب دنیا چیست؟ ثواب دنیا عزّت است، اقتدار است، پیشرفت است، سربلندی یک ملت است، سربلندی یک کشور است.»^۱ دقیقاً همان سرنوشتی که برای یاران طالوت رقم خورد. آن‌ها نه تنها پیروز شدند «فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ»^۲، که خداوند به آن‌ها «پادشاهی، حکمت و علم» نیز عطا کرد و این یعنی اوج عزت و اقتدار دنیوی. «وَأَتَاَهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ»^۳.

۱. «بیانات مقام معظم رهبری در دیدار بسیجیان»، ۱۳۹۶/۰۹/۰۱.

۲. بقره/۲۵۱: «پس آنان را به توفیق خدا شکست دادند.»

۳. بقره/۲۵۱: «و خدا او را فرمانروایی و حکمت داد، و از آنچه می‌خواست به او آموخت.»



زندگی با آیه

کاسبی و بازار کساد است و چک‌ها برگشت خورده؟ فشار تحریم

دشمن، نفست را بریده؟ قبل از اینکه ناامیدی تو را به فکر معامله

حرام بیاندازد، برو در پستوی مغازه و سر سجاده بگو: «رَبَّنَا اَفْرِغْ»

با حجاب وارد جمعی می‌شوی که با نگاه‌های تمسخرآمیز

مسخره‌ات می‌کنند؟ آن لحظه که دلت می‌لرزد، به جای عقب‌نشینی،

دستت را به گوشه‌ی روسری‌ات ببر و در دلت این آیه را زمزمه کن.

در صفحه‌ی فضای مجازی‌ات از انقلاب و دین دفاع کرده‌ای و لشکر

سایبری دشمن به صفحه‌ات هجوم آورده و کامنت‌ها پُر از توهین

و تهمت است؟ قبل از اینکه دکمه «حذف» را بزنی، دست به دعا

بلند کن.

حجم درس‌ها، استرس امتحان و آینده‌ی نامعلوم، مثل یک ارتش

ناامیدی به تو حمله کرده؟ لحظه‌ای خودکارت را زمین بگذار و بگو:

خدایا! برای یادگیری این علم نافع، به من صبر بده، قدم‌هایم را

برای خدمت به کشورم ثابت کن، و مرا بر لشکر جهل و تنبلی پیروز

نما. این دعا را در قنوت نمازهایت بخوان.



محتوای خودت را بساز



شهادت آیه‌ها

آیه سوم

کدام وعده؟

﴿الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُمْ
بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا﴾

سوره بقره، آیه ۲۶۸

شیطان، شما را [هنگام انفاق] وعده فقر و تهی دستی
می دهد و به زشتی ها امر می کند؛ ولی خداوند وعده
آمرزش از جانب خودش و فزونی به شما می دهد.

صدایی که ظاهراً منطقی به نظر می رسد و می خواهد تو
را با حساب کتاب، از کار خیر منصرف کند، صدای کیست؟



سُورَةُ الْبَقَرَةِ

وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ
وَتَنْبِيْئًا مِّنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ
فَعَاتَتْ أَكْطَافَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِن لَّمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطُلُ
وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٢٦٥﴾ أَيَوَّدُ أَحَدُكُمْ أَنَّ تَكُونَ لَهُ
جَنَّةٌ مِّنْ نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُ
فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَأَصَابَهُ الْكِبَرُ وَلَهُ ذُرِّيَّةٌ
ضِعْفَاءُ فَاصْبَاهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْرَقَتْ كَذَلِكَ
يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ ﴿٢٦٦﴾ يَا أَيُّهَا
الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا
لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَتِمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ
وَلَسْتُمْ بِأَخِيذِهِ إِلَّا أَنْ تَغْنُصُوا فِيهِ وَعَلَّمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ
حَمِيدٌ ﴿٢٦٧﴾ الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُمْ بِالْفَحْشَاءِ
وَاللَّهُ يَعِدُكُمْ مَغْفِرَةً مِّنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ
﴿٢٦٨﴾ يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ
أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿٢٦٩﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ



خبرهای خوب فقط پیش خداست

ای غرق شده در طوفان سهمگین خبرهای «فوری»! ای دفن شده زیر بالا و پایین کردن صفحات مجازی! ای زنده به قیمت لحظه‌ای طلا و سکه و دلار! ای خلیفه گم گشته خدا در اینستاگرام! به خودت بیا! در تاریک خانه‌های شیطان دنبال چشم‌روشنی نگرد، که خورشید از پشت کوه‌های دیگری طلوع خواهد کرد. در شب‌نامه‌های اهریمن دنبال سحر نباش، که صبح از سوی دیگری از راه خواهد رسید. توی دلت را خالی می‌کنند تا دست‌هایت را برای تسلیم بالا ببری. اشتیاق را می‌کشند که برایشان دردسر درست نکنی. یادت باشد که در آینه جادوی دشمن، همه چیز تیره‌وتار است. یادت نرود که خبرهای خوب فقط پیش خداست.



جنگ شناختی و نبرد دو وعده در جان آدمی

در لحظهٔ تصمیم برای کمک به نیازمند و مشارکت در کار خیر، ناگهان این ندا به گوش می‌رسد: «صبر کن! اگر فردا خودت محتاج شدی چه؟» این ماشین حساب همیشه‌نگران، از کجا می‌آید؟ قرآن کریم این کشمکش درونی را یک «جنگ شناختی» تمام‌عیار معرفی می‌کند: «الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلًا» (بقره/۲۶۸) «شیطان شما را وعدهٔ فقر می‌دهد و به زشتی‌ها امر می‌کند؛ اما خداوند به شما وعدهٔ آمرزش و فرونی می‌دهد.»

دو وعده، دو سرنوشت

جهان بینی شیطانی بر پایهٔ «هراس از آینده» بنا شده است. حساب‌گری آن صرفاً بر منطق «کاستن» استوار است: صد واحد سرمایه، پس از انفاق ده واحد، به نود واحد تقلیل می‌یابد. این نگرش، دو خروجی بیشتر ندارد: «بُخل» و «فحشاء». اما در مقابل، خداوند سنتی دیگر را در این عالم جاری کرده که دستگاه محاسباتی انسان را دگرگون می‌سازد. در این دستگاه فکری، صد واحد منهای ده واحد، می‌تواند به هفتصد واحد یا بیشتر تبدیل شود.^۱ این همان نگاه قرآنی پیامبر ﷺ است که می‌فرماید: «اسْتَنْزِلُوا الرِّزْقَ بِالصَّدَقَةِ»^۲؛

۱. بقره/۲۶۱.

۲. بیهقی، احمد، شعب الإيمان، ج ۲، ص ۷۴. سیوطی، جلال الدین، جامع الأحادیث، ج ۱،

ص ۴۲۴؛ نهج البلاغه، حکمت ۱۳۷: «روزی را با صدقه دادن فرود آورید.»

شیطان از فقر می ترساند تا مانع انفاق شود، اما امیرالمؤمنین علیه السلام، صدقه را عامل جلب روزی معرفی می کنند و می فرمایند: «إِذَا أَمَلَقْتُمْ فَتَاجِرُوا اللَّهَ بِالصَّدَقَةِ»^۱؛ در این دیدگاه، صدقه و انفاق ازدست دادن نیست، بلکه تجارتی پُرسود برای افزایش روزی است. و چه نغز سروده است سعدی شیرین سخن:
مخور هول ابلیس تا جان دهد
همان کس که دندان دهد نان دهد

میدان نبرد اصلی: دستگاه محاسبات

البته دعوا صرفاً سر انتخاب میان سخاوت و خساست نیست؛ بلکه جنگ، جنگی شناختی است. هسته اصلی آن هم، همان چیزی است که رهبر معظم انقلاب از آن به عنوان «دستگاه محاسباتی» یاد می کنند و هدف اصلی دشمن را از کار انداختن آن می دانند: «همه این کارهایی که شیطان انجام می دهد... برای این است که دستگاه محاسباتی انسان مؤمن را از کار بیندازد تا محاسبه غلط انجام بدهد... محاسبه غلط، یکی از بزرگ ترین خطرهایست... توانایی های انسان، تحت سرپنجه اراده اوست، و اراده انسان تحت تأثیر دستگاه محاسباتی او است؛ اگر دستگاه محاسباتی بد کار کرد، اراده انسان تصمیمی می گیرد و در جهتی می رود که خطاست.»^۲

۱. نهج البلاغه، حکمت ۲۵۸؛ زمخشری، محمود، ربیع الأبرار، ج ۱، ص ۴۲۰. «هرگاه تهیدست شدید، با صدقه دادن با خدا تجارت کنید.»
۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۹۳/۰۴/۱۶.

زندگی با آیه

می‌خواهی ازدواج کنی یا بچه‌دار شوی، اما ترس از هزینه‌ها منصرفت کرده؟ بدان این همان «وعدۀ فقر» شیطان است. به «وعدۀ فضل» خدا توکل کن و اقدام کن.

ترس از گرانی باعث شده مهمانی ندهی؟ سفره‌ات را با توکل به وعدۀ خدا پهن کن.

نوجوانی و ترس از مسخره شدن (فقرِ محبوبیت)، تو را به همراهی با یک کار غلط وامی‌دارد؟ این همان نقشۀ شیطان است. با یک «نه» قاطع، به وعدۀ خدا اعتماد کن.

در فضای مجازی فعال هستی و ترس از دست دادن دنبال‌کننده (فقرِ توجه)، باعث شده حقیقت را نگوئی؟ این معامله با شیطان است. با گفتن حقیقت، به وعدۀ فضل الهی اعتماد کن.

کاسب هستی و از ترس کم شدن سود، می‌خواهی احتکار یا کم‌فروشی کنی؟ این همان امر به «فحشاء» اقتصادی است که ریشه‌اش «وعدۀ فقر» شیطان است. به وعده برکت خدا اعتماد کن.

می‌خواهی بهترین لباس را انفاق کنی و صدایی می‌گویی «نگهش دار، لازمت می‌شود»؟ این صدای شیطان است. با بخشیدن همان لباس، وعدۀ دروغین او را باطل کن.



محتوای خودت را بساز



شواهد آیه‌ها

آیه چهارم

تکیه‌گاه تو کیست؟

﴿وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ﴾

سوره آل عمران، آیه ۱۷۳

«[مؤمنان حقیقی، وقتی به آنان می‌گویند از لشکرانبوه دشمن که آماده جنگ با شماست، بترسید] گفتند: خدا برای ما کافی است و او بهترین حامی ماست.»

چه کنیم تهدیدها و سختی‌های زندگی، دلمان را خالی نکند؟



وَمَا أَصْبَرُكُمْ يَوْمَ التَّلَاقِ الْجَمْعَانِ فَيَا ذِينَ اللَّهِ وَلِيَعْلَمَ الْمُؤْمِنِينَ
 ١٦٦ وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ نَافَقُوا وَقِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْ أَفْتَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ
 أَوْ ادْفَعُوا قَالُوا لَوْ نَعْلَمُ قِتَالًا لَا تَبْعَنَّاكُمْ هُمُ الْكُفْرُ يَوْمَئِذٍ
 أَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلْإِيمَنِ يَقُولُونَ يَا فَوْهَهُمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ
 وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ ١٦٧ الَّذِينَ قَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ وَقَعَدُوا
 لَوْ أَطَاعُوا مَا قَتَلُوا قَلِيلًا وَكَثِيرًا وَأَعَنَ أَنْفُسُكُمْ الْمَوْتَ إِنْ
 كُنْتُمْ صَادِقِينَ ١٦٨ وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ
 أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ ١٦٩ فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ
 اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ
 مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ١٧٠ *يَسْتَبْشِرُونَ
 بِنِعْمَةِ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ
 الْمُؤْمِنِينَ ١٧١ الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ
 الْقَرْحُ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقُوا أَجْرٌ عَظِيمٌ ١٧٢
 الَّذِينَ قَالُوا لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا الْكُمْ فَآخُشَوْهُمْ
 فَرَادَهُمْ إِيمَنًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ ١٧٣



تلاوت آیه



مدرسه حفظ



راز نشکستن

عبور از طوفان، کار همه نیست. دشوارتر اما این است که خسته و زخمی در کوران تندبادها فریاد بزنی: «چیزی به جز زیبایی ندیدم.» راستی راز آن زن چه بود که بر بلندای قتلگاه، تماشای پیکر خونین برادر را تاب آورد؟ که کودکان بی پناه را یکی یکی سوار شترهای بدون جهاز کرد؟ که در کاخ یزید پیروزمندانه بر دشمن نهیب زد: «به خدا سوگند نمی توانی نام ما را از یادها ببری.» راز نشکستن آن زن چه بود؟ شاید همین کلمه های ساده که «حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ»، که خدا برای ما کافیت و او خوب تکیه گاهی است. زینب علیها السلام چنین تکیه گاهی داشت که تا واپسین میدان ها، پا پس نکشید. تکیه گاه من و تو کیست؟



سپر دفاعی چهارکلمه‌ای در برابر جنگ روانی

«نمی‌شود»، «حریفت قوی‌تر است»، «ولش کن، دردسر می‌شود». این جملات آشنا نیست؟ جملاتی که گاهی از زبان یک دوست در میدان زندگی شنیده می‌شود و گاهی از زبان رسانه‌ای که از «اجماع جهانی» می‌ترساند تا دلمان را خالی کند. این عملیات روانی، یک هدف بیشتر ندارد: فلج کردن اراده قبل از هر اقدامی.

بعد از آنکه مسلمان‌ها از جنگ اُحُد، ناموفق، مجروح، خسته، کوفته، شهید داده، و مصیبت‌زده برگشتند، عده‌ای از منافقین افتادند بین مردم و گفتند لشکر انبوه دشمن آماده جنگ با شماست، از آن‌ها بترسید! اما عجیب است، تهدیدها نه تنها مؤمنان حقیقی را از میدان به در نکرد که خداوند می‌گوید این تهدیدها بر ایمان مؤمنان افزود و گفتند: «حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ» (آل عمران/ ۱۷۳) «خدا برای ما کافی است و او بهترین حامی ماست».

ذکری برای میانه میدان

«حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ»، یعنی در معادله قدرت، یک واقعیت پنهان از دیده‌های ظاهربین وجود دارد به نام «خدا»؛ یعنی اعلان بی‌نیازی از قدرت‌های پوشالی و تکیه بر قدرتی که هیچ‌گاه از بین نمی‌رود. این همان باوری بود که امام حسین علیه السلام را در ظهر عاشورا استوار نگه داشت. آری، خدای ما، همان خدای طوفان طبس است که محاسبات ابرقدرت‌ها را به هم ریخت؛ همان خدای خرمشهر است که با دست‌های خالی رزمندگان، آزاد شد.

شرط اساسی «حَسْبُنَا اللَّهُ»

این اتکای فعال به ابرقدرت عالم، یک شرط اساسی دارد که رهبر معظم انقلاب بر آن تأکید می‌کنند: «البته **«حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ»** را در پستوی اتاق و داخل بسترِ راحت نمی‌شود گفت. ما نه کاری بکنیم، نه تلاشی بکنیم... بعد هم بگوییم: **«حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ»**! نه، خدای متعال آدمی را که در راه او مجاهدت نمی‌کند، کفایت نخواهد کرد. این کفایت مربوط به میدان جنگ است.»^۱

بنابراین، این اصل در زندگی فردی نیز زمانی جاری است که با مشکلی بزرگ‌تر از توان خود روبه‌رو می‌شویم، اما دست از تلاش بر نمی‌داریم و نتیجه را به او می‌سپاریم؛ وقتی برای پیشرفت کشور، روی پای خود می‌ایستیم و به وعده‌های توخالی دیگران دل نمی‌بندیم و از تهدیدهایشان نمی‌ترسیم. این اتکای فعال، ترسی را که دشمن می‌کارد، به آرامش و فرصتی برای یک پیروزی بزرگ‌تر بدل می‌سازد. بله؛ همان جمله معروف حاج قاسم سلیمانی که می‌گفت: «میزان فرصتی که در تهدیدها هست، در خود فرصت‌ها نیست؛ به شرطی که نترسیم و نترسانیم.»

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۹/۰۴/۱۹.

زندگی با آیه

وقتی رسانه‌های دشمن از «اجماع جهانی» و «لشکر نظامی» حرف می‌زنند تا دلت را خالی کنند، به یاد بیاور این همان صحنه آیه است. خدایی که پشتیبان ماست، همان خدای طوفان طبس و فتح خرمشهر است.

هنرمند یا ورزش‌کار هستی و می‌خواهی در صفحه مجازات از دین و کشور دفاع کنی، اما از موج تخریب و ازدست‌دادن حامیان مالی می‌ترسی؟ پشتیبان تو خداست، نه شرکت‌های تبلیغاتی.

ای مسئول، وقتی با بزرگ‌نمایی قدرت دشمن، تو را به سمت تصمیمات ذلت‌بار هل می‌دهند، «حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ» یعنی ما محاسباتمان را براساس قدرت خدا می‌بندیم، نه تهدید دشمن.

در جمع فامیل، همه از آینده سیاه‌نمایی می‌کنند و روحیه جمع را تخریب می‌کنند؟ تو منبع آرامش باش. یادآوری کن که پشتیبان ما خداست و او برای بندگان مؤمنش کافی است.

می‌خواهی امر به معروف کنی و دیگران با جمله «ولش کن، برایت درِ دسر می‌شود» تو را می‌ترسانند؟ قدمت را با گفتن «حَسْبُنَا اللَّهُ» محکم بردار و وظیفه‌ات را انجام بده.



محتوای خود را ببین



شهادت آیه‌ها

آیه پنجم

تکیه بر باد!

﴿أَيَّبْتُعُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ
فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا﴾

سوره نساء، آیه ۱۳۹

آیا عزّت و آبرو را نزد کفار بی دین می جویند؟! در حالی که
عزت و آبرو یک سره دست خداست.

باور به این آیه، کدام یک از ترس های
ما از دیگران را نابود می کند؟



سُورَةُ النَّبَاِ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ
عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِن يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا
فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىَٰ أَن تَعْدُوا وَإِن تَلَوْا
أَوْ تَعْرِضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ﴿١٧٥﴾ يَا أَيُّهَا
الَّذِينَ ءَامَنُوا ءَامِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ
عَلَىٰ رَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي أَنزَلَ مِن قَبْلُ وَمَن يَكْفُرْ
بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ
ضَلَالًا بَعِيدًا ﴿١٧٦﴾ إِن الَّذِينَ ءَامَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ ءَامَنُوا ثُمَّ
كَفَرُوا ثُمَّ ءَزَادُوا كُفْرًا لَّمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيَغْفِرْ لَهُمْ وَلَا يَهْدِيَهُمْ
سَبِيلًا ﴿١٧٧﴾ بَشِّرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٧٨﴾ الَّذِينَ
يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِن دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَيَبْتَغُونَ
عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا ﴿١٧٩﴾ وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكَ فِي
الْكِتَابِ أَن إِذَا سَمِعْتُمْ ءَايَتِ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا
تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ ؕ إِنَّكُمْ إِذَا مَثَلْتُمْ
إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا ﴿١٨٠﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ



بگذار خدا آبروداری کند

یک عمر دست و پا زد تا در چشم دیگران کسی باشد. پله‌های تحسین و تشویق را روی شانه طرف‌دارهایش یکی یکی بالا رفت و درست وقتی به قله‌های شهرت و محبوبیت رسید، همان آدم‌ها نردبان را از زیر پایش کشیدند! تمام استخوان‌های عزتش درهم شکست؛ چون قاعده این دنیا را نمی‌دانست؛ چون خبر نداشت که بُلور آبرو را نباید جز به دستان مهربان خدا بسپارد. خوش‌نامی‌اش را از دهان‌هایی توقع داشت که جز به بدگویی باز نمی‌شدند و عزت را از کسانی گدایی می‌کرد که خود آبرویی نداشتند. به قول حافظ:

بر درِ ارباب بی‌مرّت دنیا

چند نشینی که خواجه کی به‌درآید؟!





آیا تابه حال برای گرفتن وام به یک ورشکسته مراجعه کرده‌اید؟ شاید خنده‌دار به نظر برسد، اما این خطای محاسباتی، داستان تکراری بسیاری از افراد و ملت‌ها در جست‌وجوی «عزت» است. آن‌ها برای کسب آبرو، قدرت و امنیت، به درگاه کسانی می‌روند که خودشان از درون تهی و بی‌مقدارند.

قرآن درست به قلب همین خطای محاسباتی می‌زند و درست آنجایی که عده‌ای برای کسب آبرو و عزت به دشمنان خدا نزدیک می‌شوند، با یک سؤال کوبنده آن‌ها را به چالش می‌کشد: «أَيُّبَغُونَ عَنْدهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا» (نساء/۱۳۹) آیا عزت را نزد آنان (دشمنان) می‌جویند؟ (چه نشانی اشتباهی!) چراکه تمام عزت، یک‌جا فقط برای خداست.

این کار نه تنها به عزت نمی‌رسد، بلکه به ذلت ختم می‌شود. تاریخ پُر است از سرنوشت کسانی که این نشانی اشتباهی را رفتند. سرنوشت شاه ایران که روزی با تکیه بر آمریکا خود را ژاندارم منطقه می‌نامید، اما در پایان، همان‌ها حتی حاضر نشدند در خاکشان به او پناه دهند.

منبع اصلی عزت: از عاشورا تا امروز

در مقابل این مسیر ذلت‌بار، «در منطق قرآن، عزت واقعی و کامل متعلق به خداوند و متعلق به هر کسی است که در جبهه خدایی قرار

می‌گیرد... عزت متعلق به پیامبر و به مؤمنین است؛ اگرچه منافقان و کافردلان این را درک نمی‌کنند.^۱ این همان منطق آزادگان جهان است که در اوج فشار برای بیعت با یک قدرت فاسد، فریاد برمی‌آورند: «هَيْهَاتَ مِنَّا الدِّلَّةُ». مثل میرزا کوچک خان جنگلی که می‌توانست پیشنهاد قدرت و حکومت انگلیسی‌ها را مثل صدام‌ها و قذافی‌ها بپذیرد و با تکیه بر بیگانگان، به قدرتی ظاهری دست یابد؛ اما خوب می‌دانست که این نشانی، اشتباه است و این عزت ظاهری، عین ذلت است.

در زندگی شخصی ما هم این اصل جاری است. اگر برای کسب احترام، از اصول خود کوتاه بیاوریم، در نهایت خوار خواهیم شد. عزت یک ملت، از راه اتکا به قدرت لایزال الهی، تکیه بر توان داخلی و استعداد جوانان به دست می‌آید، نه با لبخند زدن به قدرت‌هایی که خودشان در باتلاق مشکلات فرو رفته‌اند. این همان درد عمیقی است که آیت‌الله بهجت به آن اشاره می‌کرد: «با داشتن قرآن و عترت و علمای معاصر باز این قدر از آمریکا و شوروی گدایی می‌کنیم، تا تفضلاً چیزی به ما بدهند. حاضری صبح تا شام سر راه آن‌ها بنشینیم تا پنج قرآن به ما بدهند. صورت ظاهر ریال‌ها را می‌بینیم، ولی باطن آن را که استعباد و نوکری است، درک نمی‌کنیم.»

۱. بیانات مقام معظم رهبری در مراسم بیست و سومین سالگرد رحلت امام خمینی (ع)،

زندگی با آیه

🕒 نوجوان هستی و فکر می‌کنی با گشتن با بچه‌های «شاخ» مدرسه یا تقلید از سلبریتی‌های خارجی، عزیز و «باحال» می‌شوی؟ نشانی را اشتباه نرو! عزت واقعی را از خود خدا بخواه.

🕒 در دانشگاه یا محیط کار، برای اینکه «روشنفکر» به حساب بیایی، از باورهای دینی و ملی‌ات فاصله می‌گیری؟! عزیز واقعی کسی است که شجاعانه پای هویتش می‌ایستد.

🕒 مسئول کشور هستی و فکر می‌کنی راه حل مشکلات، لبخند زدن به دشمن و عکس یادگاری انداختن با مقامات خارجی و دل بستن به وعده‌های آن‌هاست؟ این آیه به تو هشدار می‌دهد که عزت در تکیه به دشمن نیست، بلکه در اعتماد به خدا و توان داخلی است.

🕒 به عنوان یک بانو، فکر می‌کنی «باکلاس بودن» یعنی تقلید از سبک پوشش و آرایش غربی و چشم‌وهم‌چشمی و خریدن جنس خارجی؟ عزت واقعی در سادگی و استقلال از این فرهنگ مصرف‌گرایی است، نه در وابستگی به مارک‌ها.

🕒 اگر به خاطر ساده‌زیستی یا نداشتن ماشین و خانه لوکس، جلوی دیگران احساس حقارت می‌کنی، بدان که خطای محاسباتی داری. عزت در نگاه خداست، نه در حساب بانکی و تجملات.



محتوای خودت را ببین



شواهد آیه‌ها

آیه ششم

عاشق از طعنه اغیار چه پروا دارد؟!

﴿يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ
وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ﴾

سوره مائده، آیه ۵۴

همواره در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ
سرزنش‌کننده‌ای هراسی ندارند.

چه طور از هیاهو و سرزنش دیگران نترسیم؟



سُورَةُ الْمَائِدَةِ

* يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ
 أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ
 الظَّالِمِينَ ﴿٥١﴾ فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُسْرِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ
 نَخْشَى أَنْ تُصِيبَنَا دَآئِرَةٌ فَعَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَ بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِنْ عِنْدِهِ
 فَيُصِيبُ حُوعًا عَلَى مَا أَسْرَوْا فِي أَنْفُسِهِمْ نَادِمِينَ ﴿٥٢﴾ وَيَقُولُ الَّذِينَ ءَامَنُوا
 أَهَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ أَنَّهُمْ لَمَعَكُمْ حِطَّتْ
 أَعْمَالُهُمْ فَاصْبِرُوا خَيْرِينَ ﴿٥٣﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ
 مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِيَ اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ
 عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا
 يَخَافُونَ لَوْمَةً لَآئِمَةً ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ
 عَلِيمٌ ﴿٥٤﴾ إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ
 الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ ﴿٥٥﴾ وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ
 وَالَّذِينَ ءَامَنُوا فَإِنَّ حَرْبَ اللَّهِ هُمْ الْعَاقِبُونَ ﴿٥٦﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا
 لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُوعًا وَلِعِبًا مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا
 الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَالْكَافِرَ أَوْلِيَاءَ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُفْرَ مُؤْمِنِينَ ﴿٥٧﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ



مبارزه همیشه دو جبهه دارد

قرار است نگاه‌هایشان سنگین باشد؛ مثل همهٔ وقت‌هایی که وسط شلوغی‌های مهمانی، دنبال اتاق خلوتی برای نماز اول وقت می‌گردی. قرار است پشت‌سرت چشم و ابرو بیایند؛ مثل همهٔ وقت‌هایی که موقع حرف زدن با دخترخاله‌ها و دخترعموها، نگاهت را از روی گُلِ قالی برنمی‌داری. قرار است یکی یکی صفحات را آنفالو کنند؛ مثل همهٔ وقت‌هایی که دلت طاقت نمی‌آورد و چیزی از خستگی و گرسنگی بچه‌های فلسطین استوری می‌کنی. میدان‌های کوچک و بزرگ فرقی ندارند. قرار است همیشه در دو جبهه بجنگی: جبههٔ بیرون و جبههٔ درون. برای هرکدام که از قبل آماده نباشی، قافیهٔ جهاد را از پیش باخته‌ای!





چگونه از سرزنش‌ها عبور کنیم؟

این یک قانون نانوشته است: همین که تصمیم می‌گیری در مسیر درست قدم برداری، سروکلهٔ سرزنش‌ها پیدا می‌شود! تصمیم می‌گیری در کارت صادق باشی، برچسب «بی‌عرضه» می‌خوری. می‌خواهی از یک باور دفاع کنی، فوراً متهم به «تندروی» می‌شوی و ترس از سرزنش و طردشدن، یکی از قوی‌ترین ترمزها برای حرکت‌های بزرگ است.

قرآن وقتی می‌خواهد ویژگی‌های یاران تراز اول خود را توصیف کند، پس از صفاتی چون تواضع در برابر مؤمنان و سرسختی در برابر کافران، به یک «قدرت روحی» اشاره می‌کند که آن‌ها را تسلیم‌ناپذیر می‌سازد: «**يَجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ**» (مائده/۵۴)... آن‌ها همواره در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ سرزنش‌کننده‌ای هراسی ندارند.

«ملامت» در دنیای امروز چیست؟

این «لَوْمَةُ لَائِمٍ» یا سرزنش، شکل‌های مختلفی به خود گرفته است؛ از متلک‌های اطرافیان گرفته تا جنگ روانی تمام‌عیار در رسانه‌ها. وقتی تحلیل‌های کارشناسان در شبکه‌های ماهواره‌ای و طوفان‌های توپیتتری، همگی یک صدا تلاش می‌کنند تا یک ملت را از مسیری که انتخاب کرده پشیمان کنند و با برچسب‌هایی چون «تندرو» و «عقب‌مانده»، قطب‌نمای درونی‌اش را دچار تردید کنند، این دقیقاً

مصدق امروزی همان «لَوْمَةٌ لَّائِمٌ» است. «یکی از نمونه‌های جنگ روانی دشمن، همین «لَوْمَةٌ لَّائِمٌ» است... از «لَوْمَةٌ لَّائِمٌ» نباید ترسید.»^۱ این همان وضعیتی است که امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه درباره‌اش هشدار می‌دهند: «لَا تَسْتَوْحِشُوا فِي طَرِيقِ الْهُدَى لِقَلَّةِ أَهْلِهِ»^۲ «در راه هدایت، از کم بودن همراهان، وحشت نکنید.»

راز تمام ماجرا همین جاست!

خیلی خوب، اما چطور می‌توان به این صلابت رسید که مثل شهید بهشتی‌ها هیاهوی سرزنش‌ها ما را متوقف نکند؟ شاه‌کلید این قدرت روحی، در خود آیه نهفته است. خداوند قبل از آنکه بگوید این افراد از سرزنش‌ها نمی‌ترسند، یک ویژگی کلیدی‌شان را معرفی می‌کند: «حُبُّهُمْ وَحُبُّوهُمْ»؛ یعنی «خدا آن‌ها را دوست دارد و آن‌ها [نیز] خدا را دوست دارند». کسی که در یک رابطه عاشقانه با خدا قرار می‌گیرد و محبت او محور زندگی‌اش می‌شود، تمام قطب‌نمای وجودش به سمت رضایت او تنظیم می‌گردد. چنین فردی به دنبال تعریف و تأیید خداست، نه تشویق و تأیید دیگران! برایش حرف خدا مهم است، نه حرف و قضاوت مردم. چنین فردی نترس و شجاع می‌شود. همان‌طور که حافظ گفت:

در بیابان گر به شوق کعبه خواهی زد قدم

سرزنش‌ها گر کند خار مغیلان غم مخور

۱. «بیانات مقام معظم رهبری در دیدار ائمه جمعه سراسر کشور»، ۱۴۰۲/۱۰/۲۶.

۲. عز الدین، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۵۳.

زندگی با آیه

در محل کار یا دانشگاه می‌خواهی نماز اول وقت بخوانی، ولی از نگاه دیگران خجالت می‌کشی؟ این آیه را زمزمه کن و با قدرت به سمت قبله بایست. این یک تمرین روزانه برای «نترسیدن از سرزنش» است.

به خاطر حجاب، دوستانت به تو کنایه می‌زنند و می‌گویند «اُمَل»؟ تبریک می‌گوییم! تو مصداق این آیه شده‌ای. ثابت قدم باش و از این سرزنش‌ها نترس.

در گروه دوستان، همه جوک قومیتی می‌گویند و تو تذکر می‌دهی؟ حتی اگر به تو برچسب «بچه‌مثبت» یا «اجتماعی نیستی» بزنند، تو برندهٔ این میدان جهاد هستی.

می‌خواهی جلوی یک سنت غلط مثل جهیزیهٔ سنگین یا مراسم پُرخرج بایستی، ولی کل فامیل به تو می‌گویند «آبروریزی می‌کنی»، شجاعانه بایست و این زنجیر غلط را پاره کن.

وقتی رسانه‌های داخلی و خارجی دشمن، کشورت را تحقیر می‌کنند تا تو را ناامید کنند، با افتخار از دستاوردهای کشورت دفاع کن و نترس که به تو برچسب «ساندیس‌خور» بزنند.

پدر یا مادر هستی و به خاطر تربیت متفاوت فرزندت (مثلاً دور کردن او از فضای مجازی ناسالم) سرزنش می‌شوی؟ به راه درستی که انتخاب کرده‌ای ایمان داشته باش. این جهاد تو است.



محتوای خودت را ببین



شواهد آیه‌ها

آیه هفتم

حواست هست؟

﴿إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ
بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ﴾

سوره مائده، آیه ۹۱

مسلماً شیطان می خواهد بین شما
دشمنی و کینه سخت ایجاد کند.

رد پای این برنامه شیطان را کجای زندگی ات دیده ای؟



إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقَعَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ
فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ
الصَّلَاةِ فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ ﴿٩١﴾ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا
الرَّسُولَ وَاحْذَرُوا فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا إِنَّمَا عَلَى رَسُولِنَا
الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ﴿٩٢﴾ لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
جُنَاحٌ فِيمَا طَعِمُوا إِذَا مَا اتَّقَوْا وَآمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
تُمْ اتَّقَوْا وَآمَنُوا تَمَّ اتَّقُوا وَاحْسَنُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ
الْمُحْسِنِينَ ﴿٩٣﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَبِئْسَ اللَّهُ بِشَيْءٍ
مِّنَ الصَّيْدِ تَنَالُهُ أَيْدِيكُمْ وَرِمَاحُكُمْ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَخْفَاهُ
بِالْغَيْبِ فَمَنِ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿٩٤﴾ يَا أَيُّهَا
الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ وَمَن قَتَلَهُ
مِنْكُمْ فَمَتَّعِمَدًا فَجَزَاءٌ مِّثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعَمِ يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا
عَدْلٍ مِنْكُمْ هَذَا يَبْلُغُ الْكَعْبَةَ أَوْ كَفَرَةً طَعَامُ مَسْكِينٍ
أَوْ عَدْلُ ذَلِكَ صِيَامًا لِّذَوْقِ وَيَالِ أَمْرِؤُهَا عَفَا اللَّهُ عَمَّا
سَلَفَ وَمَن عَادَ فَيَنْتَقِمُ اللَّهُ مِنْهُ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ ﴿٩٥﴾



تلاوت آیه

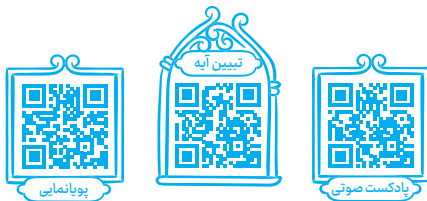


مدرسه حفظ



دست شیطان را در پوست گردو بگذار!

دوست دارد سفر خانوادگی را به خاطر جا گذاشتن قاشق و چنگال به کام هم تلخ کنیم و سفر دوستانه را به خاطر قاطی شدن دُنگ‌ها. توی خیابان به بهانه یک سپر به سپر ساده، دست به یقه شویم و توی خانه به خاطر یک سوء تفاهم کوچک. شیطان دوست دارد توی همه صف‌ها عصبی باشیم؛ چه پمپ بنزین و خودپرداز، و چه بانک و چه نانوايي! می‌خواهد همه جا به جان هم بیفتیم؛ چه در روزنامه‌ها و چه در شبکه‌های اجتماعی و چه در تلویزیون. ما به اف ۳۵ها و بی ۲ها نباختیم؛ چون تصمیم گرفتیم دوازده روز دست شیطان را توی پوست گردو بگذاریم. به تفرقه افکنی‌هایش که میدان بدهیم، کارمان به یک روز هم نخواهد کشید.





تابه حال به مکالمات روزمره در خانه‌ها دقت کرده‌اید؟ دیده‌اید چطور یک اختلاف نظر ساده بر سر تربیت فرزند در عرض چند دقیقه به جنگی تمام عیار تبدیل می‌شود که در آن تمام اشتباهات گذشته روی میز ریخته می‌شود؟ یا چطور یک شوخی ناخواسته به زخمی عمیق و کینه‌ای چندساله میان دو برادر یا عروس و مادرشوهر بدل می‌گردد؟ و آیا دقت کرده‌اید که چطور یک بحث ساده زیر یک پست خبری در فضای مجازی، در عرض چند دقیقه به دعوایی پُر از توهین و کینه‌توزی تبدیل می‌شود؟ چه کسی از این دشمنی‌ها سود می‌برد؟ و اسم رمز راهبرد اصلی شیطان را فاش می‌کند؛ یک هدف نهایی که تمام برنامه‌های دیگر او در خدمت همان است: «**لِنَسْأِرِيْدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ**» (مائده/۹۱)؛ شیطان فقط یک چیز می‌خواهد: اینکه میان شما بدر دشمنی و کینه بکارد.

از انگشتان پراکنده تا مشت محکم

منطق این راهبرد بسیار ساده است. انگشتان یک دست تا وقتی پراکنده باشند، ضعیف و شکننده‌اند؛ اما وقتی کنار هم قرار می‌گیرند و متحد می‌شوند، به یک مشت محکم تبدیل می‌شوند که می‌تواند از خود دفاع کند و ضربه بزند. مأموریت اصلی دشمن این است که با بزرگ‌نمایی تفاوت‌ها، دامن زدن به سوء تفاهم‌ها و شعله‌ور کردن کینه‌ها، نگذارد این انگشتان به هم برسند. خانواده



و جامعه‌ای که درگیر نزاع داخلی باشد، دیگر توانی برای مقاومت در برابر دشمن خارجی نخواهد داشت.

یک شاخص برای تحلیل پدیده‌ها

فرقی ندارد؛ میان دو دوست، دو همسایه یا حتی دو جناح سیاسی «هر جایی که شما عداوت و بغضاء می‌بینید، دست شیطان را باید مشاهده کنید.»^۱ او از هر ابزاری، مثل یک شایعه، یک سوء تفاهم ساده، یک طعنه زهرآلود، یک مقایسه نابودکننده و نبش قبر تلخی‌های گذشته استفاده می‌کند تا بذر اختلاف را بپاشد.

چرا امروز دشمن صهیونیست به خود اجازه می‌دهد به مسلمانان مظلوم فلسطین و لبنان و سوریه حمله برده و به سایر دنیای اسلام، چنگ و دندان نشان دهد؟ «(اشکال بزرگ کار ما این است: از هم جدايیم، متفرّقیم. وقتی که متفرّق هستیم، وقتی خیرخواه هم نیستیم، وقتی گاهی حتّی بدخواه همدیگر هستیم، حُب نتیجه همین است. اینجا هم باز قرآن، صریح است.»^۲ تنها راه نابودی اسرائیل، تشکیل یک امت به هم پیوسته اسلامی، بدون اختلافات داخلی در رویارویی با این رژیم سفاک است.

۱. «بیانات مقام معظم رهبری در دیدار شرکت‌کنندگان در هفتمین اجلاس مجمع جهانی اهل بیت (ع)»، ۱۴۰۱/۰۶/۱۲.
۲. «بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی»، ۱۴۰۱/۰۷/۲۲.

زندگی با آیه

در یک بحث خانوادگی، وقتی یک جواب دندان شکن و کنایه آمیز به ذهنت می رسد که می دانی طرف مقابل را می سوزاند، همان لحظه به یاد بیاور که این بهترین پاس گل به شیطان برای ایجاد کینه است.

از همسرت یک رفتار غیرمنتظره می بینی؟ شیطان فوراً در ذهن تو شروع به بافتن سناریوهای منفی می کند. قبل از هر قضاوتی، از خودت بپرس: «آیا می توانم جور دیگری نگاه کنم؟»

هنگام عصبانیت شیطان می خواهد فوراً واکنش شدید نشان دهی. چند نفس عمیق بکش، یک لیوان آب بخور و یا محیط را ترک کن و بعد از آرام شدن، منطقی صحبت کن.

شیطان تو را در گفت وگوهای سیاسی و دینی وسوسه می کند که به جای نقد «نظر» طرف مقابل، به «شخصیت» او یک برچسب مثل متحجر، غرب زده یا بی سواد بزنی. عقیده اش را نقد کن، اما به شخصیتش احترام بگذار.

در مدرسه و بین دوستان، دوستت می آید و از یک دوست مشترک دیگر بدگویی می کند. شیطان از تو می خواهد حرفش را تأیید کنی و چیزی هم به آن اضافه کنی تا جمعشان به هم بخورد. تو رابطه شان را ترمیم کن، نه تخریب.



محتوای خودت را بساز



شواهد آیه ها

آیه هشتم

خدا دوستشان ندارد!

﴿وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا
إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾

سوره اعراف، آیه ۳۱

بخورید و بنوشید، ولی اسراف نکنید، که خدا
اسراف کاران را دوست ندارد!

کدام نعمت‌ها را آن قدر عادی فرض کرده‌ایم
که تباه کردنشان را اسراف نمی‌دانیم؟



يَبْنِي ۖ آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا
وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ ﴿٢١﴾ قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ
الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا
فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةٌ يَوْمَ الْقِيَمَةِ كَذَلِكَ نَفْصِلُ الْأَيَّاتِ
لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿٢٢﴾ قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا
بَطْنٌ وَالْأَنفَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُزَلِّ
بِهِ سُلْطَانًا وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٢٣﴾ وَلِكُلِّ أُمَّةٍ
أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ
﴿٢٤﴾ يَبْنِي ۖ آدَمَ إِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي فَمَنْ
اتَّقَى وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ﴿٢٥﴾ وَالَّذِينَ كَذَّبُوا
بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا
خَالِدُونَ ﴿٢٦﴾ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ
بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ يَنَالُهُمُ نَصِيبُهُمْ مِنَ الْكِتَابِ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُمْ
رُسُلُنَا يَتَوَقَّوهُمْ قَالُوا أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ
قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا وَشَهِدُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ ﴿٢٧﴾



تلاوت آیه



مدرسہ حفظ



اندازه نگه‌دار که اندازه نکوست

کاری به روشن ماندن چراغ‌های اضافه و چکه کردن شیرهای دست‌شویی و دمای زیاد شوفاژها نداشت. با حقوقی که هر ماه برای خورد و خوراکشان هم کم می‌آمد، آیفون قسطی برمی‌داشت و با پس‌انداز شش ماهه‌اش، فلان پیراهن مجلسی را از فلان پرند مشهور، حواسش نبود که اسراف‌گاهی در سفره‌ای است که از ضروریات خالی و با تفاخر چیده می‌شود. حواسش نبود که از امام صادق (علیه السلام) نقل شده: «اسراف این است که شخص چیزهایی بخرد و بپوشد و بخورد که در شأن او نیست».^۱



۱. صدوق، الخصال، ص ۱۲۱، ح ۱۱۳؛ ابی نعیم اصفهانی، احمد، حلیة الأولیاء، ج ۴، ص ۴۷؛ یعقوبی، احمد، تاریخ الیعقوبی، ج ۲، ص ۲۵۸.



آیه «وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (اعراف/۳۱) را شاید هزاران بار شنیده‌ایم. آن قدر آشناست که گمان می‌کنیم تمام پیامش را دریافت کرده‌ایم. درحالی‌که این موضوع آن قدر دقیق است که حتی کوچک‌ترین موارد را دربرمی‌گیرد. «در روایت دارد که کسی میوه‌ای را خورد و نیمی از میوه ماند، آن را دور انداخت. امام علیه السلام به او نهیب زد که اسراف کردی؛ چرا انداختی؟ در روایات ما هست که از دانه خرما استفاده کنید. تا این حد! خرده‌های نان را استفاده کنید. آن وقت در هتل‌ها میهمانی درست کنند و به یک عده‌ای میهمانی بدهند؛ بعد هرچه که غذا ماند، به بهانه اینکه بهداشتی نیست، توی سطل آشغال بریزند! این مناسب یک جامعه اسلامی است؟ این جوری می‌شود به عدالت رسید؟»^۱ نقل می‌کنند امام خمینی حتی نیمه لیوان آب باقی مانده را دور نمی‌ریختند، بلکه آن را کنار می‌گذاشتند تا بعداً استفاده کنند. کاغذی که یک طرف آن نوشته شده بود، هرگز دور انداخته نمی‌شد.

خطرناک‌ترین اسراف‌ها

خطرناک‌ترین انواع اسراف، آن‌هایی هستند که زیر پوست روزمرگی‌های ما پنهان شده‌اند: آن لباس اضافه‌ای که در کمد

۱. «بیانات مقام معظم رهبری در دیدار زائران و مجاوران بارگاه حضرت علی بن موسی

الرضا علیه السلام، ۱۳۸۸/۰۱/۰۱.

خاک می خورد؛ آن مهمانی پُرزرق و برقی که برای چشم و هم چشمی برپاست؛ آن کالایی که صرفاً برای پیروی از مُد خریده می شود؛ همگی تکه هایی از سفره ای هستند که می توانست فقیری را سیر کند یا گرهی از کار فرو بسته ای بگشاید.

پولی که صرف تعویض سالانۀ مبلمان و تجملات بی فایده می شود، یک «پول مرده» است که می توانست به یک «سرمایۀ زنده» تبدیل شود؛ یعنی به جای آن مهمانی یک شبه، سهمی در یک کارخانه خریده شود، یک کسب و کار کوچک راه بیفتد و برای چند جوان شغل ایجاد گردد.

اما آیا اسراف فقط در پول و کالا خلاصه می شود؟ آیا ساعت ها چرخیدن بی هدف در اینستاگرام و غرق شدن در محتوای سطحی، مصداق بارز دور ریختن گران بها ترین نعمت بی بازگشت، یعنی «عمر»، نیست؟ آیا غرق شدن در کینه، حسادت یا حتی محبت های افراطی و وابستگی های بیمارگونه، اسراف در سرمایۀ ارزشمند «احساسات» ما نیست؟ این اسراف های پنهان خطرناک ترند؛ زیرا گناه بودنشان به چشم نمی آید.

حالا دلیل اینکه من نباید اسراف و زیاده روی کنم چیست؟ خداوند از باب علاقه و محبت وارد می شود و می فرماید: **﴿إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾** آدم های عاشق می فهمند یعنی چه وقتی معشوق می گوید: «دوست ندارم این کار را بکنی» الهی که عاشق این خدا بشویم تا به تمام دستورهایش با عشق عمل کنیم.

زندگی با آیه

🕒 با دوستان یک گروه تشکیل بده. در مدرسه اعلام کنید که کاغذهای باطله را جمع می‌کنید. با پول فروش آن‌ها، شیرهای آب خراب آب‌خوری مدرسه را تعمیر کنید. این یعنی تبدیل «اسراف کاغذ» به «صرفه‌جویی در آب».

🕒 شیطان، اسراف را در لباسی «آبروداری» و «احترام به مهمان» تزئین می‌کند. وقتی به جای سه مدل غذا، یک مدل غذای باکیفیت و کافی درست می‌کنی، در حال مبارزه با فرهنگ مصرف‌گرایی و تجمل هستی.

🕒 به جای ساعت‌ها چرخیدن بی‌هدف در فضای مجازی، برنامه‌ریزی داشته باش و برای هر ساعت خود یک مأموریت تعریف کن.

🕒 در خریدهای روزانه، هیجان زده و بدون برنامه خرید می‌کنی و بعداً نصف مواد غذایی از توی یخچال دور ریخته می‌شود؟ با لیست خرید کن تا سرباز خوبی برای جبهه اقتصادی باشی.

🕒 در ایام محرم یا رمضان، با هیئت امنای مسجد صحبت کن و یک تیم برای مدیریت غذاهای نذری تشکیل بده. غذای اضافی را قبل از سرد شدن، به صورت بسته‌بندی‌های آبرومندانه به خانواده‌های نیازمند همان محله برسانی.



آیة نُّهَم

دست خدا

﴿وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ
وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى﴾

سوره انفال، آیة ۱۷

[ای پیامبر!] هنگامی که به سوی دشمنان تیر پرتاب
کردی، تو پرتاب نکردی؛ بلکه خدا پرتاب کرد.

چه کار کنیم تا هنگام موفقیت، مغرور و
زمان شکست، ناامید نشویم؟



فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ
وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَىٰ وَلِيُبْلِيَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءً حَسَنًا
إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿١٧﴾ ذَٰلِكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ مُوهِنٌ كَرِيدٌ
الْكَافِرِينَ ﴿١٨﴾ إِن تَسْتَفْتِ حُوفًا فَدَجَاءَ كُمْ الْفَتْحُ وَإِن
تَنْتَهُوا فهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَإِن تَعُودُوا نَعُدْ وَلَن تُغْنِيَ عَنْكُمْ
فِتْنَتُكُمْ شَيْئًا وَلَوْ كَثُرَتْ وَأَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٩﴾
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَوَلَّوْا عَنَّهُ
وَأَنْتُمْ تَسْمَعُونَ ﴿٢٠﴾ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ قَالُوا سَمِعْنَا وَهُمْ
لَا يَسْمَعُونَ ﴿٢١﴾ إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ
الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ ﴿٢٢﴾ وَلَوْ عَلِمَ اللَّهُ فِيهِمْ خَيْرًا لَّأَسْمَعَهُمْ
وَلَوْ أَصَمَّهُمْ لَسَمِعُوا وَأَهُمْ مَعْرُضُونَ ﴿٢٣﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ
ءَامَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ
وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَهُ
تُخْشَرُونَ ﴿٢٤﴾ وَأَتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا
مِنْكُمْ خَاصَّةً وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٢٥﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ



دست خدا بود که پیروز شد

بی عنایت تو دست‌ها می‌لرزد و چشم‌ها به خطا می‌رود و قلب‌ها هراسان می‌شود. تویی قوت انگشت لرزان جراح‌ها؛ تویی تیزبینی چشم خسته خلبان‌ها؛ تویی دست پخت فراموش نشدنی مادرها؛ تویی استواری شانه محکم پدرها؛ تویی آواز گلوی گنجشک‌ها؛ تویی رهایی بال پرستوها؛ تویی اولین تپش‌های قلب نوزادها؛ تویی آخرین لبخند شهیدها. اگر به خودمان واگذارمان می‌کردی، کجا آن موشک‌های بی‌قرار می‌توانستند روی سقف بلند آسمان، خراش اندازند؟ که دست‌های دعا و مشت‌های گره‌کرده یکی شود تا ایران، یک‌صدا، لرزه بر اندام دشمن بیندازد و دست بیگانه از دامن پاک این آب و خاک کوتاه شود؟ دست تو بود که این امت قوی توانست بار دیگر دشمن را به زانو درآورد.





تا حالا شده بعد از یک موفقیت بزرگ، مثلاً قبول شدن در یک آزمون سخت یا حل کردن یک مشکل پیچیده، ته دلت احساس کنی: «این من بودم که کار را تمام کردم! این هوش، تلاش و قدرت من بود که نتیجه داد.» یا برعکس، وقتی با مشکل بزرگی روبه‌رو می‌شوی، با خودت بگویی: «من کجا و این کار کجا؟ امکان ندارد از پسش بر بیایم.» این دو حس، دو لبه یک قیچی هستند که ریشه موفقیت ما را می‌چینند: غرور و ناامیدی.

قرآن برای عبور از این دو پرتگاه، یک شاه‌کلید به ما می‌دهد. در گرماگرم جنگ بدر، «خداى متعال به مبارزان فداکاری که به میدان جنگ رفتند، جان‌هایشان را در مقابل تیرهای دشمن سپر کردند، جنگیدند و بینی دشمن را به خاک مالیدند و نهایتاً دشمن را شکست دادند، می‌گوید: ﴿وَمَا رَمَيْتْ إِذْ رَمَيْتْ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى﴾ (انفال/۱۷) این تیری که تو قبلاً نحوه انداختنش را یاد گرفتی، سپس نشانه گرفتی، دقت کردی و زدی تا اینکه به هدف خورد، کار تو نبود. تو آن را به هدف نزدی، بلکه خدا زد. نیروی من هم مال خداست، اراده من هم مال خداست. دقت نظر من هم مال خداست. اصلاً هرچه دارم مال خداست. آن وقت در مقابل این قدرت مالک محیط مدبری که همه چیز من در قبضه قدرت اوست، گردن بالا بگیرم و بگویم «(من)؟! این، آن نقطه فساد بشری است.»^۱

۱. «بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه»، ۱۳۷۳/۱۱/۲۸.

قانون «حرکت از تو، برکت از خدا»

خدا نمی‌گوید تو هیچ‌کاره‌ای و فقط تماشا کن. می‌گوید تو وارد میدان شدی، اما نیروی اصلی و اثر نهایی کار از من بود. این یعنی یک معادله بی‌نظیر: «حرکت از تو، برکت از خدا». «این جمله‌ای که از امام بزرگوار ما نقل شده است و شما شنیدید که فرمود "خرمشهر را خدا آزاد کرد"، دقیق‌ترین و حکیمانه‌ترین سخنی است که در این باب گفته شده است؛ عیناً همان ﴿وَمَا رَمَيْتْ إِذْ رَمَيْتْ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى﴾^۱ این نگاه در تمام زندگی ما جاری است. آن پزشک جراحی که می‌گوید «من تمام تلاشم را کردم، شفا با خداست»، یا آن کشاورزی که بذرها می‌پاشد و چشم به آسمان می‌دوزد، هر دو در حال زندگی با این آیه هستند. سردار حسن طهرانی مقدم، پدر صنعت موشکی، نماد این آیه بود. او و یارانش نه از تهدیدهای دشمن می‌ترسیدند و نه با تحریم‌ها ناامید می‌شدند و نه از موفقیت‌های خود مغرور؛ چون می‌دانستند کار دست خداست. بعد از هر آزمایش موفق، سر به سجده می‌گذاشتند و از خداوند تشکر می‌کردند. ملتی که با این منطق حرکت کند، برای ساختن آینده‌اش روی پای خودش می‌ایستد و منت ابرقدرت‌ها را نمی‌کشد.



۱. «بیانات مقام معظم رهبری در جمع دانش‌آموختگان دانشگاه امام حسین (ع)»،

زندگی با آیه

مثل شهید احمد علی نیری، در اوج جوانی، صحنه گناه را ترک کردی و پیروز شدی؟ به جای اینکه به اراده پولادینت افتخار کنی، سر به سجده بگذار و بگو: «این تو بودی که تیر را به قلب وسوسه زدی، نه من.»

بعد از ماه‌ها تلاش در آزمایشگاه، بالأخره آن فرمول حیاتی را کشف کردی و تحریم دشمن را شکستی؟ در لحظه‌ای که همه تو را به عنوان یک نخبه ملی تحسین می‌کنند، در خلوت خودت بگو: من فقط تلاش کردم، «وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى».

در یک بحث داغ، با یک استدلال قوی و ناگهانی، پیروز مناظره شدی و همه به هوش و ذکاوت تو احسنت گفتند؟ همان لحظه در دلت بگو: این خدا بود که تیر کلامم را بر قلب شبهه نشاند.

وسط بحران اقتصادی شرکت، با یک تصمیم سخت و به موقع، همه چیز را نجات دادی و به عنوان یک مدیر قهرمان تشویق شدی؟ وقتی برای دست می‌زنند، بگو: «آنها بازیگر را تشویق می‌کنند؛ من کارگردان را.»

دشمن جنگ را شروع کرد تا خیابان را خالی کند؛ تو در روز دوم، خیابان را با جشن غدير فتح کردی. این حضور، «پرتاب» تو بود؛ فرو ریختن محاسبات دشمن در جنگ ۱۲ روزه، «اصابت» تیر خدا بود.



محتوای خودت را بساز



شواهد آیه‌ها

آیه دهم

قوی شو!

﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ﴾

سوره انفال، آیه ۶۰

[برای مقابله با دشمن] هرچه می‌توانید
نیرو آماده کنید [تا دشمنان خدا و دشمنان
خودتان را به وحشت اندازید].

پشت این دستور، چه شیرینی‌هایی خوابیده است؟



سُورَةُ الْأَنْبَاءِ

ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِّعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ
يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٥٣﴾ كَذَّابٌ ءَالِ
فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ
بِذُنُوبِهِمْ وَأَغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَكُلٌّ كَانُوا ظَالِمِينَ ﴿٥٤﴾
إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ
﴿٥٥﴾ الَّذِينَ عَاهَدْتَ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ
مَرَّةٍ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ ﴿٥٦﴾ فِيمَا تَنَفَّقَ فِيهِمْ فِي الْحَرْبِ فَشَرَّدَ بِهِمْ
مَنْ خَلْفَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَدْكُرُونَ ﴿٥٧﴾ وَمَا تَخَافَتَ مِنْ قُوَّةِ
خِيَانَةٍ فَاذِنْدِ إِلَيْهِمْ عَلَىٰ سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ
﴿٥٨﴾ وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَبْقُوا إِلَيْهِمْ لَا يَعْجِزُونَ
﴿٥٩﴾ وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ
تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَءَاخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ
لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ
اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ ﴿٦٠﴾ وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلَامِ
فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٦١﴾



تلاوت آیه



مدرسہ حفظ



برو قوی شو! اگر راحت جهان طلبی

قرن‌ها چپاول و غارتگری، طوری بارشان آورده که زبان خوش سرشان نمی‌شود. یاد گرفته‌اند همه چیز را با زور بگیرند. اگر سر تعظیم فرود بیاوری، بی‌هیچ شرمی روی گُرده‌ات سوار می‌شوند و اگر قد عَلم کنی، بی‌هیچ ملاحظه‌ای لگدمالت می‌کنند. باید خیلی قوی‌تر از این حرف‌ها باشی. باید کاری کنی که قبل از حرف زدن درباره تو، چند لحظه مکث کنند، که شب‌ها از فکر کردن به تو مدام این‌پهلو و آن‌پهلو شوند، که حتی اگر در خیال، تفنگ‌هایشان به سمت تو بچرخد، جرئت نشانه‌گیری نداشته باشند. یک بار که طعم این قدرت را بچشی، تازه می‌فهمی پشت این دستور ساده چه شیرینی‌های بزرگی نهفته است.





از حیاط مدرسه تا صحنهٔ روابط بین‌الملل، یک قانون نانوشته وجود دارد: همیشه قلدرهایی هستند که سراغ افراد و کشورهای ضعیف می‌روند. آن‌ها به کسی حمله می‌کنند که می‌دانند توانایی دفاع از خود را ندارد. این یک واقعیت تلخ است که التماس و خواهش، هرگز یک متجاوز را متوقف نمی‌کند. تنها چیزی که او را سر جایش می‌نشانند، «قدرت» است. خداوند این اصل حیاتی برای بقا و عزت را به عنوان یک فرمان راهبردی به مؤمنان آموزش می‌دهد: «وَأَعِزُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (انفال/۶۰) و برای مقابله با آن‌ها، هر آنچه در توان دارید، نیرو و قدرت آماده کنید.

«قوی شدن» تنها مسیر پیشرفت

این «قوّت» که قرآن به آن فرمان می‌دهد، ابعاد بسیار وسیعی دارد؛ همان‌طور که رهبر معظم انقلاب تأکید می‌کنند: «این قوّت در وهلهٔ اوّل... ممکن است قوّت نظامی به نظر برسد، لکن ظاهراً خیلی وسیع‌تر از دامنهٔ قوّت نظامی است. ابعاد قوّت ابعاد وسیعی است؛ ... قوّت اقتصادی، قوّت علمی، قوّت فرهنگی، قوّت سیاسی - که زمینه‌ساز قوّت سیاسی، استقلال سیاسی است - و قوّت تبلیغی. ... امروز حفظ جمعیت جوان کشور یکی از ابزارهای قوّت است... امروز قوّت در فضای مجازی حیاتی است.»^۱ از کسب علم، مهارت

۱. «سخنرانی نوروزی خطاب به ملت ایران»، ۱۳۹۹/۰۱/۰۳.

و تخصص، برای فردی که می‌خواهد در تأمین زندگی‌اش محتاج دیگران نباشد و با عزت زندگی کند تا همدلی و اتحاد اعضای یک فامیل که هوای هم را دارند از مصادیق قدرت است. قدرت نظامی یعنی داشتن موشک‌های نقطه‌زن و پهپادهای پیشرفته که دشمن را از فکر تجاوز پشیمان می‌کند. قدرت علمی یعنی داشتن دانشمندانی که پیچیده‌ترین فناوری‌ها را بومی می‌کنند. قدرت اقتصادی یعنی شرکت‌های دانش بنیان و تولیدی‌هایی که کشور را از وابستگی به دیگران بی‌نیاز می‌کنند. قدرت اجتماعی یعنی اتحاد مقدسی که در جنگ ۱۲ روزه شیرینی‌اش را چشیدیم.

رسیدن به صلح، از مسیر اقتدار

آیه می‌گوید آن قدر قوی شوید که کسی جرئت نکند با شما بجنگد. این یعنی رسیدن به «صلح» از مسیر «اقتدار». در نقطه مقابل «احساس ضعف شما، موجب تشویق دشمن به حمله به شماست؛ این یک قاعده کلی است.»^۱ به قول علی اکبر گلشن:

برو قوی شو اگر راحت جهان طلبی
که در نظام طبیعت ضعیف پامال است

۱. «بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مسئولان راهیان نور»، ۱۳۹۵/۱۲/۱۶.

زندگی با آیه

در فروشگاه، بین جنس خارجی شیک و ایرانی معمولی، جنس ایرانی را برمی داری. هر ریالی که به جیب کارگر ایرانی می رود، یک فشنگ در خشاب اقتصادی کشور است.

پسر خاله‌ات از کانادا زنگ می زند و از زندگی راحت و بی دردسر آنجا می گوید. وسوسه می شوی اما تلفن را قطع می کنی، لپ تاپت را باز می کنی و روی پروژه استارتاپ دانش بنیانت کار می کنی تا کشورت را قوی کنی. تو با این انتخاب، به این آیه عمل کرده‌ای.

روی سکوای قهرمانی جهان ایستاده‌ای و تمام دنیا نگاهت می کنند. به جای یک شادی معمولی، سلام نظامی می دهی و پرچم کشورت را می بوسی. تو داری قدرت نرم کشورت را به رخ دنیا می کنی.

از تکرار قصه گفتن و تربیت فرزند خسته شده‌ای، اما امشب هم با حوصله برایش از شجاعت و غیرت شهدا می گویی. تو در حال ساختن مهم ترین «قُوَّة» هستی: نسلی که پرچم را زمین نگذارد.

وقتی بقیه سر کلاس چُرت می زنند، تو تمام حواست به درس است تا یک متخصص درجه یک شوی. یک متخصص متعهد، یک موشک نقطه زن در جنگ آینده است.



محتوای خودت را بساز



شهادت آیه‌ها

آیه یازدهم

پُرسودترین معامله

﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ﴾

سوره توبه، آیه ۱۱۱

مسلمانان خداوند از مؤمنان جانها و اموالشان را به بهای
اینکه بهشت برای آنان باشد خریداری کرده است.

چه طور می شود یک کالای نابودشدنی
را به سود ابدی تبدیل کرد؟



وَالَّذِينَ أَخَذُوا مَسْجِدًا ضَرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ
 الْمُؤْمِنِينَ وَإِصْرَادًا لِّلْمَن حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ
 وَلَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ
 لَكَاذِبُونَ ﴿١٧﴾ لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا لِّلْمَسْجِدِ أُسُسٌ عَلَى التَّقْوَىٰ
 مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ
 يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ ﴿١٨﴾ أَفَمَنْ أَسَّسَ بُنْيَنَهُ
 عَلَى تَقْوَىٰ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ أَمْ مَنْ أَسَّسَ بُنْيَنَهُ
 عَلَى شَفَا جُرْفٍ هَارٍ فَأْتَاهُ رِيحُ فِي نَارِ جَهَنَّمَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي
 الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ﴿١٩﴾ لَا يَزَالُ بُنْيَنُهُمُ الَّذِي بَنَوْا رِيبَةً
 فِي قُلُوبِهِمْ إِلَّا أَنْ تَقَطَّعَ قُلُوبُهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ
 ﴿٢٠﴾ إِنْ اللَّهُ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ
 بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ
 وَيُقْتَلُونَ وَعَدَّا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْبَةِ وَالْإِنْجِيلِ
 وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا
 بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٢١﴾



تلاوت آیه

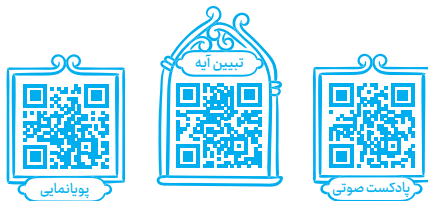


مدرسه حفظ



این معامله فقط با تو به سود می‌رسد

این حیا را از چادر نماز مامان دارم و این سخاوت را از دست‌های همیشه بخشنده بابا. با این چشم‌های قهوه‌ای روشن در خانه خدا گریه کرده‌ام و با این دست‌های زُخت برای خانواده‌ام نان حلال درآورده‌ام. همه صبح‌های بچگی را با یاسین خواندن‌های مامان بزرگ بیدار شده‌ام و همه شب‌های نوجوانی را با زمزمه واقعه بابا بزرگ خوابم برده. خدایا، حواسم را جمع کن که قیمت این دارایی‌ها را دست‌کم نگیرم، که خودم را در این بازار پُرفریب ارزان معامله نکنم، که این امانت‌های کوچک و بزرگ را جز به دست‌های مهربان تو نسپارم. یادم بینداز که فقط معامله با توست که به سود می‌رسد، که قدر و قیمت این روح بی‌قرار را فقط تو می‌دانی.





چقدر روی خودت قیمت می گذاری؟ اگر قرار باشد با ارزش ترین دارایی هایت - جانت، عمرت، مالت - را بفروشی، بهای آن را چه چیزی تعیین می کنی؟ شهرت؟ قدرت؟ ثروت؟ ما در بازار شلوغ دنیا، مدام در حال معامله کردن عمر و انرژی مان هستیم، اما اغلب با قیمتی ناچیز. در این میان، خداوند به عنوان بزرگ ترین «مشتري»، یک پیشنهاد شگفت انگیز و بی رقیب روی میز می گذارد؛ پیشنهادی که منطق تمام محاسبات مادی ما را به هم می ریزد:

﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ﴾ (توبه/۱۱۱)؛ «مسلمانان خداوند از مؤمنان جانها و اموالشان را به بهای اینکه بهشت برای آنان باشد خریده است.»

ویژگی های این معامله الهی

این یک معامله است، اما نه یک معامله معمولی. فروشنده اش مؤمنی است که می داند همه چیزش امانت است. خریدارش خداوندی است که مالک تمام هستی است. کالا، جان و مالی است که در هر صورت، روزی از دست خواهد رفت؛ اما بها بهشت است: آن حیات ابدی و آرامش بی نهایت. منطق این معامله، تبدیل یک دارایی نابودشدنی به یک سرمایه باقی است. این همان نکته کلیدی است که رهبر معظم انقلاب با یک تمثیل زیبا آن را یک «مرگ تاجران» می نامند: «این جانی که من و شما داریم، همان یخ است، این

دارد ذره‌ذره [از بین] می‌رود... حالا [برای] این جنسی که چه شما بفروشی و چه نفروشی بالاخره تمام خواهد شد، یک مشتری پیدا شده و می‌گوید من این را از تو می‌خرم، آن هم به بالاترین قیمت... بنده از قدیم ... می‌گفتم شهادت، مرگ تاجرانه است؛ یعنی در آن زرنگی هست.»^۱

این معامله در زندگی روزمره

این معامله در جای جای زندگی ممکن است اتفاق بیفتد؛ وقتی یک دانشمند، عمر و جوانی‌اش را وقف حل یک مسئله علمی برای خدمت به مردم و انقلاب می‌کند؛ وقتی پدر و مادری، جوانی و آسایش خود را فدای تربیت فرزندانی صالح می‌کنند و اما اوج این تجارت الهی، در شهادت متجلی می‌شود. وقتی به چهره آرام شهید حججی در لحظه اسارت نگاه می‌کنیم، ترس نمی‌بینیم؛ بلکه اطمینان فروشنده‌ای را می‌بینیم که می‌داند پُرسودترین معامله عمرش را انجام داده است. این اطمینان آن قدر عمیق است که به یک وصیت‌نامه تبدیل می‌شود؛ دعوتی برای فرزندش تا او نیز وارد این معامله بزرگ شود: «پسر عزیزم، علی جان... ببخشید اگر قد کشیدنت را ندیدم ... سعی کن کاری کنی که سرانجام آن به شهادت ختم شود.» او جان‌ش را که امانتی از خدا بود، به خود صاحبش فروخت تا «استقلال» و «عزت» یک ملت پابرجا بماند.

۱. «بیانات مقام معظم رهبری در دیدار خانواده‌های شهدای مرزبان و مدافع حرم».

زندگی با آیه

وقتی از آن طلای دوست داشتنی می‌گذری و در پویش ایران همدل به بچه‌های مظلوم غزه هدیه می‌دهی، در حال انجام یک معامله فوق‌العاده پُرسود با خدا هستی.

از خواب و استراحت و درآمد بیشتر می‌زنی برای انجام یک کار فرهنگی روی زمین مانده. این معامله‌های کوچک، تو را برای آن معامله بزرگ آماده می‌کند.

از آبرویت مایه می‌گذاری تا دو نفر را با هم آشتی بدهی؟ تو داری «سرمایه اجتماعی» خودت را با خدا معامله می‌کنی و هیچ تجارتی پُرسودتر از این نیست.

نخبه علمی هستی با بهترین پیشنهادها از آن سوی مرزها، اما عمر، تخصص و جوانی‌ات را که می‌توانی در رفاه خرج کنی، وقف حل یک مسئله اساسی در کشورت می‌کنی. تو هم وارد باشگاه معامله‌گرهای بزرگ با خدا شده‌ای.

یک لباس مجلسی گران چشم‌ت را گرفته، ولی پولش را خرج جهیزیه یک دختر دم‌بخت می‌کنی، داری یک کالای مصرفی را با رضایت ابدی خدا معامله می‌کنی. این یعنی خیلی باهوشی!

وقتی با پرداخت خمس، مالت را پاک می‌کنی، حس نکن چیزی از دست داده‌ای. تو در حال تحویل دادن بخش کوچکی از اموالی هستی که خیردارش خداست و بهایی بی‌نهایت برایش می‌پردازد.



محتوای خودت را ببین



شهادت آیه‌ها

آیه دوازدهم

خزانِ بدی‌ها

﴿إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ﴾

سوره هود، آیه ۱۱۴

به یقین کارهای خوب، بدی‌ها را از بین می‌برد.

چگونه می‌توانیم آثار کارهای بد و گناهانمان را پاک کنیم؟



فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِّمَّا يَعْبُدُ هَؤُلَاءِ مَا يَعْبُدُونَ إِلَّا كَمَا يَعْبُدُ
 ءَابَاؤَهُمْ مِّن قَبْلُ وَإِنَّا لَمُوقِفُوهُمْ نَصِيبُهُمْ غَيْرَ مَنْقُوصٍ
 ﴿١٠٩﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتَلَفَ فِيهِ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ
 سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ لَفُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيبٍ
 ﴿١١٠﴾ وَإِن كَلَّمَا لَأُؤَيِّدَنَّاهُمْ رَبُّكَ أَعْمَلَهُمُ إِنَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ
 خَبِيرٌ ﴿١١١﴾ فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ وَمِن تَابٍ مَّعَكَ وَلَا تَطَّعُوا
 إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿١١٢﴾ وَلَا تَرْكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا
 فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّن دُونِ اللَّهِ مِن أَوْلِيَاءَ ثُمَّ
 لَا تُنصَرُونَ ﴿١١٣﴾ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَزُلْفًا مِّن
 اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرِي
 لِلذَّاكِرِينَ ﴿١١٤﴾ وَأَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ
 ﴿١١٥﴾ فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِن قَبْلِكُمْ أُولُو بَقِيَّةٍ يَنْهَوْنَ
 عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّنْ أَنجَيْنَا مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ
 الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أَتَوْا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ ﴿١١٦﴾ وَمَا
 كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَى بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا مُصْطَحُونَ ﴿١١٧﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ



هنوز می‌توانی درستش کنی

غصه نخور! شبیه عقب کشیدن فیلم‌ها روی دور تند، هنوز می‌توانی همه چیز را به روز اولش برگردانی. هنوز می‌توانی دفترمشق‌های خط خورده زندگی‌ات را ورق بزنی و غلط‌ها را یکی یکی درست کنی. جای آن اخم‌های درهم‌رفته، لبخند بگذاری و توی آن گلدان‌های خشک شده کنار پنجره، حُسن یوسف‌های تازه بکاری. بعد از آن جواب‌های سربالا به مامان، ظرف‌های تلنبار شده شام دیشب را سبک کنی و بعد از آن غُرغُرهای الکی به جان بچه‌ها، برایشان قبل از خواب قصه بخوانی. فرصت را دریاب! منتظر آن شنبه نیامدنی نباش و همین حالا، با همین بهانه‌های ساده و کوچک، گردوغبار گذشته را از روح بتکان.





درست در قلب سورۀ هود، خداوند دو فرمان بزرگ و سرنوشت ساز صادر می‌کند: «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ»^۱ و «وَلَا تَرْكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا»^۲ اما بزرگ‌ترین مانع عمل به دستور استقامت و تکیه نکردن به دشمن چیست؟ چرا برخی با علم به حقانیت راه، از دشمن می‌ترسند، به سمت سازش با ظالم متمایل می‌شوند؟

خداوند در تحلیل شکست مسلمانان در جنگ اُحُد، جواب این پرسش را بیان می‌کند: «إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا» (آل عمران/۱۵۵) آن‌هایی که در لحظه حساس، پیامبر ﷺ را تنها گذاشتند و پا به فرار گذاشتند، قربانی حمله‌ای ناگهانی از سوی شیطان نشدند، بلکه شیطان به سبب گناهانشان، پایشان را لغزاند. لغزش‌های قبل از میدان مبارزه، خود را در لغزش در میدان مبارزه نشان می‌دهد.

درست در همین نقطه، خداوند راه حل فوری و دائمی را پیش پای ما می‌گذارد: «إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ» (هود/۱۱۴) «یقیناً کارهای خوب، بدی‌ها را از بین می‌برد.»

لغزیدی؟ خطا کردی؟ ناامید نشو و در موضع ضعف نمان! فوراً با یک «حسنه» و کار نیک، آن «سیئه» را پاک کن تا سبک شوی؛ تا آن ترس و سنگینی که از گناه در دلت لانه کرده بود، از بین برود.

۱. هود / ۱۱۲: «پس همان گونه که فرمان یافته‌ای ایستادگی کن..»

۲. هود / ۱۱۳: «به ظالمان، تمایل و اطمینان نداشته باشید و تکیه نکنید..»

در جای جای زندگی

این نسخه شفافبخش، در تمام لحظات زندگی در دسترس است؛ بعد از آن غفلتی که چند روزی در خصوص پدر و مادرت داشتی، می توانی با یک تماس بی مقدمه برای شنیدن صدایشان، دلشان را دوباره گرم کنی. بعد از آن غیبتی که پشت سر دوستت کردی، می توانی در خلوت نماز شب برایش دعا و استغفار کنی. بعد از آن حسادت زهرآلودی که به موفقیت همکارت داشتی، می توانی پیش قدم شوی و با یک هدیه، موفقیتش را صادقانه به او تبریک بگویی. از حُرّین یزید ریاحی که با یک توبه و شهادت، گناه عظیم بستن راه بر امام حسین علیه السلام را پاک کرد تا «حرّ انقلاب»، شهید شاهرخ ضرغام، تاریخ به ما آموخته که راه جبران همیشه باز است.

اصلی ترین ابزار پاک سازی مستمر روح

در نهایت، خداوند در همین آیه، قبل از بیان این فرمول، یکی از قدرت مندترین مصادیق «حسنه» را معرفی می کند: «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ»؛ «نماز نورانیّتی دارد؛ ظلمت ها را از بین می برد، بدی ها را از بین می برد و اثر گناهان را از دل می زداید... اگر به نماز پایبند باشید، این نورانیّت شما باقی خواهد ماند و گناه این فرصت را پیدا نمی کند که در جان شما نفوذ کند.»^۱

۱. «بیانات مقام معظم رهبری در جلسه پرسش و پاسخ با جوانان در دومین روز از دهه فجر (روز انقلاب اسلامی و جوانان)» ۱۳/۱۱/۱۳۷۷.

زندگی با آیه

سر بچه‌ها داد زدی؟ شب با یک قصه خوب و یک بغل محکم، آن خاطره تلخ را از ذهنش پاک کن.

امروز از کوره در رفتی و دل کسی را شکستی؟ موقع نماز، چند دقیقه زودتر پای سجاده بشین و از خدا بخواه قلبت را آرام کند و کمکت کند جبران کنی.

خستگی باعث شد به همسرت کم محلی کنی؟ با یک چای داغ و چند دقیقه گفت‌وگوی صمیمی، آن کم توجهی را جبران کن و دلش را به دست بیاور.

پشت سر دوستت حرف زدی؟ بعد از نماز برایش استغفار کن، به نیتش صدقه بده و تصمیم بگیر دفعه بعد جلوی بقیه از خوبی‌هایش بگویی.

نگاهت به صحنه‌ای افتاد که نباید می‌افتاد؟ سریع برو وضو بگیر و دو رکعت نماز بخوان. این بهترین پاک‌کننده است.

روزت را با چرخیدن بی‌هدف در اینستاگرام تلف کردی؟ نماز عشا را با حضور قلب کامل بخوان. این بهترین مُهر پایان برای یک روز نه‌چندان خوب است.

یک فکر ناامیدکننده به سراغت آمد؟ پناه ببر به قرآن. فقط یک صفحه از کلام خدا بخوان. نور کلماتش، تاریکی آن فکر منفی را از بین می‌برد.



آیه سیزدهم

زِذکر حق دلم آرام گیرد

﴿أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ﴾

سوره رعد، آیه ۲۸

آگاه باشید! دل‌ها فقط با یاد خدا آرام می‌گیرند.

یاد خدا چه‌طور به آدم آرامش می‌دهد؟



* أَفَمَنْ يَعْلَمُ أَنَّمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ كَمَنْ هُوَ أَعْمَىٰ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ
أُولُو الْأَلْبَابِ ﴿١٩﴾ الَّذِينَ يُوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ
﴿٢٠﴾ وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ
وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ ﴿٢١﴾ وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ
وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَدْعُونَ
بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةِ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ ﴿٢٢﴾ جَنَّتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا
وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّتِهِمْ وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ
عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ ﴿٢٣﴾ سَلَامٌ عَلَيْهِمْ بِمَا صَبَرُوا فَيَنْعَمُ عُقْبَى الدَّارِ ﴿٢٤﴾
وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ
مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَٰئِكَ لَهُمُ
الْعَذَابُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ ﴿٢٥﴾ اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ
وَيَقْدِرُ وَفَرَحُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا
مَتَاعٌ ﴿٢٦﴾ وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ
إِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أُنَابَ ﴿٢٧﴾ الَّذِينَ آمَنُوا
وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ ﴿٢٨﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ



با یاد او آرام بگیر!

تا کی می خواهی شب‌ها به قرص‌های خواب‌آور پناه ببری و روزها دل‌شوره‌هایت را با آرام‌بخش‌ها ساکت کنی؟ گیرم که دردهایت را چند صبحی با قرص‌های رنگارنگ پنهان کردی؛ گیرم که خود واقعی‌ات را چند روزی به لطف خلصه سرخوش‌کننده مسکن‌ها از یاد بردی، بعدش چی؟ تا کجا قرار است به این خودفراموشی خودخواسته ادامه بدهی؟ تا کی می خواهی تسبیح فیروزه‌ای مامان را که از جاکلیدی آویزان است، نادیده بگیری و به یاد خدایی که از همه دردهایت بزرگ‌تر است، دوتا «الله اکبر» زیر لب زمزمه نکنی؟





آرامش: گمشدهٔ بزرگِ انسانِ امروز است. از یک مادر خانه‌دار تا یک کارمند خسته در ترافیک عصرگاهی و یک مدیر پُرمشغله، همه دنبال حال خوب و دلی آرام هستیم. برای پیدا کردنش هم به هر دری می‌زنیم. گاهی با پول، گاهی با سفر، گاهی با سرگرم کردن خودمان؛ اما این‌ها مُسکّن‌های موقتی هستند که مانند هدفونی برای لحظاتی صدای طوفان مشکلات را قطع می‌کنند، ولی به محض برداشتنش، می‌بینیم طوفان هنوز سر جایش است. راستی پایدارترین راه برای رسیدن به آرامش چیست؟ قرآن پاسخ می‌دهد: «**أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ**» (رعد/۲۸) «بدانید! دل‌ها تنها با یاد خدا آرام می‌گیرند.»

راز این معجزه

یاد خدا تنها و تنها راه آرام کردن این جان‌های ناآرام ماست؛ اما این «یاد» چگونه چنین معجزه‌ای می‌کند؟ «یاد خدا» صرفاً تکرار یک نام نیست، بلکه یک باور و یک اتصال آگاهانه به حقیقت هستی است. هر نام خدا و هر آیهٔ قرآن، یک نسخهٔ شفابخش برای رفع عوامل اضطراب است:

– وقتی حس ناتوانی می‌کنی، یادت باشد «**وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ**» (آل عمران/۱۸۹). به قدرتی تکیه کرده‌ای که همهٔ مشکلات عالم در برابرش هیچ است.

– وقتی حس می‌کنی تنهایی و بی‌پناه، به یاد بیاور او همیشه با توست: «وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ». مثل دست گرم پدری قدرتمند که دست فرزندش را در شلوغ‌ترین بازارها گرفته؛ بازار شلوغ است، اما کودک آرام.

– وقتی تلاشت را کردی ولی برنامه‌ریزی‌هایت به هم می‌ریزد، بدان که او «حکیم» است و هیچ کارش بی‌هدف نیست. به منطق قرآن اعتماد کن که: «وَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ» او بهترین کارگردان داستان زندگی توست؛ به تدبیرش اعتماد کن که «وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ» (بقره/۲۱۶)

– وقتی نگرانی نان و معیشت و چک و اجاره، خواب را از چشمانت ربوده، بخوان «إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ» (ذاریات/۵۸) خدایی که روزی میلیاردها موجود، از کوچک‌ترین حشره تا بزرگ‌ترین کهکشان را می‌دهد، تو را فراموش نخواهد کرد.

و یاد کن هزاران نام دیگر خدا که در آیه‌های کتابش آمده تا نسخه آرام بخشی برای هزار درد و اضطراب ما باشد.

وقتی مثل روح‌الله‌ها و سیدحسن‌ها و یحیی سنوارها با این آیه‌ها زندگی کرده باشی، تازه طعم واقعی آرامش را خواهی چشید. «امروز جامعه انقلابی ما، مردم مؤمن ما، نیاز به این دارند که این آرامش را،... در خودشان هرچه بیشتر به وجود بیاورند... یاد خداست که دل‌ها را در ماجراهای طوفانی دنیا و زندگی حفظ می‌کند.»^۱

۱. «بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه تهران»، ۱۳۸۸/۰۳/۲۹.

زندگی با آیه

وقتی از چیزی ترسیدی به «حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ» پناه ببر که خداوند بعد از این آیه فرمود: «فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةِ مِّنَ اللَّهِ وَفَضِّلْ لَمْ يَمَسْسُهُمْ سُوءٌ» (آل عمران/۱۷۳ و ۱۷۴) وقتی دچار مشکلی شدی ذکر یونسیه را بخوان: «لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ» که در آیه بعدی فرمود: «فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَخَجَلْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُخَيِّجُ الْمُؤْمِنِينَ» (انبیاء/۸۷ و ۸۸). وقتی دچار مکر و حیلۀ دیگران شدی، به «وَأُفَوِّضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ» پناه ببر که خداوند به دنبال آن می گوید: «فَوَقَّاهُ اللَّهُ سَيِّئَاتِ مَا مَكَرُوا» (غافر/۴۴ و ۴۵) و وقتی دنیا و زینت آن را می خواهی به این آیه پناهنده شو: «مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» که خداوند بعدش فرموده: «...فَعَسَىٰ رَبِّي أَنْ يُؤْتِيَنِي خَيْرًا مِّنْ جَنَّتِكَ» (کهف/۴۱ تا ۴۲)

کاسب هستی و فکرو خیال چک و اجاره و بازار بی رونق، خواب را از چشم گرفته؟ به جای حساب کتاب کردن های بی نتیجه، چند بار بگو «یا رزاق». در خانه روزی دهنده همه عالم برو.

عصر جمعه است و تنهایی در خانه دلت گرفته؟ به جای چرخیدن بی هدف در اینستاگرام، قرآن را باز کن. انکار خدا دارد مستقیماً با خودت حرف می زند. این گفت و گو، حس تنهایی را از بین می برد.



محتوای خودت را بساز



شهادت آیه ها

آیه چهاردهم

صبر بی پایان

﴿وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ﴾

سوره نحل، آیه ۱۲۷

صبوری کن! که صبر تو جز به یاری خداوند نیست.

چه طور این آیه به مقابله با جمله معروف
«دیگر صبرم تمام شده!» می‌رود؟



سُورَةُ النَّازِعَاتِ

ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ عَمِلُوا السُّوءَ بِجَهْلَةٍ ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِ
 ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿١١٩﴾ إِنَّ
 إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا وَلَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ
 ﴿١٢٠﴾ شَاكِرًا لِنِعْمَةِ آجِبَةٍ وَهَدَاهُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ
 ﴿١٢١﴾ وَآتَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَإِنَّا فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ
 ﴿١٢٢﴾ ثُمَّ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ أَنْ اتَّبِعِ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ
 مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿١٢٣﴾ إِنَّمَا جَعَلُ السَّبْتِ عَلَى الَّذِينَ اخْتَلَفُوا
 فِيهِ وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ فِيمَا
 كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿١٢٤﴾ أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ
 وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَدِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ
 رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ
 ﴿١٢٥﴾ وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَلَئِنْ
 صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ ﴿١٢٦﴾ وَأَصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ
 إِلَّا بِاللَّهِ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِمَّا يَمْكُرُونَ
 ﴿١٢٧﴾ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ ﴿١٢٨﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ



صبوری، هدیهٔ خداست

امام حسین علیه السلام فرمود: «فقط با نگاه توست که دست و پا زدن این قربانی شش ماهه را می شود تاب آورد!» یوسف علیه السلام گفت: «فقط تو باید رحم کنی که آدمیزاد از شرّ نفس اماره اش نجات یابد.» مادر شهید گفت: «فقط به خاطر تو بود که کنار تابوت پسرم قالب تهی نکردم.» راست می گفتند. قلب همه شان مثل قلب من بود. بیشتر از هفتاد و اندی بار در دقیقه نمی تپید. در هر تپش بیشتر از هشتاد و اندی میلی لیتر خون پمپاژ نمی کرد و هیچ کدام بزرگ تر از یک دست مشت شده نبود؛ ولی کوه و دریا در برابر وسعتشان سر تعظیم فرود می آورد. راست می گفتند. صبوری هدیه ای بود که تو به آن ها داده بودی.





وقتی برای دهمین بار یک مسئله را برای فرزندت توضیح می‌دهی و او هنوز نگاهت می‌کند؛ وقتی در پیچ‌وخم یک کار اداری، از این اتاق به آن اتاق فرستاده می‌شوی؛ وقتی ماه‌ها برای یک هدف تلاش کرده‌ای، اما هنوز نتیجه‌ای نگرفته‌ای؛ در این لحظه‌ها، یک چیزی در درون ما شروع به ته‌کشیدن می‌کند. اسمش را می‌گذاریم صبر، تحمل، استقامت و هرچه که باشد، حس می‌کنیم کفگیرش دارد به ته دیگ می‌خورد. درست در همین نقطه شکنده، خداوند رازی را به ما می‌آموزد؛ راز اتصال این چشمه کوچک درونی به یک اقیانوس بی‌کران: «وَأَصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ» (نحل/۱۲۷)؛ «و شکایا باش که شکیبایی تو جز به [یاری و مدد] خدا نیست.»

اهل کدام صبری؟

انگار دو مدل صبر داریم. صبری که از اراده و توان شخصی ما سرچشمه می‌گیرد؛ ارزشمند است، اما تمام‌شدنی. صبر دیگر هست که هدیه‌ای از جانب خداست؛ نیرویی که مستقیماً از قدرت بی‌نهایت او به قلب ما سرازیر می‌شود. اولی تمام می‌شود، اما دومی نه. این همان رازی است که رهبر معظم انقلاب آن را «اتصال به منبع پایان‌ناپذیر» می‌نامند: «استقامت آن وقتی پایان‌ناپذیر می‌شود که متصل باشد به منبع پایان‌ناپذیر ذکر الهی... اگر صبراً... وصل کنیم به آن منبع لایزال، این صبر دیگر تمام نمی‌شود... اگر صبر تمام

نشود، آن مانع، تمام خواهد شد. اینی که گفته می‌شود اسلام پیروز است، یعنی این.»^۱

تجلی این صبر آسمانی را در داستان مادر شهیدان جوادنیا می‌توان دید. وقتی در دیدار با امام خمینی رحمته الله علیه، با دیدن اشک‌های امام برای چهار فرزند شهیدش، عکس‌ها را زیر چادر پنهان کرد و با صلابتی بی‌نظیر گفت: «چهار تا پسر مرا دادم که اشکت را نبینم.» این صلابت، از توان یک مادر داغ‌دیده فراتر بود؛ صبر او، ترجمهٔ زنده «وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ» بود.

قانون حمایت ویژه

این یک اتفاق استثنایی نیست؛ یک قانون است. پیامبر صلی الله علیه و آله این قانون را این‌گونه بیان کرده‌اند: «تَنْزِلُ الْمَعُونَةُ عَلَى قَدْرِ الْمُتَوَكِّلِ»؛^۲ یعنی هر اندازه که وظایف سنگین‌تر شود، کمک الهی نیز به همان اندازه می‌رسد. اگر خدا تو را در خط مقدم یک نبرد، چه جنگ نظامی، چه تربیت فرزند و چه یک پروژه علمی قرار داده و بار سنگینی بر دوش تو گذاشته، مطمئن باش که کمک ویژهٔ او هم حتماً در راه است. تو تنها نیستی و هیچ باری سنگین‌تر از توان واقعی‌ات بر دوش نیست. فقط کافی است در نقش خودت بایستی، بقیه‌اش را او می‌رساند.

۱. «بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رؤسای سه قوه و مسئولان نظام»، ۱۳۸۷/۰۶/۱۹.
۲. مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۳۶۷، ابن عساکر، علی، تاریخ مدینة دمشق، ج ۱۵، ص ۴۰۰.
(کمک الهی به اندازهٔ نیاز فرود می‌آید).

زندگی با آیه

﴿ از طعنه و تمسخر دیگران دل شکسته‌ای؟ نماز مغرب را اول وقت بخوان و بعدش سرسجاده بگو: «خدایا! برای ایستادن روی باورم، کمک کن.» ﴾

﴿ بچه‌ات با لج بازی دیوانه‌ات کرده؟ به جای اینکه سرش داد بزنی، همان لحظه از اتاق بیرون بیا، آب سردی به صورتت بزنی و زیر لب بگو: «خدایا! این امانت توست، صبرش را هم تو بده.» ﴾

﴿ خبر شکست پروژه، تو را به مرز ناامیدی رسانده؟ به جای کوبیدن مشت روی میز، صندلی‌ات را بچرخان رو به قبله، چشم‌هایت را ببند و بگو: «من تمام شدم، حالا نوبت توست.» ﴾

﴿ در جلسه، مدیریت نتیجه کار تو را به اسم یکی دیگر زد؟ خون دارد در رگ‌هایت می‌جوشد و می‌خواهی همان‌جا منفجر بشوی؟ قبل از اینکه یک کلمه بگویی، نفس عمیقی بکش و در دلت تکرار کن: «و ما صبری الا بالله...» ﴾

﴿ در ترافیک گیر کردی و صدای بوق و گرما کلافه‌ات کرده؟ به جای اینکه تو هم دستت را بگذاری روی بوق و به عالم و آدم بدوبیراه بگویی، ضبط را خاموش کن و چند بار آرام بگو: «وا صبر...» ﴾

﴿ از بهانه‌گیری‌های یک عزیز، به ستوه آمده‌ای؟ قبل از فرستادن آن پیام تند و پشیمان‌کننده، برو یک لیوان آب برای خودت بریز و بگو: «خدایا، من دیگه نمی‌تونم. از اینجا به بعدش با خودت.» ﴾



محتوای خودت را ببص



شهادت آیه‌ها

آیه پانزدهم

هرچه کنی به خود کنی...

﴿إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ
لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا﴾

سوره اسراء، آیه ۷

اگر خوبی کنید، به خودتان خوبی کرده‌اید، و اگر هم
بدی کنید، به خودتان بد کرده‌اید.

آدم گناه‌کار بیشتر از همه به چه کسی بدی می‌کند؟



سُورَةُ الْاِسْرَاءِ

سُورَةُ الْاِسْرَاءِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سُبْحَنَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى
الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا الَّذِي بَرَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ وَنَمَّا آيَاتِنَا إِنَّهُ
هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ﴿١﴾ وَآتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَاهُ
هُدًى لِّبَنِي إِسْرَءِيلَ أَلَّا تَتَّخِذُوا مِن دُونِي وَكِيلًا ﴿٢﴾
ذُرِّيَّةً مِّنْ حَمَلِنَا مَعَ نُوحٍ إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا ﴿٣﴾
وَقَضَيْنَا إِلَى بَنِي إِسْرَءِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ
مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوكُمْ كَبِيرًا ﴿٤﴾ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا
بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَّنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ
الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا ﴿٥﴾ ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكُرَّةَ
عَلَيْهِمْ وَأَمَدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا
﴿٦﴾ إِنَّ أَحْسَنَكُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا فَإِذَا
جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسُئُوا وُجُوهَكُمْ وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ
كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَلِيُتَبِّرُوا مَا عَلَوْا تَتْبِيرًا ﴿٧﴾



تلاوت آیه



مدرسہ حفظ



این دنیا آینه خانه است

یک وقت خیال نکنی آن «بکن» و «نکن» ها چیزی به جیب خدا اضافه می کند؛ خیالت راحت! می توانی هرطور که می خواهی باشی؛ مهربان یا نامهربان، بخشنده یا بخیل، سپاس گزار یا ناسپاس. اما یادت باشد که این دنیا آینه خانه است که روشنایی ها و تاریکی ها هیچ وقت گم نمی شوند، که نیکی ها و پلیدی ها هر اندازه هم که دور بشوند باز یک روز شبیه کبوترهای جلد، به بام شانه های تو باز خواهند گشت.





وقتی یک پروژه کاری شکست می خورد یا یک رابطه دوستی به هم می ریزد، اولین و راحت ترین کار چیست؟ گرفتن انگشت اتهام به سوی دیگران! همکارم کم کاری کرد، دوستم بی معرفت بود و... . انگار همیشه یک نیروی بیرونی مسئول اتفاقات زندگی ماست. ما اغلب فراموش می کنیم که قدرت مندترین نیرویی که سرنوشت ما را شکل می دهد، خیلی به ما نزدیک تر است: انتخاب های خودمان. قرآن در این باره یک قانون معنوی را معرفی می کند؛ قانونی به دقت قانون جاذبه که می گوید: ﴿إِنْ أَحْسَنْتُمْ أُحْسَنْتُمْ لَأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا﴾ (اسراء/۷)؛ «اگر خوبی کنید، به خودتان خوبی کرده اید و اگر بدی کنید، باز هم به خودتان کرده اید.»

این آیه، آینه تمام نمای مسئولیت پذیری است. به قول مولانا: این جهان کوه است و فعل ما ندا

سوی ما آید نداها را صدا

پژواکِ عمل در زندگی روزمره

این قانون در کوچک ترین کنش های ما جاری است. آن لبخندی که به یک فروشنده خسته تحویل می دهی، قبل از آنکه دل او را شاد کند، آرامشش به قلب خودت برمی گردد. آن غیبتی که می کنی، قبل از آنکه آبروی کسی را ببرد، روح خودت را تاریک می کند. وقتی گریه از کار کسی باز می کنی، در واقع در حال بافتن یک شبکه امن اجتماعی

هستی که خودت هم جزئی از آن هستی. ترویج فرهنگ «احسان» و کمک به هم‌نوع، جامعه را در برابر مشکلات اقتصادی و اجتماعی واکسینه می‌کند.

از ماست که بر ماست

این اصل در سرنوشت یک ملت هم حرف اول را می‌زند. شکست‌های بزرگ، اغلب از خطاهای درونی شروع می‌شوند. رهبر معظم انقلاب با اشاره به یک نمونه تلخ، این قانون الهی را یادآوری می‌کنند که چگونه «عمل نکردن» به یک توصیه، پژواک ویرانگری برای کل جامعه دارد: «چند سال قبل از این... من توصیه‌های مؤکدی را راجع به مقابله با فساد اقتصادی به مسئولین کشور کردم... اگر عمل می‌کردند، دیگر این فساد بانکی اخیر... پیش نمی‌آمد. وقتی عمل نمی‌کنیم، دچار این حوادث می‌شویم... چقدر در این کشور از بروز یک چنین فساد دل‌ها ناراحت می‌شود؟ چقدر آدم‌ها امیدشان را از دست می‌دهند؟»^۱

این یعنی پژواک یک «بدی»، به شکل ناامیدی و بی‌اعتمادی به خود جامعه بازمی‌گردد. این آیه به ما هشدار می‌دهد که برای قوی ماندن و استقامت، حتماً باید اهل احسان و نیکی به همدیگر و مراقب انتخاب‌های خودمان باشیم.



۱. «بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران حج»، ۱۳۹۰/۰۷/۱۱.

زندگی با آیه

با نقل یک شایعه یا غیبت، احساس مهم بودن می‌کنی؟ تو در حال ساختن تصویری از خودت به عنوان یک فرد غیرقابل اعتماد هستی. به زودی هیچ کس راز دلش را به تو نخواهد گفت.

در محیط کار، به همکاری که به مشکل خورده کمک می‌کنی؟ این لطف نیست، سرمایه‌گذاری روی فرهنگ همکاری است که اولین سودش به خودت می‌رسد وقتی تو نیاز به کمک داری.

با یک کنایه تلخ، همسرت را در جمع ضایع می‌کنی؟ خنده دیگران موقتی است؛ اما سرمای بی‌اعتمادی که در خانه می‌سازی، اول از همه خودت را منجمد می‌کند.

می‌توانی با کم‌فروشی سود بیشتری ببری؟ آن سود اندک، به قیمت ازدست رفتن اعتماد و برکت کسب و کارت تمام می‌شود.

نوجوانی و حوصله حرف‌های پدر و مادرت را نداری و با بی‌احترامی جوابشان را می‌دهی؟ این بی‌حوصلگی، بذری است که در آینده و در رابطه با فرزند خودت، با تلخی درو خواهی کرد.



محتوای خودت را بساز



شهادت آیه‌ها

آیه شانزدهم

نترس! تو پیروزی

﴿قُلْنَا لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَى﴾

سوره طه، آیه ۶۸

[به موسی] گفتیم: نترس! پیروز میدان فقط تویی.

ریشه اصلی ترس ما از دشمن، ناشی از قدرت
اوست یا ناشی از ضعیف شدن ایمان ما؟



قَالُوا يَمُوسَى إِمَّا أَنْ تُلْقَى وَإِمَّا أَنْ نَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَلْقَى ﴿٦٥﴾ قَالَ بَلْ
الْقَوَا إِذَا جَاءَهُمْ وَعَصِيَّهُمْ يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهَا
تَسْعَى ﴿٦٦﴾ فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً مُوسَى ﴿٦٧﴾ قُلْنَا لَا تَخَفْ إِنَّكَ
أَنْتَ الْأَعْلَى ﴿٦٨﴾ وَلَقَدْ مَفَى يَمِينِكَ تَلَقَّفَ مَا صَنَعُوا إِنَّمَا صَنَعُوا
كَيْدَ سِحْرٍ وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَى ﴿٦٩﴾ فَأَلْقَى السَّحَرَةُ سِحْرَ
قَالُوا أَمَنَّا بِرَبِّ هَارُونَ وَمُوسَى ﴿٧٠﴾ قَالُوا أَمَنَّا لَهُ وَقَبْلَ أَنْ يَأْذَنَ
لَكُمْ إِنَّهُ لَكَيْدٌ كُذِّبَ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَا يُفْطِنُ أَيْدِيَكُمْ
وَأَرْجُلَكُمْ مَنْ خَلَفَ وَلَا أَصْلَبَتْكُمْ فِي جُذُوعِ النَّخْلِ وَلَتَعْمَلُنَّ
أَيُّنَا أَشَدَّ عَذَابًا وَابْقَى ﴿٧١﴾ قَالُوا لَنْ نُؤْثِرَكَ عَلَى مَا جَاءَنَا مِنْ
الْبَيِّنَاتِ وَالَّذِي فَطَرَنَا فَاقْضِ مَا أَنْتَ قَاضٍ إِنَّمَا تَقْضِي هَذِهِ
الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ﴿٧٢﴾ إِنَّا أَمَّا أَمَنَّا بِرَبِّنَا لِنَغْفِرَ لَنَا خَطِيئَتَنَا وَمَا أَكْرَهْتَنَا
عَلَيْهِ مِنَ السِّحْرِ وَاللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى ﴿٧٣﴾ إِنَّهُ وَمَنْ يَأْتِ رَبَّهُ مُجْرِمًا
فَإِنَّ لَهُ وَجْهَهُمْ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَى ﴿٧٤﴾ وَمَنْ يَأْتِهِ مُؤْمِنًا قَدْ
عَمِلَ الصَّالِحَاتِ فَأُولَئِكَ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَى ﴿٧٥﴾ جَنَّاتُ عَدْنٍ
تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ مَنْ تَزَكَّى ﴿٧٦﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ



کسی حریف شما نیست

به دلت بد راه نده! دست تو در این میدان خالی نیست. تو چشم‌انتظاری مادران شهدا را داری؛ تو قدم‌زدن در خلوت صحن انقلاب را داری؛ تو دماوند و سبلان را داری؛ تو ارونند و کرخه و کارون را داری. تو راهی میدان که شوی، همیشه دستی مهربان پشت‌سرت آب می‌ریزد. تو انگشتت را که روی ماشه بگذاری، هزاران پرنده دعا روی شانه‌ات می‌نشینند. تو آرزوهای خوب بچه‌های ایران، تو «اللّٰهُمَّ سَدِّ رَمِيْهِمْ» بچه‌های غزه را با خودت داری. تو اگر با این همه دارایی پیروز این میدان نباشی، پس کی قرار است برنده شود؟! گفتم که... به دلت بد راه نده؛ کسی حریف تو نیست.





آن لحظه‌ای که حریف، تمام قد و قامتش را به رُخ می‌کشد، آن وقتی که دشمن تمام ابزارهایش را روی میز می‌گذارد و با هیمنه و هیا هو می‌خواهد دلت را خالی کند، آن لحظه‌ای که یک آن با خودت می‌گویی: «آیا من واقعاً توان مقابله دارم؟» آن زمانی که این ترس فلج‌کننده می‌تواند اراده‌ات را بشکند، خدا با تو حرفی دارد. درست در اوج این جنگ روانی، در لحظه‌ای که موسی علیه السلام در برابر نمایش خیره‌کنندهٔ ساحران فرعون، در دل احساس ترس کرد، صدایی از آسمان آمد که نه فقط به او، که به تمام مؤمنان تاریخ در میدان‌های نبردشان، اطمینان و قدرت می‌دهد: «قُلْنَا لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَىٰ» (طه/۶۸) گفتیم: «نترس! قطعاً پیروز میدان فقط تویی.»

منطق برتری در نگاه قرآن

این جمله، یک شعار انگیزشی نیست؛ بلکه یک تحلیل واقع‌بینانه از موازنهٔ قدرت است؛ اما چگونه؟ برتری در منطق الهی، با حجم تبلیغات و تعداد تجهیزات سنجیده نمی‌شود، بلکه به دو عامل کلیدی بستگی دارد. اول غلبه بر ترس درونی است. بزرگ‌ترین سلاح دشمن، ایجاد ترس در قلب توست. وقتی تو به منبع بی‌نهایت قدرت متصلی، اولین و مهم‌ترین سنگر دشمن که همان «ترس» است، فتح می‌شود. کسی که نمی‌ترسد، از پیش برنده است. دوم ایمان به اینکه ابزارهای محدود تو در دست خدا، کارایی نامحدود

پیدا می‌کنند. موسی یک عصای چوبی در دست داشت و ساحران، طناب‌هایی که چشم‌ها را خیره می‌کرد؛ اما وقتی آن عصا به قدرت الهی متصل شد، تمام آن نمایش‌های پوشالی را بلعید.

یک راهبرد، نه یک شعار

این باور، یک راهبرد کارآمد در تمام عرصه‌هاست؛ از آن دختری که مرعوب جو ناسالم محیط نمی‌شود و حجابش را محکم‌تر حفظ می‌کند و آن را پرچم هویت خود می‌داند، تا آن دانشمندی که با وجود تهدید و تطمیع و تحریم پای کار پیشرفت کشورش می‌ایستد. رهبر معظم انقلاب با اشاره به همین داستان و پیوند آن به امروز می‌فرمایند: «خداوند می‌فرماید: ﴿قَالَ لَا تَخَافَا إِنِّي مَعَكُمَا أَسْمِعُ وَأَذِّنُ﴾ [طه/۴۶] ببینید چقدر این خوب است! من با شما هستم، می‌بینم، می‌شنوم، حواسم جمع است، مواظبتان هستم.»^۱ «عیناً این خطاب، امروز به ملت ایران است.»^۲

آری همان‌طور که موسی علیه السلام با تکیه بر این وعده از فرعون عبور کرد، ملت ایران نیز با همین باور، از تمام گردنه‌های صعب‌العبور تاریخ عبور خواهد کرد.

۱. «بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری»، ۱۳۹۶/۱۲/۲۴.

۲. «بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مردم قم»، ۱۳۹۷/۱۰/۱۹.

زندگی با آیه

آن وقتی که طرف مقابل با فهرست بلندبالایی از تهدیدها و تحریم‌ها وارد مذاکره می‌شود و با زبان بدن و لحن طلب‌کارانه می‌خواهد تو را به عقب‌نشینی وادار کند، این آیه را بخوان.

اگر فرماندهی و در افاق جنگ، تصاویر ماهواره‌ای، حجم تجهیزات و تعداد نیروهای دشمن را نشان می‌دهد که چندین برابر توست، یاد این آیه بیفت.

در راهروی دانشگاه یا شرکت، وقتی نگاه‌های سنگین را حس می‌کنی، به جای اینکه سرت را پایین بیندازی، گام‌هایت را محکم‌تر بردار. چادر تو پرچم است. تو در این نبرد خاموش، برتر هستی.

وقتی حس می‌کنی در برابر سیل کارتونها و بازی‌های مخرب، تنها هستی، تلویزیون را خاموش کن، فرزندی را با محبت در آغوش بگیر و یک قصه از قهرمانان واقعی برایش تعریف کن. این کار تو، برتر از هزار ساعت برنامه آن‌هاست.

به عنوان یک قاضی، برای صدور یک رأی عادلانه، تو و خانواده‌ات را تهدید کرده‌اند؟ شب، وقتی فشارها به اوج می‌رسد، برو سر سجاده و از خود خدای عادل قادر کمک بخواه.

به عنوان فعال رسانه‌ای، به خاطر افشای یک حقیقت، تمام ارتش سایبری دشمن روی سرت خراب شده تا تو را ساکت کنند؟ نترس! چون خدا با توست.



آیه هفدهم

پیروزی نهایی

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ
بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا
عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾

سوره انبیاء، آیه ۱۰۵

البته ما پس از تورات، در زبور نوشتیم که همه زمین را
بندگان شایسته ما [با همه امکاناتش] به ارث می‌برند.

پیروز نهایی نبردهای آخرالزمانی کیست؟



لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا وَهُمْ فِي مَا أُشْتَهَتْ أَنْفُسُهُمْ
خَالِدُونَ ﴿١٢﴾ لَا يَحْزَنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ وَتَتَلَقَّاهُمُ
الْمَلَائِكَةُ هَذَا يَوْمُكُمْ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ ﴿١٣﴾
يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجِلِّ لِلْكُتُبِ كَمَا بَدَأْنَا
أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ وَعْدًا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ ﴿١٤﴾ وَلَقَدْ
كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا
عِبَادِي الصَّالِحُونَ ﴿١٥﴾ إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ
عَالِدِينَ ﴿١٦﴾ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ
﴿١٧﴾ قُلْ إِنَّمَا يُوحِي إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهُ وَاحِدٌ فَهَلْ
أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿١٨﴾ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ ءَاذَنْتُكُمْ عَلَى سَوَاءٍ
وَإِنْ أَدْرِي أَقْرَبُ أَمْ بَعِيدُ مَا تُوعَدُونَ ﴿١٩﴾ إِنَّهُ يَعْلَمُ
الْجَهْرَ مِنَ الْقَوْلِ وَيَعْلَمُ مَا تَكْتُمُونَ ﴿٢٠﴾ وَإِنْ أَدْرِي
لَعَلَّهُ وَفْتَنُهُ لَكُمْ وَمَتَّعْ إِلَى حِينٍ ﴿٢١﴾ قُلْ رَبِّ أَحْكُم
بِالْحَقِّ وَرَبُّنَا الرَّحْمَنُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ ﴿٢٢﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ



زمین به صاحبانش بازمی‌گردد

فرشته‌ها هم مثل ما نگران بودند. انگار که این روزها را در آینهٔ خلقت دیده باشند، از خدا پرسیده بودند: «آخرش می‌خواهی این زمین را به که بسپاری؟ به آن‌ها که جز خون‌ریزی و فساد نمی‌دانند؟! یا به آن‌ها که این همه زیبایی و شگفتی جهان را تباه می‌کنند؟! و خدا کتاب به کتاب و آیه به آیه، از تورات موسی و انجیل عیسی تا زبور داود علیه السلام و قرآن محمد صلی الله علیه و آله فرموده بود: «خیالتان راحت! من یک روز این زمین را از زیر پای بچه‌گوش‌ها و غاصب‌ها و راهزن‌ها می‌کشم و آن را با قیام آخرین منجی، به صاحبان حقیقی‌اش بازمی‌گردانم».





در میانه یک مبارزه طولانی و فرسایشی، چه چیزی جلوی ناامیدی را می‌گیرد؟ سرباز در خط مقدم، دانشمند در آزمایشگاه، یک ملت در برابر تحریم‌های چندین ساله، همه به یک سوخت حیاتی نیاز دارند: امید به نتیجه. اما نه یک امید مبهم؛ بلکه یک اطمینان قطعی به پیروزی. خداوند این اطمینان را در لوح تقدیر تاریخ، حک کرده است. این یک وعده شفاهی نیست؛ یک سند مکتوب و تخلف‌ناپذیر است که در کتاب‌های آسمانی تکرار شده: ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾ (انبیاء/۱۰۵)؛ «البته ما پس از تورات در زبور نوشتیم که همه زمین را بندگان شایسته ما [با همه امکاناتش] به ارث می‌برند.»

دیدن قله از دامنه کوه

یکی از شگرف‌ترین کارکردهای قرآن، این است که دائماً به انسان چشم‌انداز می‌دهد. کلام وحی، دایره دید انسان را از حصار تنگ زمان حال فراتر می‌برد؛ گاه او را به گذشته‌های دور می‌برد تا از سرنوشت پیشینیان عبرت گیرد و گاه به آینده‌های روشن پرواز می‌دهد تا مقصد نهایی را به چشم ببیند. قرآن، خود نقشه راه رسیدن به آن قله‌های موعود است. خاصیت دیدن این چشم‌اندازهای واقعی آن است که در اوج سختی‌ها و مشکلات، به انسان قدرتی مضاعف برای حرکت می‌بخشد؛ درست مانند کوهنوردی خسته که با دیدن قله در افق، جانی دوباره می‌گیرد.

یک امید راهبردی

امروز اگر دشمنان بشر در زمین جولان می‌دهند و از هیچ جنایتی فروگذار نمی‌کنند، باید بدانیم و بدانند که این فرصت، محدود و مهلتشان رو به پایان است. سرانجام قطعی و حتمی آنان، چیزی جز نابودی نیست. این آیه، چه قدرتی به آن جوان مبارز در غزه، آن رزمنده حزب الله در لبنان و آن مجاهد انصارالله در یمن می‌بخشد! تا در اوج مظلومیت، در برابر ظالمی تا بن دندان مسلح بایستد و خود را شریکی فعال در تحقق این طرح الهی بداند. از سوی دیگر، همین آیه، چه ترس و رعبی در دل دشمنان بشر همچون رژیم صهیونیستی می‌اندازد که به یقین دریافته‌اند دوران سلطه و قلدری‌شان پایان پذیر است. دیروزود دارد، اما سوخت و سوز ندارد. «امید و نگاه بنده نسبت به آینده این کشور خیلی روشن است. بنده می‌دانم که خدای متعال اراده فرموده است که این ملت را به متعالی‌ترین درجات برساند و بدانید که ان شاء الله ملت ایران به برکت اسلام، به برکت نظام اسلامی، بدون تردید به عالی‌ترین درجات یک ملت در حدّ و اندازه ملت ایران خواهد رسید و بدانید که توطئه دشمن، خرابکاری دشمن، حمله دشمن، ضربه دشمن هیچ اثری نخواهد داشت و به معنای واقعی کلمه، دشمن هیچ غلطی نخواهد توانست بکند.»^۱

زندگی با آیه

شاید امروز با یک کلیپ کوتاه در برابر امپراطوری دروغ ایستاده‌ای؛ اما همین قطره‌هاست که سیل می‌شود و بالاخره میراث فرهنگی زمین را پاک خواهد کرد.

حل کردن مشکل آب یک کوچه یا ایجاد یک صندوق قرض الحسنه کوچک، رزمایش تو برای مدیریت منابع کل زمین در آینده است.

از فساد و مدیران نالایق خسته شده‌ای؟ تو کار خودت را به بهترین و پاک‌ترین شکل انجام بده و با فساد مبارزه کن. تو در حال اثبات شایستگی‌ات برای مدیریت فردا هستی.

در بازار، رقیبت با کم‌فروشی و دروغ سود می‌کند و تو در فشار هستی؟ وزنه را دقیق بکش و جنس خوب دست مشتری بده. هر معامله درست تو، یک سهم از بازار آینده صالحان است.

تاریکی‌ها ماندگار نیستند. هر وقت دلت از ظلم دنیا گرفت، یاد قول قطعی خدا بیفت: «پایان شب سیه سپید است». آینده، بی‌برو برگرد مال خوب‌هاست. به امید آن روز روشن، آستین‌ها رو بالا بزن و با فساد بجنگ و با اشک و دعا، مسیر آمدن وارث حقیقی زمین را هموار کن.



محتوای خودت را بساز



شواهد آیه‌ها

آیه هجدهم

رمز بخشش خدا

﴿وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ
أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ﴾

سوره نور، آیه ۲۲

باید از خطایشان بگذرند و به رویشان نیاورند. مگر
دوست ندارید خدا هم از خطاهایتان درگذرد؟!

دوست نداری خدا تو را ببخشد؟



سُورَةُ النُّورِ

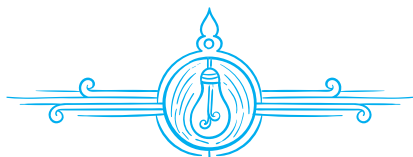
* يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوتَ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ
 خُطُوتَ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَوْلَا
 فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَكِنَّ
 اللَّهَ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٦١﴾ وَلَا يَأْتِلُ أُولُو الْفَضْلِ
 مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ أَنْ يُؤْتُوا أُولَى الْقُرْبَى وَالْمَسْكِينِ وَالْمُهَاجِرِينَ
 فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ
 لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿٦٢﴾ إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ
 الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لَعُنُوا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ
 عَظِيمٌ ﴿٦٣﴾ يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا
 كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٦٤﴾ يَوْمَ يُؤْفِكُهُمُ اللَّهُ دِينَهُمُ الْحَقَّ وَيَعْمَلُونَ أَنْ
 اللَّهُ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِينُ ﴿٦٥﴾ الْخَبِيثَاتُ لِلْخَبِيثِينَ وَالْخَبِيثُونَ
 لِلْخَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ
 أُولَئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ﴿٦٦﴾ يَا أَيُّهَا
 الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا
 وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ﴿٦٧﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ



بخش و بخشیده شو!

غیرمنتظره بخش، شبیه باران‌های ناگهانِ اردیبهشت، شبیه برف‌های بی‌هوای اسفند. بی‌دلیل کوتاه‌بیا، شبیه آشتی بچه‌ها بعد از یک گیس‌وگیس‌کشی حسابی، شبیه «بیا شام حاضر» مامان‌ها بعد از یک قهر سفت و سخت. انتخاب با توست که وسط این همه زُمختی، رقیق باشی، که وسط این همه رنگِ جیغ، آن‌آبی روشن ملایم باشی، که وسط این همه زاویهٔ تیز، آن گوشهٔ نرم بی‌خطر باشی. می‌دانم... بخشیدن همیشه به این سادگی‌ها نیست؛ اما به دوش کشیدن بارِ آن همه خشم هم آسان نیست. بخش و شانه‌ات را سبک کن! بخش و شبیه بادبادک‌های کودکی اوج بگیر! بخش و بخشیده شو!





معامله‌ای عاشقانه با خدا

معمولاً وقتی کسی دلی بشکند یا ظلمی بکند، اولین واکنش مردم خشم و کینه است. قلب‌ها سنگین می‌شود و ذهن‌ها به دنبال راهی برای تلافی می‌گردد؛ اما همه این‌طور نیستند. برخی خیلی متفاوت عمل می‌کنند. مثل این داستان از شهید ابراهیم هادی: «صدای فریاد "دزد... دزد!" در کوچه پیچید. مردی موتور را برداشته بود و با تمام سرعت فرار می‌کرد. یکی از بچه محل‌ها با لگدی محکم، موتور و دزد را نقش بر زمین کرد. تکه آهنی روی زمین دست دزد را برید و خون جاری شد. چهره‌اش غرق ترس و درد بود که صاحب موتور، ابراهیم، رسید. در میان بهت همگان، ابراهیم موتور را روشن کرد و به دزد وحشت‌زده گفت: "سریع سوار شو!" او را به درمانگاه برد، دستش را پانسمان کرد و بعد با هم به مسجد رفتند. بعد از نماز، کنارش نشست و آرام پرسید: "چرا دزدی می‌کنی؟" مرد با گریه از بیکاری و زن و بچه‌اش گفت. ابراهیم نه تنها او را بخشید، بلکه برایش شغلی پیدا کرد و مقداری پول هم به او داد تا زندگی‌اش را از نو بسازد.»^۱

چه طور می‌شود شبیه ابراهیم هادی عمل کرد؟ شاید وقتی مثل این شهدا به پیشنهاد شگفت‌انگیز و معامله‌ی پُرسود خداوند در قرآن کریم توجه کنیم: آنجا که خداوند نه با لحنی دستوری، بلکه با پرسشی سرشار از لطف و محبت، ما را به چالشی بزرگ

۱. برگرفته از کتاب سلام بر ابراهیم، ص ۷۷.

دعوت می‌کند: «وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ؟» (باید از خطایشان بگذرند و به رویشان نیاورند. مگر دوست ندارید خدا هم از خطاهایتان درگذرد؟!)

بخش تا بخشیده شوی

«عفو» یعنی بخشیدن خطا و صرف نظر از تنبیه. اما «صفح» یک پله بالاتر است؛ یعنی ورق زدن آن صفحه از خاطرات، نادیده گرفتن کامل آن خطا، درست همان کاری که شهید ابراهیم هادی کرد. انگیزه این کار بزرگ چیست؟ یک سؤال تکان دهنده: «آیا دوست نداری خدا تو را ببخشد؟» این یعنی کلید بخشش الهی در دستان خود ماست. این آیه، یک اصل برای حفظ انسجام جامعه نیز هست. رهبر معظم انقلاب همواره بر سیاست «جذب حداکثری و دفع حداقلی» تأکید دارند. ایشان می‌فرمایند که باید خطاهای افراد را در درون جبهه خودی با اغماض و گذشت مدیریت کرد تا مبادا نیرویی از دایره انقلاب خارج شود. جامعه‌ای که اعضای آن بر سر مسائل جزئی با یکدیگر درگیرند و کینه‌ها را در دل نگه می‌دارند، تمام انرژی خود را در درون از دست می‌دهند و در برابر دشمن خارجی، «فَشَلَّ» و سست می‌شوند. «با دوستان مروت، با دشمنان مدارا» راه به جایی نمی‌برد. راهبرد قرآنی، «عفو در داخل، اقتدار در برابر خارج» است. تا یک امت قوی شویم و نقشه‌های دشمن را خنثی کنیم، همان طور که شیرینی‌اش را در جنگ ۱۲ روزه چشیدیم.

زندگی با آیه

- 🕒 راننده‌ای به ماشینت زده و دیدی از پسی پرداخت خسارت بر نمی‌آید؟ به جای شکایت، خسارت را ببخش. این بخشش، بزرگ‌ترین معامله‌ تو با خداست برای روزی که تو محتاج بخشش او هستی.
- 🕒 همسرت در اوج عصبانیت با حرفی دلت را شکست؟ به جای قهر و سکوت، با یک استکان چای به سمتش برو. این گذشت تو، امضایی پای نامهٔ بخشش گناهان خودت در پیشگاه خداست.
- 🕒 سر ارث و میراث، برادرت حقت را نادیده گرفت و رابطه قطع شد؟ غرورت را بشکن و اولین تماس را تو بگیر. آیا این رابطه، به اندازهٔ پاک‌شدن پرونده‌ات پیش خدا ارزش ندارد؟
- 🕒 دوست صمیمی‌ات پشت‌سرت حرف زده و دل‌خور هستی؟ به جای انتقام و افشاگری، سکوت کن. هر لحظه که جلوی زبانت را می‌گیری، خدا در حال پاک‌کردن یک گناه از نامهٔ عمل توست.
- 🕒 در بحث خانوادگی، حق با توست و می‌توانی با یک جمله طرف مقابل را نابود کنی؟ آن جمله را قورت بده. این «صفح» و نادیده‌گرفتن، تو را در فهرست کسانی قرار می‌دهد که خدا دوست دارد ببخشدشان.



محتوای خودت را بساز



شواهد آیه‌ها

آیه نوزدهم

مبارزه امروز

﴿فَلَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ
بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا﴾

سوره فرقان، آیه ۵۲

از کافران اطاعت مکن، و به وسیله قرآن
با آنان مبارزه و جهاد بزرگی بنما.

هزینه «تبعیت نکردن» از فرهنگ غالب جهانی
بیشتر است یا هزینه «هم رنگ جماعت شدن»؟



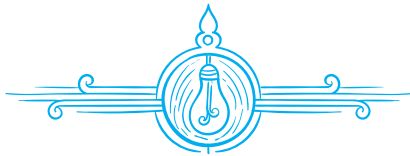
أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا
كَأَلَا نَعْمٍ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا ﴿٤٤﴾ أَلَمْ تَر إِلَى رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ
الظِّلَّ وَلَوْ شَاءَ لَجَعَلَهُ سَاكِنًا ثُمَّ جَعَلْنَا الشَّمْسُ عَلَيْهِ دَلِيلًا
﴿٤٥﴾ ثُمَّ قَبَضْنَاهُ إِلَيْنَا قَبْضًا يَسِيرًا ﴿٤٦﴾ وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ
الَّيْلَ لِبَاسًا وَالنَّوْمَ سُبَاتًا وَجَعَلَ النَّهَارَ نُشُورًا ﴿٤٧﴾ وَهُوَ
الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ وَأَنْزَلْنَا مِنَ
السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا ﴿٤٨﴾ لِنُخْطِ بِهِ بَلَدَةً مَّيِّتًا وَنُسْقِيَهُ
مِمَّا خَلَقْنَا أَنْعَامًا وَأَنَا سَيِّ كَثِيرًا ﴿٤٩﴾ وَلَقَدْ صَرَّفْنَاهُ بَيْنَهُمْ
لِيَذَكَّرُوا فَأَبَى أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا ﴿٥٠﴾ وَلَوْ شِئْنَا
لَبَعَثْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ نَذِيرًا ﴿٥١﴾ فَلَا تُطِيعُ الْكَافِرِينَ وَجَهْدُهُمْ
بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا ﴿٥٢﴾ وَهُوَ الَّذِي مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هَذَا
عَذْبٌ فُرَاتٌ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَجَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا
وَحِجْرًا مَحْجُورًا ﴿٥٣﴾ وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ
نَسَبًا وَصِهْرًا وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا ﴿٥٤﴾ وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ
مَا لَا يَنْفَعُهُمْ وَلَا يَضُرُّهُمْ وَكَانَ الْكَافِرُ عَلَى رَبِّهِ ظَهِيرًا ﴿٥٥﴾



تلاوت آیه



مدرسہ حفظ



بگو «نه»!

دوازده هزار کوفی به حسین بن علی علیه السلام نامه «فدایت شوم» نوشتند؛ اما از آن جمع حتی یک نفر هم نتوانست به ابن زیاد بگوید: بالای چشمت ابروست؛ چون شهادتین واقعی نه از «آشهد» ها، که از «آل» ها شروع می شود. چون آدم ها را نه از «بله» ها، که از «نه» هایشان باید شناخت؛ چون همیشه قول و قرار گذاشتن ساده تر از ایستادگی در برابر تهدیدها و تطمیع هاست. در منطق کتاب خدا بزرگ ترین نبرد آدم های باایمان، نه از شمشیرزدن در میدان، که از همین «نه» گفتن های کوچک و بزرگ شروع می شود؛ «نه» گفتن هایی برخاسته از قرآن، شبیه «نه» ای که عباس بن علی علیه السلام به امان نامه ابن سعد گفت و شبیه «نه» هایی که ما در همه این سال ها به زورگویی های آمریکا و اسرائیل گفته ایم.





وقتی بازی‌های کامپیوتری به پست‌یاد می‌دهند، مشکلات با یک ورد جادویی در چند ثانیه حل می‌شوند، ولی تو همراه او یک دانه در گلدان می‌کاری و هر روز به آن آب می‌دهی تا جوانه بزند و به او نشان می‌دهی که هر نتیجه بزرگی، نیازمند «صبر» و «تلاش» است. وقتی انیمیشن‌ها به دخترت می‌گویند شاهزاده خانم‌ها فقط با ظاهر زیبا و لباس‌های فاخر به خوش‌بختی می‌رسند، ولی تو به او می‌گویی «زیبایی تو به قلب مهربان و اخلاق خوبت است، همان‌طور که حضرت زهرا (ع) زیباترین زن عالم بود» و وقتی قهرمان‌های قصه‌های هالیوودی فریاد می‌زنند «فقط خودت مهمی و به دنبال آرزوهایت برو!»، ولی تو در گوش فرزندت زمزمه می‌کنی که قهرمان واقعی کسی است که اسباب‌بازی محبوبش را به دوستش می‌بخشد و به او می‌چشانی که لذت شاد کردن دیگران، از هر لذت فردی بزرگ‌تر است، تو در حال یک جهاد بزرگ هستی... «فَلَا تُطِيعُ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا» (فرقان/۵۲)؛ «پس از کافران اطاعت مکن، و به وسیله آن [قرآن] با آنان جهادی بزرگ کن.»

منشور عدم تسلیم

این آیه، منشور «جهاد کبیر» است. ما با «جهاد اکبر» (مبارزه با نفس) و «جهاد اصغر» (نبرد نظامی) آشنا می‌باشیم. اما قرآن اینجا از «جهاد کبیر» نام می‌برد. «این آیه در مکه نازل شده... در مکه

جنگ نظامی مطرح نبود... ﴿فَلَا تُطِيعُ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا﴾؛ از مشرکین اطاعت نکن. اطاعت نکردن از کفار همان چیزی است که خدای متعال به آن گفته جهاد کبیر... "جهاد کبیر" یعنی چه؟ یعنی اطاعت نکردن از دشمن، از کافر؛ از خصمی که در میدان مبارزه با تو قرار گرفته اطاعت نکن. اطاعت یعنی چه؟ یعنی تبعیت؛ تبعیت نکن. تبعیت نکردن در کجا؟ در میدان‌های مختلف؛ تبعیت در میدان سیاست، در میدان اقتصاد، در میدان فرهنگ، در میدان هنر. در میدان‌های مختلف از دشمن تبعیت نکن؛ این شد "جهاد کبیر".^۱ سلاح این جهاد فرهنگی و سیاسی نیز خود قرآن است: ﴿وَجَاهِدْهُمْ بِهِ﴾؛ یعنی مبارزه با منطق قرآن در برابر منطق دشمن. این جهاد، مبارزه‌ای برای اثبات کارآمدی و برتری مدل زندگی قرآنی در عمل است. یعنی نشان دادن اینکه می‌توان بدون تبعیت از شرق و غرب، به قله‌های عزت و پیشرفت رسید. نمونه زنده و امروزی این باور، ایستادگی ملت ایران در برابر تحریم‌ها برای دستیابی به استقلال علمی و دفاعی است.

این جهاد بسیار مهم است؛ زیرا وقتی ملتی تصور کرد که راه پیشرفت، تقلید بی‌چون و چرا از دشمن و پذیرش اوامرو خواسته‌های اوست، آن ملت حتی قبل از شلیک اولین گلوله، شکست خورده است.

زندگی با آیه

هنرمند هستی و به تو می‌گویند برای بردن جایزه در جشنواره‌های خارجی و جهانی شدن، باید دوربینت را روی سیاهی‌ها، فقر و عقب‌ماندگی جامع‌ات متمرکز کنی؟ وقتی «نه» می‌گویی و با روایتی صادقانه از پیشرفت‌ها، قهرمانان و زیبایی‌های کشورت می‌گویی، در حال جهاد کبیری.

ورزش کار هستی و حامیان مالی و رسانه‌ها از تو می‌خواهند برای شهرت بیشتر، به نماد فرهنگ آن‌ها تبدیل شوی و ارزش‌های دینی خود مثل سجده شکر و حجاب را کنار بگذاری. احترام نظامی به پرچم کشور و پافشاری بر هویتت در سکوه‌های جهانی، یک جهاد کبیر الهام‌بخش برای میلیون‌ها نفر است.

جوان هستی و فرهنگ غربی به تو می‌گوید اوج خوش‌بختی در لذت‌گرایی لحظه‌ای، مصرف‌گرایی افراطی و فردگرایی است. وقتی تو به این پوچی «نه» می‌گویی و شادی را در بندگی، خدمت به مردم و زندگی ساده و معنادار جست‌وجو می‌کنی، تمام زندگی‌ات مصداق جهاد کبیر می‌شود.



محتوای خودت را بساز



شهادت آیه‌ها

آیه بیستم

خیال باطل!

﴿أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ
يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ﴾

سوره عنکبوت، آیه ۲

آیا مردم گمان کرده‌اند، همین که
بگویند: «ایمان آوردیم»، به حال خود رها
می‌شوند و آزمایش نخواهند شد؟!

امتحان و ابتلا و سختی‌های دنیا برای چیست؟



سُورَةُ الْعَنْكَبُوتِ

إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَأْدُكَ إِلَى مَعَادٍ قُل رَّبِّ
أَعْلَمُ مَنْ جَاءَ بِالْهُدَى وَمَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ﴿٨٥﴾ وَمَا كُنْتَ
تَرْجُو أَنْ يُلْقَى إِلَيْكَ الْكِتَابُ إِلَّا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ فَلَا
تَكُونَنَّ ظَهِيرًا لِلْكَافِرِينَ ﴿٨٦﴾ وَلَا يَصُدُّكَ عَنْ آيَاتِ
اللَّهِ بَعْدَ إِذْ أَنْزَلَتْ إِلَيْكَ وَأَدْعُ إِلَى رَبِّكَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ
الْمُشْرِكِينَ ﴿٨٧﴾ وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ
كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٨٨﴾

سُورَةُ الْعَنْكَبُوتِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْعَنكَبُوتُ ﴿١﴾ أَحْسِبَ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ
لَا يُفْتَنُونَ ﴿٢﴾ وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ
صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ ﴿٣﴾ أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ
السَّيِّئَاتِ أَنْ يَسْبِقُونَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ﴿٤﴾ مَنْ كَانَ يَرْجُوا
لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنْ أَجَلَ اللَّهُ لَاتٍ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٥﴾ وَمَنْ
جَاهَدَ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ ﴿٦﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ



نوبت امتحان تو هم می‌رسد

گاهی با چیزهایی آزموده می‌شوی که جانت به آن‌ها بسته است؛ شبیه رفتن بی‌خدا حافظی آن آدمی که حتی خیال نبودنش هم دیوانه‌ات می‌کند یا شبیه مچاله‌شدن آن ماشین نویی که تمام زندگی‌ات را برای خریدنش گذاشته‌ای، و گاهی با بزرگ‌ترین ترس‌هایت امتحان خواهی شد، مثلاً با چهره ناامید دکتر موقع بیرون آمدن از اتاق عمل یا مثلاً با خواندن خبر حمله فلان اجنبی به خاک کشور. این‌ها را نگفتم تا ته دلت را خالی کنم؛ فقط خواستم یادت باشد که مؤمن واقعی در همین صحنه‌ها از مدعیان ایمان جدا می‌شود. به قول حافظ: «نازپرورد تَنْغَم نبرد راه به جای» که «عاشقی شیوه رندان بلاکش باشد».





شمشیر را در نظر بگیرید؛ فولادی، بژان و محکم. اما این شمشیر، روزی یک تکه آهن خام و بی شکل بوده است. چه چیزی آن را به این صلابت رسانده؟ ضربات پیایی پتک، حرارت سوزان کوره و فرورفتن در آب سرد. این «آزمون» آتش و آهن است که از یک ماده خام، گوهری آبدیده می سازد. ما انسان ها نیز اغلب دوست داریم بدون تحمل ضربات پتک و حرارت کوره، به شمشیر بژانی تبدیل شویم. می خواهیم با یک «کلمه»، به مقام قرب برسیم و از تمام سختی ها معاف باشیم.

این همان خیال خامی است که قرآن کریم با یک سؤال کوبنده و بیدارگر، آن را در هم می شکند: «أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ»؛ «آیا مردم پنداشتند که تا گفتند ایمان آوردیم، رها می شوند و مورد آزمایش قرار نمی گیرند؟» این آیه، یک سنت قطعی الهی را اعلام می کند: ایمان، به ادعا نیست؛ بلکه حقیقتی است که صدق آن باید در کوران «فتنه» و امتحان، آشکار شود. راه رسیدن به بهشت و کمال، از جاده آسفالتۀ راحتی نمی گذرد؛ جاده بهشت، سربالایی دارد و پُر از پیچ و خم های آزمایش است.

تنها مسیر

«همۀ حوادث در زندگی فرد مؤمن امتحان است. از حوادث کوچکی که داخل خانه یا محیط کار... پیش می آید تا حوادث بزرگ،

... همه و همه امتحان است.^۱ و «امتحان الهی یعنی تمرین، یعنی رزمایش. رزمایش، نقطه ضعف‌های انسان را به او نشان می‌دهد و [او] سعی می‌کند آن نقطه ضعف‌ها را برطرف کند و تبدیل کند به نقطه قوت.»^۲ «امتحان الهی، تنها راه عبور به سمت کمال است.»^۳ «مصائب و ابتلائات و امتحانات الهی باید ما را قوی کند.»^۴

کربلا، بزرگ‌ترین نمایشگاه این آیه بود. هزاران نفر ادعای عشق به امام حسین علیه السلام را داشتند، اما در کوران فتنه و آزمون شمشیر و تلمیح، تنها ۷۲ نفر بودند که عیار ایمانشان خالص از آب درآمد و در تاریخ ماندگار شدند. شهدای دفاع مقدس و جبهه مقاومت نیز مصداق بارز همین آیه در دوران ما هستند. آن‌ها با خون خود، بر ادعای «آمَنَّا» گواهی دادند و در آزمون الهی، سرافراز بیرون آمدند. امروز، این امتحان در عرصه‌های مختلف جاری است. در عرصه فردی، با وسوسه مال حرام، مقام و شهوت، و در عرصه اجتماعی، با تحریم‌های اقتصادی، فشارهای سیاسی و جنگ روانی دشمن. کسانی که راه حل را در تسلیم شدن به غرب و دست کشیدن از استقلال می‌بینند، در واقع رفوزه‌شدگان همین آزمون بزرگ الهی‌اند. آن‌ها می‌خواهند از زیر بار سختی‌ها شانه خالی کنند، غافل از آنکه تنها راه پیروزی، عبور قدرتمندانه از همین سختی‌هاست.

۱. «بیانات مقام معظم رهبری در دیدار نمایندگان پنجمین دوره مجلس شورای اسلامی»، ۱۳۷۵/۰۳/۲۹.

۲. «بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مردم اصفهان»، ۱۳۹۵/۰۸/۲۶.

۳. «دیدار صدها تن از دانش‌پژوهان و فرهیختگان جانباز با رهبر انقلاب»، ۱۳۷۸/۰۸/۲۶.

۴. «بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مردم شهرستان بم»، ۱۳۸۲/۱۰/۰۸.

زندگی باریک

🕒 پای برگه معامله نشسته‌ای. یک امضای کوچک، یک دروغ جزئی، و سودی کلان. طرف مقابل منتظر است. این برگه، برگه امتحان توست. زیرش بنویس: «خدا می‌بیند.»

🕒 زندگی به سختی خورده است. دیگر خبری از آن شور و شوق روزهای اول نیست. وقتی در اوج خستگی و دل‌خوری، به جای پرخاش، بلند می‌شوی یک چای برای همسرت می‌ریزی، داری برگه امتحان صبر و فداکاری‌ات را پُر می‌کنی.

🕒 در محیط کار یا دانشگاه، جو سنگین است. همه با پوششی متفاوت از تو راحت‌اند و تو حس می‌کنی وصله ناجوری. آن لحظه که وسوسه می‌شوی کمی شالت را عقب بکشی تا «عادی» شوی، امتحان تو شروع شده.

🕒 مادر پیرت برای دهمین بار یک سؤال تکراری را از تو می‌پرسد. خسته‌ای، کلافه‌ای و می‌خواهی فریاد بزنی. آن لحظه‌ای که به جای بی‌حوصلگی، نفس عمیق می‌کشی، لبخند می‌زنی و با محبت دوباره جوابش را می‌دهی، تو در سخت‌ترین امتحان وفاداری، نمره بیست گرفته‌ای.

🕒 یک خبر جنجالی و تأیید نشده پخش شده که آبروی کسی را هدف گرفته. همه در حال بازنشر و قضاوت هستند؛ اما تو می‌دانی که همه این‌ها وسیله امتحان تو هستند.



محتوای خودت را ببین



شواهد آیه‌ها

آیه بیست و یکم

راه را نشانت می دهند

﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا
لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا﴾

سوره عنکبوت، آیه ۶۹

و کسانی را که برای ما مجاهدت کنند، مسلماً و بی تردید
به راه های خود راهنمایی می کنیم.

چرا ما با وجود این قول محکم خدا، باز هم هنگام
رسیدن به بن بست ها ناامید می شویم؟



سُورَةُ الْعَنْكَرُوتِ

وَمَا هَذِهِ الْحَيَوةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ
الْحَيَوةُ أَنْتُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿٦٥﴾ فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلِكِ دَعُوا اللَّهَ
مُخْلِصِينَ لَهُ الَّذِينَ فَلَمَّا بَلَغْتَهُم إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ ﴿٦٥﴾
لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ وَلِيَتَمَتَّعُوا أَفَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿٦٦﴾
أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا وَيَتَخَفَتُ النَّاسُ مِنْ
حَوْلِهِمْ أَفِيَ الْبَطْلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَةِ اللَّهِ يَكْفُرُونَ ﴿٦٧﴾
وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُ
الْيَسَّ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ ﴿٦٨﴾ وَالَّذِينَ جَاهَدُوا
فِيْنَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ ﴿٦٩﴾

سُورَةُ الرُّومِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْعَمَّ ۝ غَلَبَتِ الرُّومُ ۝ فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِنْ
بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ ۝ فِي بَضْعِ سِنِينَ ۝ لِلَّهِ الْأَمْرُ
مِنْ قَبْلُ وَمِنْ بَعْدُ وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ ۝
يَنْصُرُهُمُ اللَّهُ لِيَنْصُرُوا رَسُولَهُ ۝ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ۝



تلاوت آیه



مدرسہ حفظ



سرانجام راه را نشانت می دهد

تا می خواستیم کمی پروبال بگیریم، شروع می کردند به آیه یأس خواندن. یکی می گفت: ابرقدرت ها که فناوری این جور چیزها را به ما نمی دهند. آن یکی می گفت: با این همه تحریم اصلاً چه کشکی و چه دوغی؟! و دیگری می گفت: ما اگر خیلی هنر کنیم، فقط توی پختن آبگوشت بُزباش خوب باشیم! طهرانی مقدم ها و رضایی نژادها و فخری زاده ها اما گوششان به این نق نق ها بدهکار نبود. کوتاه نیامدند؛ چون این آیه را با پوست و گوشت و خونشان زندگی کرده بودند. تسلیم نشدند؛ چون می دانستند اگر با تمام وجود مجاهدت کنند، خدا هم سرانجام راه را نشان می دهد.





در دنیای امروز، از اتاق هیئت‌مدیره یک شرکت دانش بنیان تا مراکز تصمیم‌گیری کلان یک کشور، همه به دنبال یک اکسیر کمیاب هستند: «خلاقیت». خلاقیت برای حل مشکلات پیچیده، برای پیشی گرفتن از رقبای و برای شکستن بن‌بست‌ها. اما سرچشمه واقعی خلاقیت کجاست؟ چه می‌شود که در شرایطی برابر، راهی به ذهن یک نفر خطور می‌کند که از ذهن هزاران نفر دیگر پنهان مانده است؟ خداوند در قرآن، فرمول بنیادین دسترسی به راه‌حل‌های آسمانی را این‌گونه بیان می‌کند: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا» (عنکبوت/۶۹)؛ «و کسانی که برای ما جهاد کنند، قطعاً و بدون دره‌ای تردید، ما راه‌های خود را به آنان نشان خواهیم داد.»

یکی از روشن‌ترین مصادیق «هدایت به راه‌های ما» (سُبُلَنَا)، همان جرقه‌های خلاقیت، همان راه‌حل‌های بن‌بست‌شکن و همان ایده‌هایی است که محاسبات عادی را به هم می‌ریزد. وقتی تلاش انسان «فینا» (برای خدا و در مسیر او) باشد، خداوند ذهن او را باز می‌کند، ایده‌های نو را به قلب او الهام می‌کند و او را به مسیرهایی هدایت می‌کند که دیگران از دیدن آن عاجزند.

از نماز بوعلی سینا تا جهاد فخری زاده

ابن سینا، فیلسوف و پزشک بزرگ جهان اسلام، هرگاه در مسئله‌ای علمی یا فلسفی به بن‌بست می‌رسید و ذهنش قفل می‌شد، وضو

می‌گرفت، به مسجد می‌رفت و دو رکعت نماز می‌خواند. پس از این استمداد خالصانه، گره از کارش گشوده می‌شد و راه حل مسئله بر او آشکار می‌گشت.

این قانون الهی منقضی نشده است. در عصر ما نیز ترجمان زنده‌ای دارد. فرق بین درس خواندن معمولی و درس خواندن جهادی چیست؟ فرقی در «شهید فخری زاده شدن یا نشدن» است. او فقط یک دانشمند نبود؛ یک «مجاهد» در عرصه علم و فناوری بود. مجاهدت علمی او «فینا» بود و پاداش آن، هدایت الهی به «سُبُل» و راه‌هایی بود که ایران را به قدرتی بازدارنده در فناوری‌های پیچیده تبدیل کرد.

بی‌دلیل نبود که دشمنان این مرزوبوم، بیست سال برای حذف او تلاش کردند. آن‌ها کسی را ترور کردند که به این وعده الهی ایمان داشت و با تمام وجود به آن حسن ظن داشت. همان‌طور که رهبر انقلاب فرمودند: «به خدای متعال باید حُسن ظن داشته باشیم... سوءظن به خدا چیست؟ سوءظن به خدا این است که انسان خیال کند این که فرموده است: ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا﴾، وعده تخلف‌پذیری است.»^۱ آری؛ راه نجات و پیشرفت، نه در پناه بردن به دیگران، بلکه در تلاش و کوشش حداکثری در راه خداست.

۱. «بیانات مقام معظم رهبری در دیدار سفرا و رؤسای نمایندگی‌های سیاسی ایران در خارج از کشور»، ۱۳۹۰/۱۰/۰۷.

زندگی با آیه

🕒 ذهنت قفل شده؟ بگو: «خدا یا، می‌خواهم با این تخصص، گِرهی از کار مردم باز کنم». سپس دوباره با تمام وجود تلاش کن. آن ایده نابی که ناگهان در ذهنت جرقه می‌زند و راه را باز می‌کند، همان «لَنَهْدِيَهُمْ سُبُلَنَا» است.

🕒 دانشجو هستی؟ وقتی برای نمره درس می‌خوانی، فقط حفظ می‌کنی؛ اما وقتی با نیت «قوی کردن جبهه حق» شب‌بیداری می‌کشی، تمام توانت را خرج می‌کنی، منتظر باش خدا ایده‌هایی به تو بدهد که استادت را شگفت‌زده کند.

🕒 رابطات با همسرت به بن‌بست رسیده؟ به جای ادامه دادن بحث‌های بی‌نتیجه، برای خدا قدم اول را بردار و غرورت را کنار بگذار و.... چه بسا با آن کلمه محبت‌آمیز ناگهانی، قفل قلب همسرت باز شد.



محتوای خودت را بساز



شهادت آیه‌ها

آیه بیست و دوم

ساده لوحی ممنوع

﴿إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ
فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا﴾

سوره فاطر، آیه ۶

به یقین شیطان دشمن شماست؛
پس او را دشمن خود بگیرید.

((دشمن گرفتن)) شیطان در زندگی
روزمژه چه مصداق هایی دارد؟



وَإِنْ يَكْذِبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ رُسُلٌ مِنْ قَبْلِكَ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ
 ﴿٤﴾ يَأْتِيهَا النَّاسُ إِنْ وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا فَلَا تَعْرَتَكُمْ أَحْيَاؤُهُ الدُّنْيَا
 وَلَا يَعْرَتَكُمْ بِاللَّهِ الْعُرُورُ ﴿٥﴾ إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ
 عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُوا حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ ﴿٦﴾ الَّذِينَ
 كَفَرُوا لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ
 مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ ﴿٧﴾ أَفَمَنْ رَزَقْنَاهُ سَوْءَ عَمَلٍ هَ فَرَّاهُ حَسَنًا فَإِنَّ
 اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ فَلَا تَذْهَبُ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ
 حَسْرَتٍ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَصْنَعُونَ ﴿٨﴾ وَاللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ
 الرِّيحَ فَتَنِّيهِرَ سَحَابًا فُسْقَنَاهُ إِلَى بَلَدٍ مَيِّتٍ فَأَحْيَيْنَاهُ بِالْأَرْضِ
 بَعْدَ مَوْتِهَا كَذَلِكَ النُّشُورُ ﴿٩﴾ مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا
 إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ وَالَّذِينَ
 يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَكْرُ أُولَئِكَ هُوَ يُبْورُ
 ﴿١٠﴾ وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ نُوْظِفُهُ ثُمَّ جَعَلَكُمْ أَزْوَاجًا
 وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَى وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ وَمَا يُعَمَّرُ مِنْ مُعَمَّرٍ
 وَلَا يُنْقَصُ مِنْ عُمُرِهِ إِلَّا فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ﴿١١﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ



مبادا دشمن را فراموش کنی!

خاکشان را از چنگ سرخ‌پوست‌ها درآوردند و نانشان را با زور بازوی برده‌ها. با سمّ نارنجی مردم ویتنام را به کام مرگ کشاندند و با بمباران اتمی، ده‌ها هزار نفر از مردم هیروشیما و ناگازاکی را. عراق و افغانستان را به خاک سیاه نشاندد و فلسطین و لبنان را تباه کردند. هوشمندی حضرت روح‌الله علیه السلام اگر نبود، چه بسا هنوز فریب دستکش مخملي همان «شیطان بزرگ» را می‌خوردیم. باید یک تسبیح نو بردارم و مدام این‌ها را مثل ذکر زمزمه کنم. باید آن قدر تکرارشان کنم تا دشمن را فراموش نکنم. تا یک موقع با دیدن آن لبخندهای بَرّاق و کت‌وشلوارهای آهارخورده، پنجه‌های خون‌آلودشان را از یاد نبرم.





با شعار «آزادی زن»، زنان را از خانه به کارخانه‌ها کشاندند تا نیروی کار ارزان تری داشته باشند و امروز همان‌ها با شعار «دفاع از زنان»، هزاران زن و کودک بی‌گناه را در غزه تکه‌تکه می‌کنند. با شعار «مبارزه با تروریسم»، داعش را به جان منطقه ما انداختند تا خودشان به چاه‌های نفت برسند. با شعار «پیشرفت علم»، دانشمندان هسته‌ای ما را ترور می‌کنند. یک الگوی تکراری، نقابی زیبا از مفاهیم مقدس، و خنجری زهرآلود که در پشت آن.

چرا یک ملت باید بارها از یک سوراخ گزیده شود؟ چرا با وجود این تاریخ خون‌بار، هنوز عده‌ای فریب «لبخندهای دیپلماتیک» را می‌خورند و به «پیشنهادهای شیرین» دشمن دل می‌بندند؟ مشکل، یک بیماری خطرناک به نام «خوش بینی مرگ‌بار» است؛ تمایل به باورکردن اینکه دشمن، دیگر دشمن نیست و می‌توان با او دوست بود. این ساده‌لوحی، دقیقاً همان پاشنه آشیلی است که دشمن برای ضربه زدن، روی آن حساب باز کرده است. راه درمان این بیماری چیست؟ قرآن، یک اصل حیاتی و تغییرناپذیر را به ما گوشزد می‌کند: «إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا»؛ «همانا شیطان دشمن شماست، پس شما [نیز] او را دشمن بگیرید.»^۱ (فاطر / ۶)

دنایایی که بهشت نیست!

«افرادی مایل‌اند اثبات کنند که نخیر، ملت ایران هیچ دشمنی

ندارد! کنار خانه خودتان بنشینید و به کار خودتان سرگرم باشید؛ خاطرتان هم جمع باشد که همه جا امن و امان است! نه، این حرف‌ها واقعیت ندارد. یک ملت زنده نمی‌تواند این‌گونه فکر کند.^۱ ما در دنیایی زندگی می‌کنیم که بهشت نیست. همیشه ابلیس و انسان‌های شیطان‌صفتی هستند که نمی‌خواهند دیگران زندگی کنند؛ البته خداوند فراتر از اینکه به وجود چنین دشمنی آگاهی می‌دهد، دستور می‌دهد که شما نیز موضع عملی «دشمنی» را در برابر او اتخاذ کنید. باید جلوی شما بایستد. اصلاً اساس تربیت و رشد در درگیری با این ظلمت و باطل است. «دشمن گرفتن» یعنی تمام حرکات، پیشنهادها و لبخندهای او را از منظر یک دشمن تحلیل کنی، نه یک دوست بالقوه. یعنی باور کنی که هدف نهایی او، چیزی جز نابودی تو نیست.

این شیطان قسم خورده، امروز در چهره «استکبار جهانی» به سرکردگی آمریکا تجسم یافته است. تاریخ معاصر ما، مشحون از مصادیق این دشمنی پنهان شده پشت نقاب‌های متمدنانه است. «برجام» نمونه بارز آن بود؛ سال‌ها مذاکره، لب‌خند و وعده‌های رنگارنگ که در نهایت به «خسارت محض» و تشدید تحریم‌ها ختم شد. وقیحانه‌تر آنکه، درست در میانه همین ژست‌های دیپلماتیک مذاکره، جنگ ۱۲ روزه‌ای را بر مردم ایران تحمیل کردند. سرنوشت لیبی، سوریه، افغانستان و سودان را ببینید؛ هر جا که به آمریکا و متحدانش اعتماد شد، نتیجه‌ای جز ویرانی و جنگ داخلی به بار نیامد.

۱. «بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه»، ۱۳۷۸/۰۹/۲۶.

زندگی با آیه

🕒 مجذوب سریال‌ها و فیلم‌های غربی شده‌ای و سبک زندگی سلبریتی خارجی را پسندیده‌ای؟ این یعنی دشمن را فراموش کرده‌ای؛ دشمنی که از هنر و رسانه برای پیشبرد اهدافش به خوبی استفاده می‌کند.

🕒 در مذاکرات، طرف مقابل با لبخند دست دوستی دراز کرده؟ این همان پنجه چدنی با دستکش مخملی است. به جای لبخندش، تاریخ خیانت‌هایش را به یاد بیاور و محکم روی مواضعت بایست. وسط صحبت‌ها، جمله‌ای به ذهنت می‌رسد که بین دو دوست را به هم می‌زند؟ این دقیقاً جمله دشمن است برای تفرقه. حرف را عوض کن.

🕒 دوستانت به یک مهمانی گناه دعوت می‌کنند و می‌گویند «سخت نگیر»؟ این وسوسه شیطان است. محکم بگو «نه، من نیستم». مشتری عجله دارد و وسوسه می‌شوی گران فروشی کنی؟ این صدای دشمن است که می‌خواهد رزقت را حرام کند. با دشمنی کردن با شیطان، برکت را به مال و زندگی‌ات بیاور.



محتوای خودت را بساز



شهادت آیه‌ها

آیه بیست و سوم

پیروزی قطعی است

﴿وَإِنَّ جُنْدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ﴾

سوره صافات، آیه ۱۷۳

و بی شک و بدون تردید، فقط لشکر ما پیروزند.

اگر پیروزی لشکر خدا قطعی است، پس دلیل برخی شکست‌های ظاهری جبهه حق در طول تاریخ چیست؟



سُورَةُ الصَّافَّاتِ

مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ﴿١٥٤﴾ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿١٥٥﴾ أَمْ لَكُمْ سُلْطَانٌ مُبِينٌ ﴿١٥٦﴾
 فَأَتُوا بِكِتَابِكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿١٥٧﴾ وَجَعَلُوا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجَنَّةِ
 نَسَبًا وَلَقَدْ عَلِمَتِ الْجِنَّةُ إِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ ﴿١٥٨﴾ سُبْحَنَ اللَّهِ عَمَّا
 يُصِفُونَ ﴿١٥٩﴾ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ﴿١٦٠﴾ فَإِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ ﴿١٦١﴾
 مَا أَنتُمْ عَلَيْهِ بِفَاتِنِينَ ﴿١٦٢﴾ إِلَّا مَنْ هُوَ صَالِ الْجَحِيمِ ﴿١٦٣﴾ وَمَا مَنَّا إِلَّا
 لَهُ، وَمَقَامٌ مَّعْلُومٌ ﴿١٦٤﴾ وَإِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُّونَ ﴿١٦٥﴾ وَإِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ ﴿١٦٦﴾
 وَإِنْ كَانُوا يَقُولُونَ ﴿١٦٧﴾ لَوْ أَنَّ عِنْدَنَا ذِكْرًا مِّنَ الْأَوَّلِينَ ﴿١٦٨﴾ لَكُنَّا
 عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ﴿١٦٩﴾ فَكْفَرُوا بِهِ ۖ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿١٧٠﴾ وَلَقَدْ
 سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ ﴿١٧١﴾ إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ ﴿١٧٢﴾
 وَإِنْ جُنَدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ ﴿١٧٣﴾ وَقَوْلَ عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ ﴿١٧٤﴾ وَأَبْصِرْهُمْ
 فَسَوْفَ يَبْصُرُونَ ﴿١٧٥﴾ أَفِعْدَا إِنَّا يَنْتَعِجُونَ ﴿١٧٦﴾ فَإِذَا نَزَلَ بِسَاحَتِهِمْ
 فَسَاءَ صَبَاحُ الْمُنْذَرِينَ ﴿١٧٧﴾ وَقَوْلَ عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ ﴿١٧٨﴾ وَأَبْصِرْ
 فَسَوْفَ يَبْصُرُونَ ﴿١٧٩﴾ سُبْحَنَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ ﴿١٨٠﴾
 وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ ﴿١٨١﴾ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٨٢﴾

سُورَةُ الصَّافَّاتِ



تلاوت آیه



مدرسه حفظ



بی شک لشکر ما پیروز است

با متر و معیارهای این دنیایی، هر طور که حساب کنی، حسین بن علی علیه السلام در کربلا شکست خورده بود. کوفی‌ها سی هزار نامه «فدایت شوم» برایش فرستاده بودند و هنوز جوهر امضاهایشان خشک نشده، حرفشان را پس گرفته بودند. با ۷۲ نفر به جنگ لشکر بی‌شمار ابن زیاد رفته بود و دشمن با بی‌رحمی تمام، همه را به خاک و خون کشیده بود. خیمه و خرگاهش در آتش سوخت و زنان و فرزندانش به اسیری رفتند. تاریخ اما نشان داد که پیروزی حق، فراتر از میدان‌های کوچک است که او پیروز عالم هستی و فاتح آینده است، که لشکر خدا پیروز است، حتی اگر چشم‌های کوتاه بین از دیدنش عاجز باشند.





یک دانه گندم را در نظر بگیرید. آن را در دل خاک می گذارید، رویش را با توده ای از خاک تیره می پوشانید و در تاریکی مطلق رهايش می کنید. از دید یک بچه، این پایان کار دانه است. او دفن شده و زیر فشار خاک، در حال نابودی است. این یک تصویر کامل از «شکست» است. صحنه تاریخ گاهی دقیقاً همین گونه به نظر می رسد. یک گروه کوچک حق طلب، در محاصره لشکری عظیم از باطل قرار می گیرند. شمشیرها فرود می آیند، صداها خاموش می شوند و آخرین نفرشان در غربت جان می دهد. ظواهر، بی رحمانه و قاطعانه، حکم به «شکست» می دهند.

پیروز تاریخ

در کربلا هم «ظواهر حکم می کرد که این شعله در صحرای کربلا خاموش خواهد شد. چطور این را "فرزدق" شاعر می دید؛ اما امام حسین (ع) نمی دید؟! نصیحت کنندگانی که از کوفه می آمدند، می دیدند؛ اما حسین بن علی (ع) که عین الله بود، نمی دید و نمی فهمید؟! ظواهر همین بود؛ ولی اعتماد به خدا حکم می کرد که علی رغم این ظواهر، یقین کند که حرف حق و سخن درست او غالب خواهد شد... چون فرموده است: «وَإِنْ جُنَدْنَا لَهُمُ الْعَالِيُونَ»^۱ او می دید، اما چیزی عمیق تر از ظواهر را می دید. او صحنه را نه با چشم

۱. «بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از پاسداران و بسیجیان»، ۱۳۷۷/۰۹/۰۲.

یک ناظر سطحی، که با چشم یک باغبان الهی تماشا می‌کرد. باغبان می‌داند که «دفن شدن» برای یک دانه سالم، پایان کار نیست، بلکه شرط لازم برای رشد است. این بالا و پایین‌ها طبیعت مسیر نابودی باطل است و آزمونی است برای غربال مؤمن واقعی و ادعایی. امروز، تاریخ قضاوت خود را کرده است. از آن لشکری که در ظاهر پیروز شد، جز نامی همراه با لعن و نفرت باقی نمانده است؛ اما شعار «هیئات منا الذلة» به یک مکتب زنده و الهام‌بخش برای تمام آزادگان جهان تبدیل شد. پس پیروز واقعی که بود؟

این آیه، هم یک بشارت است و هم یک هشدار. به همه رزمندگان جبهه حق در ایران و فلسطین و یمن و لبنان بشارت می‌دهد که در این نبرد نابرابر تنها نیستند و قدرتی بی‌نهایت پشتیبان آن‌هاست. «و خدای متعال ملت ایران را و حقیقت را و حق را، به طور قطع و یقین، پیروز خواهد کرد ان شاء الله.»^۱ اما هشدار می‌دهد که این پیروزی، مشروط به قرار گرفتن ما در دایره «جُنْدَنَا» (لشکر خدا) است؛ لشکری که دستورهای خود را از خدا و کتاب او می‌گیرد، نه از فشارهای بین‌المللی، قطعنامه‌های سازمان‌های تحت سلطه مستکبرین یا ترس از تحریم؛ لشکری که قدرتش را از اتصال به منبع لایزال الهی می‌گیرد. آری، لشکری که برای خوشایند دشمن از اصول خود کوتاه بیاید یا مرعوب قدرت ظاهری او شود، دیگر «جُنْدَنَا» نیست که منتظر تحقق وعده «لَهُمُ الْعَالِیُونَ» باشد.

۱. «دومین پیام تلویزیونی مقام معظم‌رهبری خطاب به ملت ایران در پی تهاجم رژیم صهیونی.»، ۲۸/۰۳/۱۴۰۴.

زندگی با آیه

پیروزی لشکر خدا قطعی است؛ پس مأموریت تو جنگیدن برای «بردن» نیست، جنگیدن برای «ماندن» است. حواست باشد، هر گناه مثل یک نامه درخواست اخراج از این تیم برنده است.

وقتی تجهیزات پیشرفته دشمن چشمت را گرفت، یادت باشد تو سرباز ارتشی هستی که خدا پیروزی اش را امضا کرده. با ایمان بجنگ. تو فقط یک سرباز نیستی؛ تو مجری یک وعده قطعی هستی.

پدري هستی که نگران آینده فرزندت هستی و می ترسی در این دنیای پُر از فساد شکست بخورد؟ امشب به او یاد بده که در تیم خدا بودن مهم است، نه برنده شدن در هر بازی کوچک.

دانشجویی و در دانشگاه علیه یک فساد قیام کرده ای و همه مسخرهات می کنند؟ محکم تر از قبل صدايت را بلند کن. تو در لشکر خدا هستی و این لشکر در نهایت پیروز است، حتی اگر امروز تنها باشی.

در برابر تهدیدهای نظامی دشمن، با یادآوری این آیه به همه مردم، روحیه ی آن ها را برای دفاع و مبارزه بالا ببریم.



محتوای خودت را بساز



شهادت آیه ها

آیه بیست و چهارم

سرسخت چون کوه

﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ
اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ
أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا﴾

سوره فصلت، آیه ۳۰

بی تردید کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداست»،
سپس پای حرفشان ایستادند، فرشتگان بر آنان فرود
می آیند که: «نترسید و غمگین مباشید!»

«ایمان آوردن» سخت تر است یا
«پای ایمان ماندن» در ادامه مسیر؟



إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ
 الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشُرُوا بِالْجَنَّةِ
 الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ ﴿٣٠﴾ نَحْنُ أَوْلِيَائُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا
 وَفِي الْآخِرَةِ وَلَكُمْ فِيهَا مَا نَشْتَهِي أَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ
 فِيهَا مَا تَدَعُونَ ﴿٣١﴾ نُزِّلَا مِنْ غَفُورٍ رَحِيمٍ ﴿٣٢﴾ وَمَنْ أَحْسَنُ
 قَوْلًا مِمَّن دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنِّي مِنَ
 الْمُسْلِمِينَ ﴿٣٣﴾ وَلَا تَسْتَوِ الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ
 بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ
 وَلِيٌّ حَمِيمٌ ﴿٣٤﴾ وَمَا يُلْقِيهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقِيهَا
 إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ ﴿٣٥﴾ وَمَا يَنْزِعُكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ
 فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٣٦﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ
 اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ لَا تَسْجُدُوا لِلشَّمْسِ
 وَلَا لِلْقَمَرِ وَاسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُنَّ إِن كُنْتُمْ
 إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ ﴿٣٧﴾ فَإِنْ اسْتَكْبَرُوا فَالَّذِينَ عِنْدَ
 رَبِّكَ يُسَبِّحُونَ لَهُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُمْ لَا يَسْأَمُونَ ﴿٣٨﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ



در ستایش سرسختی

این قدر خودت را لوس نکن! بلند شو و افسار اسب چموش
زندگی ات را بکش! مگر نشنیده ای که خدا آدم های شُل و ول را
دوست ندارد؟ همان ها که با اولین نسیم، از راه به در می روند و
منتظرند جهت باد را ببینند تا در چشم برهم زدنی قبله شان را عوض
کنند. همان ها که روزی هزار بار از ترس مرگ، خودکشی می کنند.
بلند شو که خدا طرف دار آدم های سرسخت و پوست کلفت است!
همان ها که هیچ جوهره شکست را قبول نمی کنند؛ همان ها که
کمرشان زیر بارهای سنگین خم می شود، اما خم به ابرو نمی آورند،
که طوفان برایشان شوخی است.





چرا وقتی گروهی اعلام می‌کنند «پروردگار ما الله است»، بلافاصله پس از آن، قرآن از «استقامت» حرف می‌زند؟ مگر چه اتفاقی می‌افتد؟ مگر این یک جمله اعتقادی شخصی نیست؟ مگر این موضع، منافع کسانی را به خطر می‌اندازد که باید برای ایستادن پایش هزینه داد؟ تاریخ با صدای بلند پاسخ می‌دهد: آری! جمله «رَبُّنَا اللَّهُ»، یک بیانیه سیاسی است که می‌گوید: «از این لحظه به بعد، ما فقط از یک قدرت دستور می‌گیریم و بقیه قدرت‌ها را به رسمیت نمی‌شناسیم.»

و اینجاست که دعوا شروع می‌شود؛ زیرا همیشه در تاریخ کسانی بوده‌اند که می‌خواستند «آقای عالم» باشند؛ مدیر و کارگردان زمین. خیال نکنید فرعون که فریاد می‌زد «أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى»، در رود نیل غرق شد و مُرد. نه، این تفکر هنوز زنده است. امروز هم فرعون‌هایی هستند که می‌خواهند حرف، حرف آنان باشد و همه مطیع آنان. برای همین وقتی گروهی پرچم دیگری بلند می‌کنند و می‌گویند «رَبُّنَا اللَّهُ»، به آن‌ها برمی‌خورد. دعوا بر سر «ربوبیت» و مدیریت جهان است و این دعوا بسیار جدی است. ساده لوحی است اگر کسی خیال کند می‌توان بالبخند و نظریه‌های فانتزی، این تعارض بنیادین را حل کرد. انکار وجود «دشمن»، یک خطای محاسباتی مرگ بار است.

آخرش چه می‌شود؟

بسیار حُب. ما می‌گوییم «رَبُّنَا اللَّهُ» و پای آن هم می‌ایستیم ثُمَّ اسْتَقَامُوا؛ اما سؤال اصلی اینجاست: آیا این ایستادگی جواب



می‌دهد؟ آیا در برابر این فرعون‌های تاب‌ن دندان مسلح می‌توان تاب آورد؟ اینجاست که یک عامل جدید و غیبی وارد میدان می‌شود: «تَنْزِيلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ». فرشتگان الهی به صورت مداوم و پیوسته بر کسانی که «استقامت» کرده‌اند، نازل می‌شوند. اما چه می‌آورند؟ سلاح؟ پول؟ نه. آن‌ها قدرت‌مندترین سلاح در جنگ‌های مدرن را به اردوگاه مؤمنان تزریق می‌کنند: سلاح آرامش راهبردی. «وَلَا تَخَافُوا» (نترسید)؛ دشمن همیشه با ترساندن از آینده، حکومت می‌کند: «اگر مقاومت کنید، جنگ می‌شود»، «تحریم می‌شوید» و «منزوی خواهید شد». فرشتگان این سلاح را از کار می‌اندازند. به قلب مؤمنان اطمینان می‌دهند که آینده در دست خداست. «وَلَا تَحْزَنُوا» (اندوه‌گین نباشید)؛ سلاح دوم دشمن، پشیمان کردن شما از گذشته است. «اگر سازش کرده بودید، این شهید را نمی‌دادید»، «این همه هزینه نمی‌پرداختید»، «فرصت‌ها را از دست دادید». فرشتگان این ویروس را هم پاک می‌کنند. به مؤمنان یادآوری می‌کنند که راهشان درست بوده و هیچ هزینه‌ای در راه خدا، خسارت نیست. «امروز آمریکا قدرتش، هیمنه‌اش، ابهت ابرقدرتی‌اش در چشم ملت‌ها ریخته و ملت‌ها بیدار شده‌اند؛ جرئت و جسارت پیدا کرده‌اند. و عامل اصلی شما هستید؛ شما ملت ایران، شما جوان‌ها، که قیام کردید، ایستادید، انقلاب کردید، حرف حق را زدید، پای آن حرف ایستادید.»^۱

۱. «بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان بسیجی»، ۹/۰۸/۱۳۸۶.

زندگی با آیه

🕒 **الگو برداری کن:** زندگی نامه علما و شهدا و دانشمندان و انسان های موفق را بخوان. ببین چگونه یک عمر پای یک حرف ایستادند تا به نتیجه رسیدند. این الگو، سوختِ استقامت توست.

🕒 **از کم شروع کن:** عضله استقامت را با وزنه های سبک قوی کن. چهل روز بر یک عادت خوب (مثل خواندن پنج دقیقه قرآن) مداومت کن تا برای کارهای بزرگ تر آماده شوی.

🕒 **رفیق همراه پیدا کن:** یک دوست هم مسیر انتخاب کن. برای استقامت بر یک کار خوب (مثل ورزش یا نماز صبح) با هم قرار بگذارید و به هم گزارش دهید.

🕒 **«چرا» را جلوی چشمت بگذار:** هدف ت را بنویس و جلوی آینه بچسبان. هر وقت سست شدی، به آن نگاه کن و از خودت بپرس: «برای چه شروع کردم؟»

🕒 **اعلام موضع کن:** هر صبح که بیدار می شوی، قبل از شروع کار روزانه، یک دقیقه خلوت کن و بگو: «خدایا! امروز هم تو ارباب منی و من بنده تو؛ نه پول، نه رئیس، و نه هوای نفس. کمک کن امروز فقط برای تو کار کنم.»



محتوای خودت را بساز



شواهد آیه ها

آیه بیست و پنجم

نسخه شفا بخش پیامبر

﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا
إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾

سوره شوری، آیه ۲۳

بگو: «مُزدی از شما [برای راهنمایی تان] نمی خواهم،
مگر مودّت و دوستی نزدیکانم.»

چرا پیامبر ﷺ برای ۲۳ سال زحمت طاقت فرسای خود،
فقط «مودّت نزدیکانش» را به عنوان پاداش طلب کرد؟



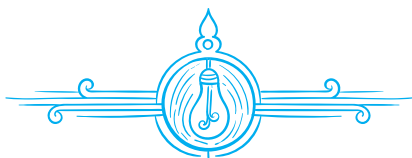
ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهَ عِبَادَهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
 قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَن يَقْتَرِفْ
 حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ ﴿٢٣﴾ أَمْ يَقُولُونَ
 افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَإِن يَشَأِ اللَّهُ يُخْتِمْ عَلَىٰ قَلْبِكَ وَيَمْحُ اللَّهُ
 الْبَاطِلَ وَيُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ﴿٢٤﴾
 وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَن عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ
 وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ ﴿٢٥﴾ وَيَسْتَجِيبُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا
 الصَّالِحَاتِ وَيَزِيدُهُم مِّن فَضْلِهِ ۗ وَالْكَافِرُونَ لَهُمْ عَذَابٌ
 شَدِيدٌ ﴿٢٦﴾ * وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ
 وَلَٰكِن يُنْزِلُ بِقَدَرٍ مَّا يَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ ﴿٢٧﴾ وَهُوَ
 الَّذِي يُنْزِلُ الْغَيْثَ مِن بَعْدِ مَا قَطَرُوا وَيَنْشُرُ رَحْمَتَهُ ۖ وَهُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ
 ﴿٢٨﴾ وَمِن آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَثَّ فِيهِمَا مِن دَابَّةٍ
 وَهُوَ عَلَىٰ جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَاءُ قَدِيرٌ ﴿٢٩﴾ وَمَا أَصَابَكُمْ مِّن مُّصِيبَةٍ فَمَا
 كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَن كَثِيرٍ ﴿٣٠﴾ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ
 فِي الْأَرْضِ وَمَا لَكُم مِّن دُونِ اللَّهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ﴿٣١﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ



مُزد پیامبری چیست؟

پاداش آن همه خون دل خوردن و دشنام شنیدن و عرق ریختن، سیم وزر نبود؛ محبت بود. می خواست مردم جمع شدن دور یک عشق حقیقی را یاد بگیرند. می خواست آدم ها دوست داشتن از ته دل را تمرین کنند؛ آن هم دوست داشتن کسانی که در خوبی و پاکی و مهربانی مثل نداشتند؛ چون می دانست که اگر انسان عشقش را اینجا خرج نکند، آن را به پای دنیای فانی خواهد ریخت. چون می فهمید که همه عاشق ها، عاقبت یک روز شبیه معشوق هایشان می شوند. چون خبر داشت که تا عشق نباشد، زیستنی هم در کار نیست. به قول حافظ:

هر آن کسی که در این حلقه نیست زنده به عشق
بر او نمرده به فتوای من نماز کنید!





تصور کنید فردی تمام عمر خود را وقف نجات یک جامعه کرده است. به دعوتش بی‌اعتنایی کرده‌اند، سنگش زده‌اند، او را مجنون و ساحر خطاب کرده‌اند، در شعب ابی طالب محاصره اقتصادی شده، عزیزترین یارانش را در جنگ‌ها از دست داده و لحظه‌ای آرامش نداشته است. حال در پایان این مسیر طاقت فرسا، می‌خواهد «مُزِد» زحماتش را طلب کند. چه انتظاری دارید؟

پیامبر اکرم ﷺ نه طلا می‌خواهد، نه ملک و نه قدرت. فقط یک چیز می‌طلبد: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ» (شوری/۲۳)؛ «(بگو: "مُزِدی از شما نمی‌خواهم، مگر مودّت و دوستی نزدیکانم.")» این درخواست، «پاداش» نیست؛ بلکه «نسخهٔ شفابخش» و «هدیهٔ الهی» برای خود امت اسلامی است.

فرا تر از یک علاقهٔ سطحی

«مودّت» صرفاً یک دوست داشتن احساسی و سطحی نیست. مودّت یعنی ابراز محبت؛ یعنی محبت در مقام عمل. «مودّت یعنی هم‌بستگی، همدلی، همراهی و همکاری... با این خانواده»^۱ مودّت یعنی پیوند عمیق عاطفی که پشتوانهٔ اطاعت و تبعیت است. این یک بیعت عملی است، نه یک علاقهٔ قلبی منفعل.

نقطهٔ ثقل و محور وحدت

امتی که دچار تفرقهٔ داخلی است، بهترین طعمه برای قدرت‌های

۱. «بیانات مقام معظم رهبری در ارتباط تصویری با مداحان»، ۱۳۹۵/۱۱/۱۵.

خارجی است؛ اما وقتی جامعه اسلامی حول این محور الهی واحد منسجم باشد، یک «ید واحده» و یک «دژ مستحکم» در برابر اراده بیگانگان شکل می‌گیرد. این هم‌بستگی، استقلال فکری، فرهنگی و سیاسی جامعه را تضمین می‌کند.

«قاطبة مسلمین، از صدرِ اوّل تا امروز محبّ اهل بیت محسوب می‌شوند. ... پس به وسیله محبّت اهل بیت، می‌شود در میان مسلمین اجماع ایجاد کرد؛ ... همچنان که وجود مبارک پیغمبر اسلام وسیله و محور وحدت بین مسلمین است، و همچنان که قرآن و کعبه شریف محور اتحاد مسلمین است... امروز دنیای اسلام به این اتحاد و این همدلی به شدّت نیازمند است. امروز پیکر دنیای اسلام زخم خورده است؛ امروز دشمنان اسلام توانسته‌اند با ایجاد جنگ و خلاف در بین خود مسلمین، آن‌ها را فُشل کنند، آن‌ها را مشغول به خود کنند... رژیم غاصب صهیونیست در امنیت به سر ببرد، [ولی] مسلمان‌ها به جان هم بیفتند!... در یک چنین شرایطی اتحاد امت اسلامی اوجب واجبات است؛ باید دُور هم جمع بشویم. ... و من به شما عرض بکنم، ما معتقدیم که به توفیق الهی و به اراده و مشیّت الهی و باذن الله تعالی، ما در این مقابله بر دشمن مان پیروز خواهیم شد.»^۱

۱. «بیانات مقام معظم رهبری در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس "محبان اهل بیت (علیهم‌السلام) و مسئله تکفیری‌ها"»، ۱۳۹۶/۰۹/۰۲.

زندگی با ائمه

🕒 بزرگترین خواسته اهل بیت از ما، عمل به دستورات قرآن و سنت پیامبر است. بهترین ابراز مودت این است که وقتی کسی تو را می بیند، بگوید: «این شخص پیرو مکتب پیامبر و اهل بیت اوست چون امین، راستگو و خوش اخلاق است.»

🕒 اگر در همسایگان یا دوستان کسی را می شناسی که از نسل پیامبر (سید) است، به احترام جدّ بزرگوارش، با او مهربان تر باش و اگر مشکلی دارد، برای رفع آن قدمی بردار. این نشانه عملی محبت به نزدیکان پیامبر است.

🕒 نام فرزندان را از نام های زیبای خاندان پیامبر انتخاب کن. نام هایی مثل حسن، حسین، فاطمه و علی، زینت بخش خانه های همه مسلمانان جهان است و یاد آنان را زنده نگه می دارد.

🕒 خاندان پیامبر پناهگاه یتیمان و مسکینان بودند. تو هم هر ماه مقداری از درآمدت را به نیت پیروی از سیره سخاوتمندانه ی آنان، به نیازمندان محله ات ببخش.

🕒 کتابی درباره زندگی یکی از اهل بیت پیامبر (مثل امام علی، امام حسن یا امام حسین علیه السلام) بخوان و یک ویژگی اخلاقی برجسته آنان (مانند بخشش، شجاعت یا عبادت) را انتخاب کن و سعی کن این هفته آن را در رفتار پیاده کنی.



محتوای خودت را بساز



شهادت آیه ها

آیه بیست و ششم

صلح تحمیلی ممنوع!

﴿فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ
وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ﴾

سوره محمد، آیه ۳۵

پس هرگز [در نبرد با دشمن] سست نشوید و
[دشمنان را] به صلح [ذلت‌بار] دعوت نکنید؛
درحالی‌که شما برترید، و خدا با شماست.

هزینه «سازش» و تسلیم‌شدن در برابر دشمن
بیشتر است یا هزینه «مقاومت»؟



سُورَةُ مُحَمَّدٍ

وَلَوْ نَشَاءُ لَأَرَيْنَاكَ هُمْ فَاعْرِفْتَهُمْ بِسِيمَاهُمْ وَلَتَعْرِفَنَّهُمْ فِي
لَحْنِ الْقَوْلِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ أَعْمَالَكُمْ ﴿٢٠﴾ وَلَسَبُّوْكُمْ حَتَّى تَعْلَمَ
الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ وَتَبَلَّوْا أَخْبَارَكُمْ ﴿٢١﴾ إِنَّ الَّذِينَ
كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَشَاقُّوا الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ
مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَى لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا وَسَيُحِطُّ أَعْمَالَهُمْ
﴿٢٢﴾ يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ
وَلَا تَبْطُلُوا أَعْمَالَكُمْ ﴿٢٣﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ
اللَّهِ ثُمَّ مَا تَوَّأَوْهُمْ كَقَارِئِنَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَهُمْ ﴿٢٤﴾ فَلَا تَهِنُوا
وَتَذَعُوا إِلَى السَّلَامِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتَرَكَكُمْ
أَعْمَالَكُمْ ﴿٢٥﴾ إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌّ وَلَهُوَ إِنْ تَوَمَّنُوا وَتَتَّقُوا
يُؤْتِكُمْ أَجُورَكُمْ وَلَا يَسْأَلْكُمْ أَمْوَالَكُمْ ﴿٢٦﴾ إِنْ يَسْأَلْكُمْوهَا
فِي حِفْظِكُمْ تَخْلَوْا وَيُخْرِجْ أَصْغَنَكُمْ ﴿٢٧﴾ هَآأَنْتُمْ هَؤُلَاءِ
تُدْعُونَ لِتُقْفَلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمِنْكُمْ مَنْ يَبْخُلُ وَمَنْ يَبْخُلْ
فَإِنَّمَا يَبْخُلْ عَنِ نَفْسِهِ وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَأَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ وَإِنْ
تَتَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَلَكُمْ ﴿٢٨﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ



گول صلح بازی هایشان را نخور!

خیلی ممنون که گفتی ما بهتریم! و وقتی دیدی دلمان زیاد با این سخن قرص نشد، اضافه کردی که: «من هم کنار شمایم.» خیلی ممنون که هنوز به ما بنده‌های متوسط امیدواری. راستش باورمان نمی‌شود این حرف‌ها را هزار و اندی سال پیش گفته باشی. راستش کلامت آن قدر گرم و گیراست که آدم فکر می‌کند در اخبار صبحگاهی همین امروز شنیده باشدشان. راستش تو که این طور می‌گویی، ما هم خودمان را باور می‌کنیم. چشم خدای عزیز ما! پیام دریافت شد. دیگر گول صلح و صلح بازی هایشان را نمی‌خوریم. دیگر به وعده‌های سرخ‌رمنشان امید نمی‌بندیم و فقط به تو تکیه می‌کنیم.





یکی از کارآمدترین ابزارهای دشمن، ارائه یک «دوراهی فریبنده» است. او با تمام ابزارهای فشار، پیام خود را فریاد می‌زند: «ما خواهان پیشرفت شما هستیم، به شرطی که دست از ماجراجویی بردارید! اگر می‌خواهید از تحریم، تهدید نظامی و هزینه‌های سنگین آن‌رها شوید و زندگی خوبی داشته باشید، راهی جز تسلیم شدن در برابر اراده ما ندارید.» در این فضای غبارآلود، صدایی از درون جامعه بلند می‌شود: «بیایید تسلیم شویم تا این مودی‌گری‌ها تمام شود. هزینه مقاومت کمرشکن است!»

((بله، ایستادگی کردن ممکن است هزینه‌ای داشته باشد، اما دستاوردهای بسیار بزرگی دارد که صدها برابر آن هزینه برای ملت‌ها ارزش دارد؛ اما تسلیم شدن در مقابل دشمن عنود و لجوج و خبیث، جز لگدمال شدن، جز ذلیل شدن، جز بی‌هویتی شدن هیچ اثری ندارد.))^۱

صلح عزتمندانه یا سازش فریب‌کارانه

آیا اسلام با صلح مخالف است؟ خیر. قرآن می‌فرماید اگر دشمنی واقعا دست از دشمنی و جنگ برداشت و صادقانه دست صلح دراز کرد، شما هم بپذیرید «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلَامِ فَاجْتَنِبْهُمْ» (انفال/۶۱). اما «اگر احساس کردید، فهمیدید، قرینه‌ها نشان دادند که طرف [مقابل] صادق نیست، دروغ می‌گوید، در ظاهر این دست را جلو آورده که با

۱. «بیانات مقام معظم رهبری در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه امام

شما دست بدهد اما با آن دست دیگرش، پشت سر یک خنجر زهرآلود را قبضه کرده و گرفته، فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ؛ هرگز قبول نکنید.»^۱ در چنین شرایطی، دعوت به صلح، نه تنها جایز نیست، بلکه حرام و یک خودکشی ست.

تضمین الهی برای جبهه حق

چرا نباید سست شد؟ چرا باید به پیروزی امیدوار بود؟ آیه سه تضمین شکست ناپذیر را اعلام می‌کند: ﴿وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ﴾ شما برترید. این یک وعده برای آینده نیست؛ یک حقیقت جاری است که باید به یک باور عمومی تبدیل شود. چون ﴿وَاللَّهُ مَعَكُمْ﴾ خدا با شماست. «همراهی الهی» یعنی مرکز قدرت، عزت و تمام سنت‌های پیروزی بخش تاریخ، در کنار شما و پشتیبان شماست. وقتی خدا با یک جبهه باشد، پیروزی آن جبهه قطعی است. این قانون لایتغیر پروردگار است. ﴿وَلَنْ يَزِيَكُمْ أَعْمَالُكُمْ﴾ و هرگز از اعمالتان کم نمی‌گذارد. این تضمین نهایی است؛ یعنی هیچ مجاهدت و هیچ خون دل خوردنی در راه خدا، بی‌نتیجه و فراموش شده نخواهد بود. خداوند پاداش کامل این ایستادگی را هم در دنیا (با عزت و پیروزی) و هم در آخرت خواهد داد. این آیه، یک منشور عزت برای تمام ملت‌های آزاد است. در برابر دشمن زورگو و فریب‌کار، «ضعف» و «التماس برای صلح»، مرگ‌بارترین اشتباه است. راه رسیدن به صلح پایدار و عادلانه، از مسیر «اقتدار» می‌گذرد.

۱. «بیانات مقام معظم رهبری در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران»، ۱۴۰۲/۰۵/۲۶.

زندگی با آیه

🕒 دیپلماتی که درست در روز اعمال تحریم‌های جدید، به جای ارائه امتیاز، از یک دستاورد علمی-دفاعی رونمایی می‌کند، پیام «وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ» را به دشمن مخابره کرده و معادله را تغییر می‌دهد.

🕒 شهرداری‌ای که به جای نصب بیلبردهای تبلیغاتی صرف، تصاویر دانشمندان جوان، کارآفرینان موفق و قهرمانان ورزشی را با جمله «ما برتریم چون به توان خود تکیه کرده‌ایم» در سطح شهر نصب می‌کند، سفیر این آیه است.

🕒 خبرنگاری که در مقابل تهاجم رسانه‌ای دشمن برای بزرگ نشان دادن هزینه‌های مقاومت، بر «دستاوردهای مقاومت» مثل رشد شرکت‌های دانش بنیان تمرکز می‌کند و راوی قدرت می‌شود. کارآفرینی که تحریم واردات یک قطعه صنعتی را نه یک تهدید، بلکه یک «فرصت بازار» می‌بیند که سست نمی‌شود و خدا هم کمکش می‌کند و از تهدید فرصت می‌سازد.

🕒 نوجوانی که در بحث‌های اعتقادی، از روی ترس یا خجالت، الکی عذرخواهی نمی‌کند و تسلیم نمی‌شود، بلکه با بیانی دقیق روشنگری می‌کند.

🕒 دختری که در برابر مدهای غربی، از روی ضعف، تسلیم نمی‌شود، همراهی خدا را دارد.



محتوای خود را بساز



شهادت آیه‌ها

آیه بیست و هفتم

نه مایوس و نه سرمست

﴿لَكَيْلًا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ
وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ﴾

سوره حدید، آیه ۲۳

[بدانید حوادث، پیش از وقوع، در کتاب تقدیر الهی ثبت شده‌اند] تا بر آنچه از دستتان رفته، تأسف نخورید، و به آنچه به شما داده است، مغرورانه شادمان نگردید.

چرا با بالا و پایین شدن‌های زندگی، فوراً آرامش خود را از دست می‌دهیم؟



وَالَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ ۚ أُولَٰئِكَ هُمُ الصَّٰدِقُونَ وَالشَّٰهَدَآءُ
عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا
بِعَٰيَتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ ﴿١٩﴾ اٰلَعَمُوْا اَنَّمَا الْحَيٰوةُ
الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ زِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِى الْاَمْوَالِ
وَالْاَوَّلِدِ كَمْشَلٍ عَيْنٍ اَتَجَبَّ الْكَفَارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ
مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُوْنُ حُطْلَمًا ۖ وَفِى الْاٰخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيْدٌ وَمَغْفِرَةٌ
مِّنَ اللّٰهِ وَرِضْوَانٌ ۚ وَمَا الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا اِلَّا لَٰمَتَعِ الْعٰوْرِ ﴿٢٠﴾
سَآبِقُوْا اِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّنْ رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا عَرْضُ السَّمَآءِ
وَالْاَرْضِ ۚ اَعِدَّتْ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللّٰهِ وَرُسُلِهِ ۚ ذٰلِكَ فَضْلُ
اللّٰهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَآءُ ۗ وَاللّٰهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيْمِ ﴿٢١﴾ مَا اَصَابَ
مِّنْ مُّصِیْبَةٍ فِى الْاَرْضِ وَلَا فِىْ اَنْفُسِكُمْ اِلَّا فِىْ كِتٰبٍ مِّنْ
قَبْلِ اَنْ تَبْرَآهَا ۚ اِنَّ ذٰلِكَ عَلَى اللّٰهِ يَسِيْرٌ ﴿٢٢﴾ لِّكَيْلَا
تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوْا بِمَا ءَاتَكُمْ ۗ اِنَّكُمْ وَاللّٰهُ
لَآ يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُوْرٍ ﴿٢٣﴾ الَّذِيْنَ يَبْخُلُوْنَ وَيَاْمُرُوْنَ
النَّاسَ بِالْبُخْلِ ۗ وَمَن يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللّٰهَ هُوَ الْغَنِیُّ الْحَمِيْدُ ﴿٢٤﴾



تلاوت آیه

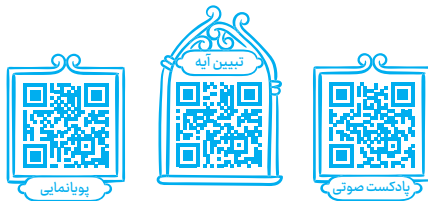


مدرسه حفظ



دنیا دوروز است

دوست دارم این طور فکر کنم که خدا در این آیه با ما جوان ترها حرف زده؛ با مایی که هنوز سرمان خیلی باد دارد؛ با مایی که هنوز سرد و گرم این دنیا را نچشیده ایم. دوست دارم لحن این آیه را شبیه لحن بزرگ تری ببینم که از خامی ما خنده اش گرفته، که دستش را روی شانه مان گذاشته تا بگوید: نگران نباش! می گذرد. شبیه لحن دوست داشتنی حضرت ابوتراب رضی الله عنه که جایی فرموده بود: «دنیا دو روز است؛ روزی به کام تو و روز دیگر به زیان تو. پس چون به کام تو بود، سرمست نشو و چون به زیان تو بود، غمگین مباش که هر دو مایه آزمایش توست»^۱.



۱. نهج البلاغه، حکمت ۳۹۶؛ با همین مضمون: آبی، منصور، نثر الدرر، ج ۶، ص ۲۵۶.



آرامش انسان‌ها اغلب به داشته‌ها و نداشته‌هایشان گره خورده است؛ با نعمتی سرمست و با ازدست‌دادنش مأیوس می‌شوند. چگونه می‌توان به آرامشی که این آیه تصویر می‌کند رسید؟ «لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ»؛ تا بر آنچه از دستتان رفته تأسف نخورید و به آنچه به شما داده است، مغرورانه شادمان نگردید. (حدید/۲۳)

رمز آرامش

این آیه، میوهٔ خبری است که در آیهٔ قبل^۱ بیان شده است: همه حوادث، پیش از وقوع، در کتاب تقدیر الهی ثبت شده‌اند. «انسان اگر یقین کند که آنچه فوت شده باید می‌شد، و ممکن نبود که فوت نشود، و آنچه عایدش گشت باید می‌شد و ممکن نبود که نشود، چنین کسی نه در هنگام فوت نعمت خیلی غصه می‌خورد، و نه در هنگام فرج و آمدن نعمت.»^۲ پیروزی‌ها و شکست‌ها، داشتن‌ها و نداشتن‌ها، همگی بخشی از یک نقشهٔ بزرگ و حکیمانه برای رشد ما هستند. فقط کافی است مؤمن باشی و وظیفه‌ات را به خوبی انجام دهی. آن وقت اگر جایی خداوند چیزی را به تو نداد یا داد و گرفت، نه اینکه نداشت یا نمی‌توانست؛ بلکه خیر بزرگ‌تری برایت می‌خواست.

۱. حدید/۲۲: «مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا...»

۲. محمدحسین طباطبائی، تفسیر المیزان (ترجمه)، ج ۱۹، ص ۲۹۴.

نه اینکه دوستت نداشت؛ او که از مادر به تو مهربان تر است! پس به کارگردانی اش اعتماد کن. نقل شده است: «در شگفتم از مؤمن! خدا برای او چیزی مقدر نمی کند مگر اینکه خیر اوست.^۱ اگر بدنش را با قیچی ها تکه تکه کنند خیر اوست و اگر مالک شرق و غرب زمین شود، باز هم خیر اوست.»^۲

راز شجاعت

همین اعتقاد بود که شهید یحیی سنوار را به آن قهرمان شجاع و نترس تبدیل کرده بود. خودش می گفت: «من این سخن امام علی (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَارْضَاهُ وَكَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ) را از بر کرده ام که فرمود: از کدام یک از دوروز مرگ خود فرار کنم؟ روزی که [مرگ در آن] برایم مقدر نشده، یا روزی که مقدر شده است؟ ... از روزی که [مرگ] در آن مقدر نشده نمی ترسم و کسی هم در دنیا نمی تواند آن را [به روز مرگ من] تبدیل کند و از آنچه مقدر شده باشد، هیچ احتیاط و پرهیزی نجات بخش نیست. و اگر [مرگ] برایم نوشته شده باشد، [رخ خواهد داد] حتی اگر در عمق هزار مایلی زمین باشم و حتی اگر در برج های استوار و محکم باشم. من می دانم که حیات و زندگی فقط در دست خداوند سبحان و متعال است و اینکه تهدیدهای آن ها، اراده آن ها و هواپیماهای آن ها، عمر مرا حتی یک روز هم کوتاه نخواهد کرد.»

۱. به نقل از پیامبر ﷺ در: ابویعلی، احمد، مسند أبي يعلى، ج ۷، ص ۲۲۰.

۲. به نقل از امام صادق علیه السلام در: کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۲.

زندگی با آیه

🕒 از اتفاقات بد ناامید نشو و از اتفاقات خوب مغرور نشو؛ بدان که همه این‌ها امتحان است و باید به وظایف عمل کنی.

🕒 در صورت بروز یک شکست، به جای فرورفتن در افسوس و ناامیدی، از آن درس بگیر و با قدرت ادامه بده.

🕒 وقتی به موفقیت مالی یا اجتماعی می‌رسی، خودت را گم نکن و با فخر فروشی دیگران را نرنجان. این نعمت‌ها همیشگی نیستند.

🕒 اگر فرزنت در کنکور یا یک مسابقه شکست خورد، به جای افسوس خوردن، به او یاد بده که این پایان راه نیست.

🕒 به فرزنت یاد بده که از داشته‌هایش لذت ببرد اما به آن‌ها وابسته نشود، تا در برابر از دست دادن‌ها مقاوم باشد.

🕒 حقوق خوبی گرفتی؟ همان لحظه یک شیرینی بخور و بین همکاران پخش کن یا مبلغی صدقه بده. این کار مثل یک «ترمز» عمل می‌کند و نمی‌گذارد شادی تو تبدیل به فخر فروشی یا غفلت شود.



محتوای خودت را بساز



شهادت آیه‌ها

آیه بیست و هشتم

بن بست نداریم

﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَ
يَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ
يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ﴾

سوره طلاق، آیه ۲-۳

و هرکس تقوای الهی پیشه کند، خدا راه نجات [از مشکلات] را
پیش پایش می‌گذارد، و به او از جایی که فکرش را نمی‌کند، روزی
می‌دهد، و هرکس به خدا توکل کند، او برایش کافی است.

با بن‌بست‌های زندگی چه کنیم؟



سُورَةُ الطَّلَافِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ
وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ
يَأْتِيَنَّ بِفَحْشَةٍ مُبَيِّنَةٍ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ
فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ وَلَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا ﴿١﴾
فَإِذَا بَلَغَ أَجَلُهُنَّ فَامْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ
وَأَشْهِدُوا ذَوَى عَدْلٍ مِنْكُمْ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ ذَلِكَ يُوعَظُ
بِهِ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ
مَخْرَجًا ﴿٢﴾ وَنَزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ
فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَلِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ
قَدْرًا ﴿٣﴾ وَالَّتِي يَبِيسَنَّ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نِسَائِكُمْ إِنْ
ارْتَبَسْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَالَّتِي لَمْ يَحْضَنْ وَأُولَتْ
الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ
يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا ﴿٤﴾ ذَلِكَ أَمْرُ اللَّهِ أَنْزَلَهُ بِالْحُكْمِ
وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُعْظِمْ لَهُ أَجْرًا ﴿٥﴾



تلاوت آیه



مدرسہ حفظ



با بن بست‌های زندگی چه کنیم؟

در بن بست‌های زندگی، کمتر دست و پا بزن. وسط آن بگومگوها چند لحظه بنشین و به این کلمات فکر کن. از خودت بپرس: من این روزها چه قدر مراقب رفتارم بوده‌ام؟ چه قدر خدا را در کارهایم دیده‌ام؟ با خودت قول و قرارهای تازه‌ای بگذار؛ تصمیم بگیر از حالا به بعد هر روز که از خواب بیدار می‌شوی، خدا را بیشتر در نظر بگیری و بعد با خیال تخت به وعده‌های خدا اعتماد کن. آن وقت خودت خواهی دید که چشمه‌ها چه طور بی‌هوا از دل سنگ‌ها می‌جوشند و شکوفه‌ها چگونه ناگهان از دل شعله‌ها سر برمی‌آورند. آن وقت خودت شیرینی آن رزق بی حساب را خواهی چشید.





پدری که کنار تخت فرزند بیمارش نشسته، جیب‌هایش خالی است و دکتر از هزینه‌های سنگین درمان می‌گوید و درست در همین اوج استیصال، یک پیشنهاد وسوسه‌انگیز از راه می‌رسد: یک معامله حرام، یک رشوه... یا جوانی که تمام راه‌های حلال برای تشکیل خانواده به رویش بسته شده و برعکس زمینه گناه برایش فراهم است. این‌ها بزنگاه‌هایی هستند که راه درست، مسدود به نظر می‌آید و راه غلط، آسان و در دسترس. جایی که عقل حسابگر می‌گوید: «چاره‌ای نیست!» اما قرآن کریم، در یکی از امیدبخش‌ترین آیات خود، یک شاه‌کلید برای قفل تمام درهای بسته زندگی ارائه می‌دهد: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ»؛ «و هرکس تقوای الهی پیشه کند، خداوند برای او راه خروجی قرار می‌دهد و او را از جایی که گمان نمی‌برد، روزی می‌دهد؛ و هرکس بر خدا توکل کند، پس او برایش کافی است.» (طلاق/۲-۳)

از پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده که فرمودند: «(من آیه‌ای را می‌شناسم که اگر مردم به آن عمل کنند، برایشان کافی خواهد بود.)» سپس شروع به تلاوت همین آیه کردند و آن را بارها و بارها تکرار نمودند.^۱

۱. «إِنِّي لَا أَعْلَمُ آيَةً أَوْ أَحَدٌ بِهَا النَّاسُ لَكَفَّتَهُمْ...» (فیض کاشانی، تفسیر الصافی، ج ۵، ص ۱۸۸؛

ثعلبی، احمد، تفسیر الثعلبی، ج ۹، ص ۳۳۷ و قرطبی محمد، تفسیر القرطبی، ج ۱۸، ص ۱۶۰).

اگر تو در بن بست هستی، خدا که در بن بست نیست. به او اعتماد کن. «تقوا» یعنی در لحظه‌ای که می‌توانی گناه کنی و به ظاهر مشکلات را حل کنی، یوسف‌وار به سمت درهای بسته بدوی و برای خدا شیرین کاری کنی. مثل شیخ رجبعلی خیاط که در اوج جوانی، صحنه گناه برایش فراهم شد اما انتخاب کرد خدا را ناامید نکند و نتیجه‌اش چه شد؟ او شد شیخ رجبعلی خیاطی که مردم پای منبر عرشی او می‌نشستند تا راه بندگی را بیاموزند.

راه نجات ملتی که زیر شدیدترین تحریم‌ها و تهدیدها قرار گرفته، تسلیم شدن و دست برداشتن از آرمان‌ها نیست. بلکه وقتی با «تقوای جمعی» و «توکل ملی» از عهدش با خدا پا پس نکشد، خدا وارد میدان می‌شود و خوب هوایش را دارد. ما در جنگ این آیه را دیدیم. بعد از جنگ هم دیدیم که چه طور از دل تحریم، پیشرفت موشکی و هسته‌ای و از میان انزوای سیاسی، عمق راهبردی و نفوذ منطقه‌ای خلق شد. بله، به زودی، به همه دنیا ثابت می‌شود که وقتی ملتی به خدا تکیه کند، خدا برایش کافی است.

این همان نکته‌ای است که رهبر انقلاب بر آن تأکید می‌کنند: «رزق لایَحْتَسَب را همیشه در محاسباتتان به طور اجمال در نظر داشته باشید. درست است که محاسبات عقلانی و مادی، تأثیرگذارند، ... اما یک جایی هم باز بگذارید برای محاسباتی فراتر از مسائل مادی؛ فراتر از آنچه به عقل انسان می‌رسد؛ این، رزق لایَحْتَسَب است.»^۱

۱. «بیانات مقام معظم رهبری در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش»، ۱۳۹۵/۱۷/۱۹.

زندگی با آیه

🕞 اگر به خاطر حفظ حجاب، یک خواستگار خوب را از دست دادی، نگران نباش؛ تقوای تو باعث می‌شود خدا بهترین را پیش پایت بگذارد.

🕞 وقتی در یک مشکل سخت خانوادگی گیر کرده‌ای و هیچ راهی به ذهنت نمی‌رسد، با پرهیز از غیبت و تهمت و بداخلاقی، تلاش کن و منتظر گشایش غیرمنتظره خدا باش.

🕞 اگر به خاطر اینکه رشوه نمی‌دهی یا پارتی بازی نمی‌کنی، کارت گیر کرده، نگران نباش؛ خدا از یک راه بهتر درستش می‌کند.

🕞 اگر به خاطر خدا، چشم‌هایت را از دیدن صحنهٔ حرام بپوشانی، خدا از جایی که فکرش را نمی‌کنی به تو آرامش و لذت حلال می‌دهد.

🕞 راه خروج از بن‌بست‌های اقتصادی و سیاسی کشور، پناه بردن به دشمن نیست، بلکه افزایش تقوای عمومی، قوی شدن، مبارزه با فساد و توکل بر خداست.

🕞 در انتخابات به کسانی رأی دهیم که به تقوای مالی و سیاسی مشهورند؛ زیرا چنین افرادی بهتر می‌توانند برای مشکلات کشور راه خروج پیدا کنند.



محتوای خودت را بساز



شواهد آیه‌ها

آیه بیست و نهم

نامه‌ او را بخوان

﴿فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ﴾

سوره مزمل، آیه ۲۰

هرچه قدر برایتان میسر است، قرآن بخوانید.

برنامه روزانه ما برای عمل به این دستور چیست؟



سُورَةُ النِّازِعَاتِ

إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلَاثِي إِلَيْلٍ وَنِصْفَهُ، وَلَوْلَا فِتْنَةٌ
مِّنَ الَّذِينَ مَعَكَ وَاللَّهُ يَقْدِرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ عِلْمَ أَن لَّنْ نَّحْصُوهُ فَتَأْتِ
عَلَيْكُمْ فَاقِرَةٌ أَوْ مَاتِيسَرٌ مِّنَ الْقُرْءَانِ عِلْمَ أَن سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَّرْضَىٰ
وَأَآخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِن فَضْلِ اللَّهِ وَاآخَرُونَ
يَقْتَتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاَقْرَبُ فَاَقْرَبُ وَأَمَاتِيسَرٌ مِّنْهُ وَاقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا
الزَّكَاةَ وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَمَا تَقْدِمُوا لِنَفْسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ يَجِدُوهُ
عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ وَأَعْظَمُ أَجْرًا أَوْ اسْتَغْفِرُوا لِلَّذِينَ فِي الْأَرْضِ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿١٠﴾

سُورَةُ الْكَافِرَاتِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَأَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ ﴿١﴾ قُمْ فَأَنْذِرْ ﴿٢﴾ وَرَبِّكَ فَكَبِّرْ ﴿٣﴾ وَيَسْأَلُكَ فَطَهِّرْ ﴿٤﴾
وَالرِّجْزَ فَاهْجُرْ ﴿٥﴾ وَلَا تَتَنَزَّكِرْ ﴿٦﴾ وَرَبِّكَ فَاصْبِرْ ﴿٧﴾ فَإِذَا نَقَرَ
فِي النَّافُورِ ﴿٨﴾ فَذَلِكَ يَوْمَئِذٍ يَوْمٌ عَسِيرٌ ﴿٩﴾ عَلَى الْكَافِرِينَ عَذَابٌ عَسِيرٌ ﴿١٠﴾
ذَرْنِي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا ﴿١١﴾ وَجَعَلْتُ لَهُ مَا لَا مَمْدُودَ ﴿١٢﴾ وَبَيْنَ
شُهُودَ ﴿١٣﴾ وَمَهَّدْتُ لَهُ تَمْهِيدًا ﴿١٤﴾ ثُمَّ يَطْمَعُ أَنْ أَزِيدَ ﴿١٥﴾ كَلَّا إِنَّهُ
كَانَ لَا يَتَنَبَّأُ عِندَآ ﴿١٦﴾ سَأَرْهَقُهُ وُضُوعًا ﴿١٧﴾ إِنَّهُ فَكَّرَ وَقَدَّرَ ﴿١٨﴾



تلاوت آیه



مدرسه حفظ



با آیه ها زندگی کن

یک روز که دیر نیست، قرآن خاک خورده‌ات را از روی طاقچه یا قفسه کتاب هایت برمی‌داری و می‌بینی چشم‌هایت دیگر آن سوی سابق را ندارند. آن وقت حسرت تمام نگاه‌هایی را می‌خوری که اسرافشان کردی، که نگذاشتی با کلمات خدا انس بگیرند. حالا اما دیر نیست. هنوز فرصت داری که برای خودت با دست‌هایی که نمی‌لرزند، یک فنجان چای تازه بریزی و چند دقیقه در سکوت قرآن بخوانی، که شب‌ها وقت برگشتن از کاری که هنوز بازنشسته‌ات نکرده، صدای ضبط را زیاد کنی و توی تلاوت‌های آن غرق شوی، که توی مترو و اتوبوس به جای تلف کردن چشم‌هایت، آیه‌های کتاب خدا را به چشم‌روشنی قلبت ببری، که آن را برای خود و دیگران بخوانی.





انسانی را در میان اقیانوسی طوفانی تصور کنید. امواج سهمگین از هر سو بر قایقش می‌کوبند و آسمان تاریک، تشخیص مسیر را ناممکن کرده است. در این سرگردانی مطلق، تنها دو چیز می‌تواند او را نجات دهد: یک قطب‌نمای دقیق که جهت را نشان دهد و نور یک فانوس دریایی در دوردست که ساحل امن را نوید دهد. اگر او قطب‌نما را نادیده بگیرد یا به نور فانوس بی‌اعتنا باشد، چه سرنوشتی در انتظارش خواهد بود؟

امروز، بسیاری از ما در میانهٔ اقیانوس متلاطم زندگی مدرن، چنین حسی داریم. دشمن با هزاران ابزار رسانه‌ای، ۲۴ ساعته در حال بمباران فکری و فرهنگی ماست تا باورهایمان را سست، اراده‌مان را تضعیف و هویت‌مان را از ما بگیرد. در این نبرد، قطب‌نما و فانوس دریایی ما کجاست؟ قرآن کریم، با یک دستورالعمل ساده اما کاربردی، این ابزار نجات را به دست ما می‌دهد: «فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ»؛ «پس هر مقدار که برایتان میسر است، قرآن بخوانید.» (مزمّل/۲۰)

نسخه‌ای برای همیشه

خداوند نمی‌گوید تمام روز خود را صرف این کار کنید، بلکه با کلمهٔ کلیدی «مَا تَيَسَّرَ» (آنچه آسان است)، راه را بر هر بهانه‌ای می‌بندد. این یعنی ارتباط باید «مستمر» باشد، حتی چند آیه در روز، اما هر

روز. «به همه سفارش می‌کنم که انس با قرآن را فراموش نکنید. بارها گفته‌ام قرآن را هر روز بخوانید، ولو نیم صفحه از هر جای قرآن؛... هر چقدر رغبت و میل دارید بخوانید. ارتباطتان با معنویات را حفظ کنید. جوان ما، در این روزگار پُرمسئله، آن وقتی می‌تواند به معنای واقعی شعار «مرگ بر آمریکا» بگوید که از لحاظ درونی، از لحاظ دینی، از لحاظ اعتقاد و اتکاء به خدای متعال و قدرت الهی قوی باشد. آن جوانی می‌تواند در مقابل سطوت و قدرت و تشر فرعون‌های زمان بایستد که دلش با خدا باشد.»^۱

شاهد زنده و معجزه‌آسای این حقیقت، مقاومت اعجاب‌انگیز مردم غزه است. جهانیان در حیرت‌اند که چگونه ملتی زیر بی‌سابقه‌ترین بمباران‌ها و وحشیانه‌ترین محاصره‌ها، این‌گونه استوار ایستاده است. قرآن برای آن‌ها کتاب استقامت، منبع امید و نامه‌م‌معشوقی است که به آن‌ها وعده نصرت می‌دهد. به قول حافظ: «حافظا در گنج فقر و خلوت شب‌های تار، تا بُود وِردت دعا و درس قرآن غم مخور»

راستی، برنامه‌روزانۀ ما برای عمل به این دستور چیست؟ آیا هر روز، هرچند کوتاه، دریچه‌ای به سوی این باغ کلام الهی می‌گشاییم تا جان خود را برای جهاد بزرگ امروز، تازه کنیم؟ آیا آن را برای خود و دیگران می‌خوانیم؟

۱. «بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان»، ۱۴۰۴/۰۸/۱۲.

زندگی با آیه

- 🕌 یک قرآن جیبی قشنگ بخر و همیشه همراهت داشته باش.
- 🕌 هر شب قبل از خواب، حتی شده فقط سه آیه از قرآن بخوان.
- 🕌 چند تفسیر لقمه‌ای را دانلود کن و در مترو به جای چرخ زدن بی هدف تو فضای مجازی گوش بده.
- 🕌 در آشپزخانه، یک قرآن کوچک بگذار و در حین پخت و پز، گاهی یک آیه را بخوان و به معنایش فکر کن.
- 🕌 برای فرزندت از کودکی لالایی قرآنی بخوان.
- 🕌 آیات دعایی قرآن را حفظ کن و در قنوت نمازهایت بخوان.
- 🕌 به عزیزانت یک قرآن قشنگ با ترجمه روان هدیه بده.
- 🕌 یک قرار پنج دقیقه‌ای خانوادگی برای خواندن قرآن بعد از شام تنظیم کن و خانه‌ات را نورانی کن.
- 🕌 در پروفایل شبکه‌های اجتماعی‌ات، به جای جملات کلیشه‌ای، یک آیه از قرآن بنویس.
- 🕌 اپلیکیشن قرآن را بگذار روی صفحه اول موبایلت و روزت را با قرآن شروع کن.
- 🕌 یک آیه را روی یک برگه کوچک بنویس، مثلاً «وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا» و روی در یخچال بچسبان.



آیة سیام

نشانی راحتی

﴿فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا إِنَّ
مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾

سوره شرح، آیات ۵ و ۶

پس بی تردید همراه سختی، آسانی است. [آری]
بی تردید همراه سختی، آسانی است.

اگر این گونه است چرا در سختی ها ناآرامیم؟!



سُورَةُ النِّسَاءِ

الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ ۖ وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ ۚ فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ۝
إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ۝ فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ ۖ وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ ۝

سُورَةُ التِّينِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالَّتَيْنِ وَالتَّيْنُونَ ۝ وَطُورِ سِينِينَ ۝ وَهَٰذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ ۝
لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ۝ ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ ۝
إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ۝
فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدَ بِالْدِينِ ۝ أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ ۝

سُورَةُ الْجَاثِيَةِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ ۝ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ ۝ اقْرَأْ
وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ ۝ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ ۝ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ
مَا لَمْ يَعْلَمْ ۝ كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَإِطْغَىٰ ۝ أَن رَّاهُ اسْتَعْجَىٰ
۝ إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرُّجْعَىٰ ۝ أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَىٰ ۝ عَبْدًا
إِذَا صَلَّىٰ ۝ أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَى الْهُدَىٰ ۝ أَوْ أَمَرَ بِالتَّقْوَىٰ ۝



تلاوت آیه



مدرسه حفظ



سخت بکوش تا آسان بگذرد

آن لذت «دیدی تونستم؟»، آن شیرینی «خودمم فکرش رو نمی کردم»، فقط وقتی درست حسابی زیر زبانت مزه می کند که با تمام وجود، همه سختی ها را به جان خریدی باشی، که فداکارانه و بی چشم داشت صبر و حوصله به خرج داده باشی. یادت باشد آسانی، ایستگاه پایانی قطار رنج نیست؛ هم سفر تو در کوچه سختی ها است. از مادری پرس که لذت شب بیداری هایش را جز با لبخند نوزادش نمی فهمد. از آن بخشنده ای پرس که شیرینی سخاوت را، در همان تلخی دل گندن از مالش می چشد. بله، این قاعده دنیا است؛ آسانی، در آغوش همین سختی ها نفس می کشد.





گیرکردن در یک مسئله پیچیده، یک گفت‌وگوی تلخ با عزیزترین فرد زندگی، یک بحران مالی غیرمنتظره، خبر اخراج از محل کار، یک بیماری ناگهانی، یک شکست عاطفی... با شنیدن این کلمات، معمولاً چه تصویری در ذهن‌مان شکل می‌گیرد؟ برای اغلب ما، پاسخ یکسان است: بن‌بست، اضطراب و شاید پایان یک داستان. قرآن قانون شگفت‌انگیزی از قوانین هستی را به ما یادآوری می‌کند تا نگاهمان را به کل داستان تغییر دهیم: «فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» (شرح/۵ و ۶)؛ «(پس قطعاً با هر سختی، آسانی است. آری، قطعاً با هر سختی، آسانی است.)» شاه‌کار آیه در کلمه «مَعَ» (همراه با) نهفته است. خداوند نمی‌گوید صبر کن تا این دوران تمام شود و روزهای خوب از راه برسند. او می‌گوید آسانی و گشایش، بسته‌ی جداگانه‌ای نیست که بعداً به دستت برسد؛ بلکه همراه خود سختی است. «(یُسْر) در دلِ «عُسْر» زندگی می‌کند.

چشم‌ها را باید شست

با این نگاه، آن فهرست ترسناک اول متن، تبدیل به فهرستی از فرصت‌ها می‌شود:

گیرکردن در یک مسئله، دیگر بن‌بست نیست؛ بلکه فرصتی است برای نگاه‌کردن به مسئله از زاویه‌ای کاملاً جدید. این قفل، تو را مجبور می‌کند راه‌هایی را امتحان کنی که در حالت عادی هرگز به سراغشان نمی‌رفتی؛ این یعنی «نوآوری».

یک دعوای تلخ، دیگر پایان رابطه نیست؛ بلکه فرصتی طلایی است برای فهمیدن ریشه‌ای‌ترین نیازهای طرف مقابلت که هرگز در آرامش به زبان نمی‌آورد.

یک مشکل اقتصادی، دیگر بدبختی نیست؛ بلکه یک کلاس فشرده مدیریت منابع و یک توفیق اجباری برای حذف هزینه‌های اضافی، فعال کردن خلاقیت برای درآمدزایی، و یادگیری هنر مدیریت مالی برای یک عمر است.

اخراج از یک کار، دیگر پایان دنیا نیست؛ بلکه فرصتی برای یادگیری مهارتی جدید است که همیشه عقب می‌انداختی، یا آزادی برای شروع کسب‌وکار خودت و تبدیل شدن به همان کسی است که آرزویت را داشتی.

این دو آیه به ما نمی‌گویند سختی وجود ندارد؛ بلکه به ما یک نشانی دقیق می‌دهند. نشانی «راحتی» و «گشایش»، که دقیقاً در قلب همان چالش و درد و سختی است. این هنر زندگی با قرآن است؛ همان جمله معروف حاج قاسم سلیمانی: «میزان فرصتی که در تهدیدها هست، در خود فرصت‌ها نیست؛ به شرطی که نترسیم و نترسانیم.» تاریخ انقلاب اسلامی، گواه زنده این آیه است. بله، «سُنَّتِ الهی این است که ﴿فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا﴾. اگر سختی‌ها را تحمل کردید، خدای متعال درهای قَرَج را خواهد گشود. اگر مجاهدت در راه خدا را بر جسم و نفس خودتان هموار کردید، خدای متعال روشنایی قَرَج را به شما نشان خواهد داد.»^۱

۱. «بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از ایثارگران و خانواده‌های شهدا»، ۱۳۷۶/۰۵/۲۹.

زندگی با آیه

این آیه را بنویس و روی میز کار یا آینه‌ات بچسبان؛ این کد عبور تو از بحران‌هاست.

باور داشته باش که هر تحریم اقتصادی، یک تولد برای خودکفایی و نوآوری است.

به جای شکایت از تحریم و تهدید، آن را به یک پروژه برای شکار فرصت‌های جدید تبدیل کن.

روایت‌گر «هزینه» سختی‌ها نباش؛ راوی «دستاوردهایی» باش که از دل همان سختی‌ها متولد شده است.

وقتی وسط بحرانی، به جای جمله «چرا من؟» بپرس: «فرصت پنهان در این مشکل چیست؟»

از مطالعه آن درس پیچیده نترس؛ فهم عمیق، پاداش کلنجار رفتن با همان سختی است.

از آن طرح سخت کاری فرار نکن؛ کلید رشد شغلی‌ات در دل همان چالش است.

هنگام بیماری، به فرصت خلوت با خدا و رقت قلبی فکر کن که شاید فقط در تب و درد نصیبت می‌شود.

بدان که فرج و گشایش و نصرت، در دل همین سختی‌هاست.



محتوای خودت را بساز



شواهد آیه‌ها

والین، تازه اول راه است...

و این، تازه اول راه است...

همسفر قرآنی!

کتابچه تمام شد، اما «زندگی با آیه‌ها» نه. این ۳۰ آیه قرار است سوختِ حرکت تو در شلوغی‌های شهر باشد.

جدول زیر، یک گزارش کار خشک و خالی نیست؛ «نقشه‌ی گنج» توست تا قرآن را از طاقچه به متنِ زندگی‌ات بیاوری.

بیایید عهد ببندیم برای تک‌تک آیات، این ۵ مرحله را طی کنیم:

۱. خوب خواندم (نورِ چشم)

فقط به روخوانی ساده بسنده نکن. مثلاً یک بار صوت آیه را گوش کن؛ بعد ۳ بار هم زمان با قاری زمزمه کن تا کلمات، صحیح بر زبانت جاری شود.

۲. خوب فهمیدم (نورِ عقل)

ترجمه را که خواندی، یک لحظه چشم‌هایت را ببند و فکر کن خدا این پیام را همین الان، اختصاصی برای «تو» فرستاده است. ساده از ترجمه عبور نکن. فکر کن.

۳. حفظ کردم (نورِ قلب)

این آیات، سلاح تو در بالاپایین زندگی است. آن‌ها را در گاو صندوقِ سینه‌ات حفظ کن تا در بزنگاه‌های زندگی، ورد زبان و راهنمای زندگی‌ات شوند. فرمولش ساده است: ۳ بار از رو، ۳ بار از حفظ. در مسیر رفت و آمد یا در قنوت نماز و ... مرورش کن.

۴. زندگی کردم (نورِ عمل)

مهم‌ترین ستون جدول اینجاست! از خودت بپرس: «چگونه به این آیه عمل کنم؟» در خانه یا مدرسه، موقع عصبانیت، نگرانی یا شادی، یک لحظه «بایست»؛ آیه را یاد بیاور و رفتارِ ت را طبق آن تنظیم کن. «زندگی با آیه‌ها» یعنی همین: یک تغییر کوچک در رفتار، به احترامِ کلام خدا.

۵. سفیر شدم (نورِ افشانی)

تو سفیرِ این آیه‌هایی. با یک استوری، پیامک به رفیقت، خواندن سر سفره یا نوشتن روی یک کاغذ و چسباندن به آینه، پیام خدا را دست به دست کن. نگذار این نور پیش تو متوقف شود؛ آینه باش و بتابان!

ردیف	آیات	خوب خواندم	خوب فهمیدم	حفظ کردم	زندگی کردم	سفیر شدم
۱	﴿وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ...﴾					
۲	﴿رَبَّنَا أَفْرِغْ...﴾					
۳	﴿الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ...﴾					
۴	﴿وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ...﴾					
۵	﴿أَيَّتَعُونَ عِنْدَهُمْ...﴾					
۶	﴿يُجَاهِدُونَ فِي...﴾					
۷	﴿إِنَّمَا يُرِيدُ...﴾					
۸	﴿وَكُلُوا وَاشْرَبُوا...﴾					
۹	﴿وَمَا رَمَيْتَ...﴾					
۱۰	﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ...﴾					
۱۱	﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى...﴾					
۱۲	﴿إِنَّ الْحَسَنَاتِ...﴾					
۱۳	﴿أَلَا يَذْكُرُ اللَّهُ...﴾					
۱۴	﴿وَاصْبِرْ وَمَا...﴾					
۱۵	﴿إِنْ أَحْسَنْتُمْ...﴾					

ردیف	آیات	خوب خواندم	خوب فهمیدم	حفظ کردم	زندگی کردم	سفیر شدم
۱۶	﴿قُلْنَا لَا تَخَفْ...﴾					
۱۷	﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا...﴾					
۱۸	﴿وَلْيَتُفَكِّرُوا وَلْيُتَضَفَّحُوا...﴾					
۱۹	﴿فَلَا تُطِيعِ الْكَافِرِينَ...﴾					
۲۰	﴿أَحْسِبِ النَّاسَ...﴾					
۲۱	﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا...﴾					
۲۲	﴿إِنَّ الشَّيْطَانَ...﴾					
۲۳	﴿وَإِنْ جُنَدْنَا...﴾					
۲۴	﴿إِنَّ الَّذِينَ...﴾					
۲۵	﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ...﴾					
۲۶	﴿فَلَا تَهِنُوا...﴾					
۲۷	﴿لِكَيْلَا تَأْسَوْا...﴾					
۲۸	﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ...﴾					
۲۹	﴿فَاقْرَأُوا مَا...﴾					
۳۰	﴿فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ...﴾					



برای شنیدن صوت آیات، دیدن کلیپ‌های جذاب، شرکت در مسابقات و دریافت پوسترهای باکیفیت برای استوری و پروفایل و هزاران محصول مکتوب و رسانه‌ای جذاب، همین حالا به این فروشگاه‌های مجازی سرزن:

کلی مسابقه و کلی جایزه
zendegibaayeha.ir



کلی محصول جذاب برای ۳۰ آیه
mzbah.com



سفیران آیه‌ها
safiranayeha.ir



کانال زندگی با آیه‌ها
eitaa.com/zendegibaayeha

